



مرکز تحقیقات رایانگی

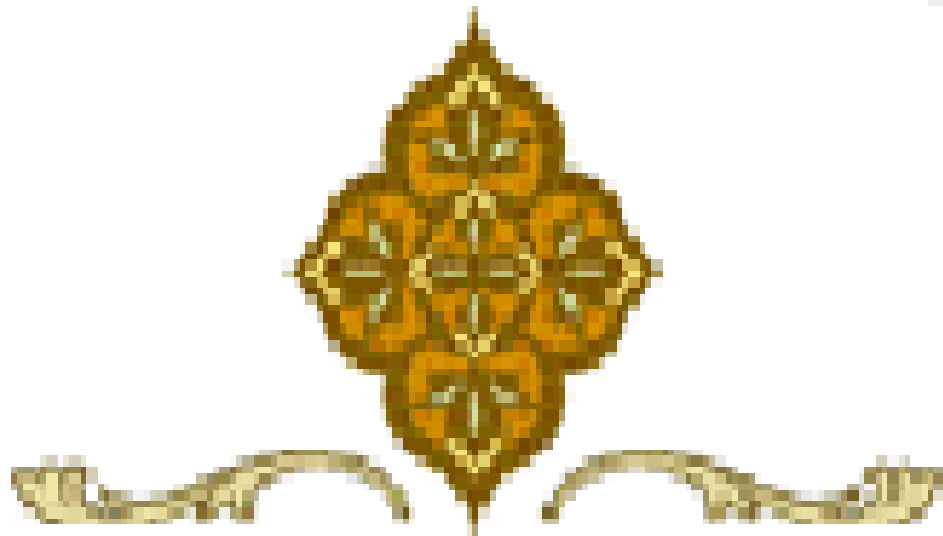
اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوة  
والتسلیمة

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



# تذکرہ میر تقی میر

در احادیث معصومین (ع)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# سیمای خوشبختی

نویسنده:

حمید رسائی

ناشر چاپی:

بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۹	سیمای خوشبختی در احادیث معصومین علیه‌السلام
۹	مشخصات کتاب
۹	مقدمه
۱۰	بخش اول : خوشبختی ، واقعیت یا خیال
۱۰	مقدمه
۱۱	تعریف خوشبختی
۱۳	عوامل خوشبختی
۱۳	آیا برای رسیدن به خوشبختی نیاز به راهنما داریم ؟
۱۴	معنای طوبی (۱۴)
۱۶	بخش دوم : عوامل خوشبختی
۱۶	عوامل اعتقادی
۱۶	الف ( توحید
۱۶	ب ( نبوت
۱۷	ج - امامت
۱۷	تشیع
۱۹	شناخت ائمه اطهار علیهم السلام
۲۰	محبت ائمه اطهار علیهم السلام
۲۲	پیروی از ائمه اطهار علیهم السلام
۲۴	انتظار فرج
۲۴	صبر بر سختیهای غیبت امام عصر علیه السلام
۲۵	یاری امام عصر علیه السلام
۲۶	سوگواری ائمه اطهار علیهم السلام

- ۲۶ ..... زیارت مرقد امام حسین علیه السلام
- ۲۶ ..... (د) معاد
- ۲۶ ..... عمل برای آخرت
- ۲۷ ..... عفو الهی در آخرت
- ۲۸ ..... ورود به بهشت
- ۲۸ ..... عوامل عبادی
- ۲۸ ..... عبادت خداوند سبحان
- ۲۹ ..... ذکر و یاد خداوند سبحان
- ۳۰ ..... قرائت قرآن
- ۳۱ ..... نماز در مسجد
- ۳۱ ..... تهجد و شب زنده داری
- ۳۳ ..... روزه
- ۳۳ ..... عوامل خانوادگی
- ۳۴ ..... عوامل اجتماعی
- ۳۴ ..... هم نشینی با نیکان
- ۳۵ ..... ترحم بر مردم
- ۳۶ ..... مردم شناسی
- ۳۶ ..... مردم داری
- ۳۷ ..... عزلت (۲۳۴)
- ۳۸ ..... عوامل اخلاقی
- ۳۸ ..... قلب پاک
- ۳۸ ..... غلبه بر هوای نفس
- ۳۹ ..... تقوا
- ۴۱ ..... ترس از خداوند سبحان

۴۱	زهد و پارسایی
۴۳	توبه
۴۳	گریه بر گناه
۴۴	تواضع
۴۴	اطاعت از خداوند سبحان
۴۵	اخلاق و سیرت نیکو
۴۵	عمل صالح
۴۶	عمل به سنن الهی
۴۶	قبول نصیحت
۴۷	آرزوی کوتاه
۴۷	ترک شهوت
۴۸	حفظ زبان
۴۸	راستگویی
۴۹	قناعت
۴۹	سپاسگزاری نعمتها
۴۹	شکوه و وقار
۴۹	غلبه بر خشم
۵۰	عوامل علمی
۵۰	تحصیل دانش و علوم دینی
۵۲	عمل به علم
۵۲	تعلیم و تعلم دانش
۵۲	احترام به علماء
۵۲	عوامل اقتصادی
۵۲	کسب حلال

۵۳	کفاف (۴۰۴)
۵۳	انفاق مال
۵۳	صبر بر فقر
۵۶	عوامل نظامی
۵۶	جهاد و شهادت
۵۶	بخش سوم : نمونه افراد خوشبخت
۵۶	محمد صلی الله علیه و آله و سلم
۵۷	علی علیه السلام
۵۸	اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۵۸	اصحاب امام علی علیه السلام
۵۸	اشاره
۵۸	خوشبختی کاذب
۵۹	شجره طوبی
۶۲	پی نوشتها
۶۲	۱ تا ۱۵۰
۶۶	۱۵۱ تا ۳۰۰
۷۰	۳۰۱ تا ۴۶۳
۷۵	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان



## سیمای خوشبختی در احادیث معصومین علیه السلام

## مشخصات کتاب

سرشناسه: رسائی، حمید، ۱۳۴۷ - عنوان و نام پدیدآور: سیمای خوشبختی در احادیث معصومین علیه السلام/حمید رسائی. مشخصات نشر: قم: بوستان کتاب قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری: ۲۱۶ص. فروست: موسسه بوستان کتاب؛ ۶۱۷. اخلاق اسلامی؛ ۱۶. اخلاق علوم تربیتی؛ ۶۴. شابک: ۱۸۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۵۴۸۰-۴۸-۵؛ ۱۸۰۰۰ ریال: چاپ چهارم ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۸-۶۸۱-۳؛ ۲۹۰۰۰ ریال: چاپ پنجم ۹۷۸-۹۶۴-۰۹۰۳-۷۱-۱: یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: - Hamid e Rasaii. Sima - ye Khoshbakti dar ahadi the - e ma Sumin. the Face of happiness in the traditions of the infallibles یادداشت: ص.ع. به عربی: سیماء السعاده فی احادیث المعصومین علیهم السلام. یادداشت: چاپ قبلی تحت عنوان "سیمای خوشبختی در احادیث طوبی" در سال ۱۳۷۷ منتشر شده است. یادداشت: چاپ سوم. یادداشت: چاپ چهارم: ۱۳۸۶. یادداشت: چاپ پنجم: ۱۳۸۸. یادداشت: عنوان عطف: سیمای خوشبختی. عنوان عطف: سیمای خوشبختی. عنوان دیگر: سیمای خوشبختی در احادیث طوبی. موضوع: خوشبختی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام موضوع: اخلاق اسلامی موضوع: احادیث اخلاقی -- قرن ۱۴ موضوع: راه و رسم زندگی (اسلام) موضوع: خوشبختی -- احادیث. شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. بوستان کتاب قم رده بندی کنگره: BP۲۵۸/۵س ۹ ۱۳۸۵ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۲ شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۹۴۶۰۷

## مقدمه

قرآن و عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دو سرچشمه ناب معارف اسلام اند که رهروان را به سوی کمال و سعادت رهنمون می‌شوند. این دو چشمه فیاض الهی، از ابتدای ظهور، عطش روحی انسانهای زیادی را فرو نشانده و گمراهان بسیاری را به سر منزل هدایت روانه ساخته اند. استفاده از روشهای گوناگون تحقیق و نگارش، در این دو ثقل به یادگار مانده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، که سلیقه‌ها و فهمهای مختلف اجتماعی را ارضاء کند، راهی مفید برای گسترش فرهنگ قرآن و حدیث است. (۱) به کار بردن عنوانهای جذاب و دسته بندی جدید احادیث شیوه ای است که علاوه بر ساده تر تمدن معارف دینی، بر اشتیاق مخاطب نیز می‌افزاید. از این رو برای ترویج احادیث معصومین علیهم السلام در جامعه نیز باید چنین شیوه ای را در پیش گرفت. این مجموعه در این زمینه، با تکیه بر یکی از عناوین این کوثر الهی، فروتنانه در پی آن است که برای نخستین بار، با تمسک به واژه طوبی، اسباب خوشبختی و زندگی طیب و پاک را در کلام آن بزرگواران جستجو کند و سهی ناچیز در احیای معارف سرشارشان داشته باشد. مجموعه حاضر در سه بخش تنظیم شده است: نخستین بخش آن، بحثی اجمالی درباره خوشبختی و سعادت، معنای طوبی و نقش آن در بیان معیارها و عوامل خوشبختی است؛ در این بخش سعی شده تا جستارهایی از موضوع سعادت و خوشی - با برداشت و استفاده از کتب و دیدگاه‌های استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله - به گونه ای خلاصه و اجمالی، در اختیار خواننده قرار گیرد. بخش دوم و سوم در بردارنده مجموعه روایات معصومین علیهم السلام است که در آنها با استفاده از کلمه طوبی، اسباب خوشی انسان در هر دو جهان، بیان شده است. (۲) در تحقیق و تنظیم این مجموعه، به نکات زیر توجه شده است: الف) جمع آوری تمام احادیث شیعه و سنی که در آنها معصومین علیهم السلام با بکار بردن واژه طوبی افراد خوشبخت را معرفی کرده اند. این مرحله با استفاده از نرم افزارهای کامپیوتری و معجم‌های لفظی و فهرستهای مختلف انجام شده است. ب) استخراج منابع و مصادر مختلف برای هر یک از احادیث (۳) و ذکر اختلافات مهم به منظور استفاده محققان و دانش

پژوهان . ج ) تکرار احادیث با عنایت به ارتباط آنها با عنوان و اهمیت محتوای حدیث بوده است . د ) ترتیب قرار دادن احادیث نیز بر حسب دلالت آن بر عنوان انتخاب شده است . در پایان لازم می دانم از همسر صالحه ام که مشکلات جانبی تحقیق را تحمل نموده سپاسگزاری نمایم و همچنین از تمامی عزیزانی که در تهیه این اثر ، با همفکریهای خود ، راه را برایم هموار نمودند بویژه برادر بزرگوار حجة الاسلام و المسلمین سید کاظم طباطبائی و ویراستار محترم آقای سعید رضا علی عسکری تشکر کنم . از مؤسسه فرهنگی دارالحدیث نیز که امکان استفاده از کتابخانه و بانک اطلاعات کامپیوتری خود را در اختیارم نهاد صمیمانه تشکر می کنم و توفیق همگان را از خداوند مسئلت می نمایم . آرزومندم این تلاش ناچیز ، مقبول در گاه خدای سبحان باشد و رضایت خاطر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم ، بویژه حضرت ولی عصر علیهم السلام را به همراه داشته باشد . حمید رسائی اول فروردین ۱۳۷۶ ۱۱ ذیقعده ۱۴۱۷ میلاد فرخنده امام رضا علیهم السلام

## بخش اول : خوشبختی ، واقعیت یا خیال

### مقدمه

بدون شک هدف از خلقت هستی و به دنبال آن خلقت انسان و پدید آمدن زندگی بشری ، رساندن انسان به نقطه کمال و وصول او به بالاترین رتبه انسانی ، یعنی مقام قرب و عبودیت است . از این رو انسان فطرتاً موجودی کمال جو و سعادت طلب است و همواره در پی رشد و پرورش استعدادهای درونی و فطری خویش است . بدیهی است که مسئله سعادت و خوشبختی و اندیشیدن در راههای رسیدن به آن ، از مباحثی است که ذهن هر انسان پویا و طالب رشد و تعالی را آرام ننهد و همچون آبی گوارا ، سرشت تشنه او را بسوی خود فرا می خواند . به سخن دیگر ، هر انسانی در فطرت خود ، چنین حالت جستجوگری را احساس می کند ، اما تمام انسانها ، این قوه درونی را به فعلیت نرسانده و آن را به منصفه ظهور نکشانده اند . این به فعلیت در نیامدن از آن جهت است که گوهر سعادت و خوشی امری وابسته به قوه عقل است و انسانهایی در آرزوی وصول به آن بسر می برند که در تقویت قوه عاقله خود و چیره ساختن آن بر قوای حیوانی ، از هیچ کوششی فرو گذار نکنند . در واقع ، انسان دارای دو گونه حیات و زندگی است ، حیاتی ظاهری و غیر انسانی ، و حیات معنوی و الهی . کسانی به خوشبختی و حیات طلب معتقدند که حیات معنوی و الهی را بر حیات ظاهری و غیر انسانی چیره سازند . به همین دلیل در جوامع ماشینی امروز ، بویژه جامعه غربی ، که میدان دادن پرداختن به حیات حیوانی اثری از حیات معنوی در آنان باقی نگذاشته است ؛ عده ای بر این باورند که نه تنها گوهر خوشبختی و سعادت دست یافتنی نیست ، بلکه اساساً چنین گوهری وجود نداشته و جهان ، جز شد و بدبختی و یأس ، بر چیز دیگری استوار نشده است . ترویج این فکر شیطانی سبب شده که پیروان این نظریه غالباً در زندگی خود مأیوس بوده و سرانجام ، دست به خودکشی بزنند . (۴) استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری با استفاده از آیه ذیل به تحلیل اشتباه این مسلک می پردازد :  
واتوا السیوت من ابوابها و اتقوا الله لعلکم تفلحون (۵) پسندیده آن است که به خانه ها از درها وارد شوید و از خدا بترسید تا رستگار شوید . این دستورالعمل در آغاز بسیار ساده به نظر می رسد ، چرا که هر عاقلی می داند ، برای ورود به خانه باید از راه ورودی آن استفاده نمود ، اما آیه در صدد بیان مطلبی شیرین تر است ، و آن این که تنها خانه نیست که در مخصوص داشته ، بلکه زندگی ، خوشبختی و حیات طیب نیز در مخصوص به خود دارد . بسیاری از افراد ، تمام عمر را رد پس دیوار زندگی گذرانده و در سعی و تلاش برای رسیدن به محوطه خوشبختی ، آب در هاون می کوبند و سرانجام ، دچار همین تزلزل اعتقادی شده و وجود گوهر سعادت را منکراند ، در حالی که خداوند سبحان در دو جمله ، مدخل خوشبختی و برخورداری از حیات طیب را نشان داده است ، آنجا که می فرماید : الذین امنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن ماب (۶) کسانی که ایمان آورده و عمل صالح و نیکو

انجام می دهند، (یعنی از در مخصوص زندگی وارد می شوند) خوشا زندگیشان و نیکو باد فرجامشان. بنابراین نه تنها خوشبختی و سعادت وجود دارد، بلکه راه وصول به آن، با برتری دادن حیات معنوی بر حیات حیوانی، بسیار هموار و ممکن است.

### تعریف خوشبختی

آنان که به سعادت اعتقاد دارند و بنابر فطرت خویش به دنبال آن هستند، در تشخیص خوشبختی به نقطه واحدی نرسیده اند و دیدگاه های مختلفی از سعادت و خوشبختی ارائه داده اند. برای بررسی این دیدگاه ها چاره ای جز بیان رابطه معنای سعادت با مفاهیم مربوط به آن نداریم. الف) رابطه خوشبختی و لذت: برخی کامیابی از امکانات موجود و رسیدن به لذتهای ظاهری و باطنی انسان را خوشبختی دانسته و محروم بودن از آنها را رنج و شقاوت بر شمرده اند. حتی بسیاری از کسانی که باورهای دینی دارند و با همین باورها زندگی می کنند نیز دچار این اشتباه شده و دست یافتن به این لذتها را اوج خوشی خود می دانند، و حال آن که پس از مدتی و گاه پس از رسیدن به این لذتهای ناپایدار، دچار پشیمانی شده و راه را از چاه تشخیص می دهند. در حالی که انسان خوشبخت کسی است که هرگز از رسیدن به سعادت، دچار پشیمانی نشده و حسرت ایام گذشته را به دل راه نمی دهد. در واقع لذت، که نشانه ای از یک احساس درونی و مربوط به زمان حال است، پیرو مطبوع بودن و یا نبودن شیء خارج برای نفس است، و لیکن سعادت و خوشی زندگی امری فراتر از درون و بیرون انسان است. خوشبختی، به مجموعه انسان تعلق می گیرد و اختصاص به زمان حال نداشته، بلکه شامل آینده نیز می شود. خوشبختی تابع مصلحت داشتن یا نداشتن عمل است، نه مطبوع بودن یا نبودن. بدین معنا که انسان با کمک گرفتن از قوه عاقله و دستورهای شرع، به ارزیابی ظرفیتهای خود می پردازد و عملی که ظرفیت بیشتری را از او سیراب کند بر می گیرند. چه بسیار اعمالی که مورد قبول طبع انسان است ولی به مصلحت او نیست و یا به عکس آن. کامیابی از لذت، مربوط به یک عضو و یا دسته ای خاص از اعضای انسان است، که با بکار گرفتن گزینه بدست می آید و به عبارتی، یک مطلوب غریزی است؛ بدین سان تشخیص آن به وسیله تجربه، بسیار آسان و محدود است. و لیکن با نیل به خوشبختی، تنها یک عضو از اعضای انسان کامیاب نمی شود بلکه این مجموعه انسان است که به اوج می رسد. بدین جهت تشخیص عوامل آن، مشکل و بستگی به تفسیر هستی و جهان بینی هر فرد دارد. حال اگر خوشبختی، به معنای وصول به لذت باشد، آیا باید انسانی را که با پیروی از گزینه خود، به لذتی کوتاه دست می یابد - هر چند از راه مشروع - خوشبخت دانست؟ و یا فردی را که با داشتن قدرت مالی - به کامیابی از امکانات اطراف خویش مشغول است، سعادت مند شمرد؟ چه بسیاری از افرادی که در اوج ثروت و لذت، در لحظاتی به یک بن بست رسیده و احساس عطش درونی خود را ظاهر ساخته و به شکست در زندگی اعتراف می کنند. بنابراین، باید گفت: لذت، مقارن با خوشبختی است و هر مرحله ای از سعادت و خوشی زندگی، لذتی را به همراه دارد، اما نیل به هر گونه لذتی خوشبختی نیست. چه بسا لذتهایی که مانع از لذت شیرینتر شده و یا مقدمه ای برای رنجی دردناکتراند. ب) رابطه خوشبختی و آرزو: جمعی دیگر چنین پنداشته اند که سعادت و خوشبختی انسان در تحقق یافتن آرزوهای اوست، چنان که بیشتر مردم در بیان خوشبختی خود، آرزوها و نیل به آنها را بیان می کنند، و سعادت کامل را برای کسی می دانند که به تمام آرزوهای خود رسیده است؛ و اگر به بخشی از آنها رسیده باشد، به همان اندازه آن شخص را خوشبخت می دانند، و کسی را که به هیچ یک از آرزوهای خود دست نیافته باشد، بدبخت و بیچاره می دانند. در پاسخ به چنین پنداری باید گفت که آرزو با خوشبختی در ارتباط است؛ ولی نیل به آرزوها ضامن سعادت انسان نیست. امید و آرزو سبب تحرک و تلاش انسان می شود. انسان در آرزوی سعادت و برای رسیدن به آن، به سختیهای روحی و جسمی تن در می دهد؛ اما با این همه، اسلام از یک سو به محدود کردن آرزوها دستور داده، و از سوی دیگر عمیق کردن آنها را سفارش نموده است. امام علی علیه السلام - آگاه ترین مرد عالم اسلام پس از ورود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بیان

معیارهای خوشبختی انسان به کوتاهی آرزوها اشاره نموده و می فرماید: طوبی لمن قصر امله و اغتم مهله (۷) خوشا به حال کسی که آرزوهای خود را کوتاه کند و فرصتهایش را غنیمت شمارد. علاوه بر آن، در بسیاری از موارد انسان پس از دستیابی به آرزوی خود، از رسیدن به آن احساس ندامت و پشیمانی می کند. در جامعه امروز، بسیاری در آرزوی رسیدن به آزادی کامل و رهایی از قید و بندهای اخلاقی، با تلاش و تکاپوی بسیار، خود را به غرب، سرزمین آزادیهای ضد انسانی، می رسانند، اما پس از چندی نه تنها خوشی را در کنار خود نمی یابند، بلکه خود را در نهایت شقاوت، بدبختی و افسردگی می بینند، حال آن که انسان پس از رسیدن به سعادت و خوشبختی، احساس ندامت نخواهد کرد. همچنین آرزوی آدمی، تابع میزان فهم و علم اوست. انسان همواره در آرزوی چیزهایی است که آنها را سودآور می بیند و بسیاری از راههای خوشبختی را آرزو نمی کند، چرا که آنها را نمی شناسد یا آنها را به ضرر خود می پندارد و این دو مسأله ناشی از جهل انسان و فقر معنوی اوست. قرآن کریم با تکیه بر این مطلب می فرماید: عسی اءن تکرهوا شیئا و هو خیر لکم و عسی اءن تحبوا شیئا و هو شر لکم و الله یعلم و اءنتم لا تعلمون (۸) بسا چیزی را ناخوش بدارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می دارید و آن برایتان بد است. خدا می داند و شما نمی دانید. ج) رابطه خوشبختی و رضایت: دسته سوم خوشبختی هر فرد را، رضایت و خشنودی او از وضع موجودش می دانند. بر این اساس، رضایت؛ یعنی خشنودی از حال و مرتبه ای که در آن هستیم؛ مرحله ای که پس از تحقق یافتن آرزو قرار دارد. در حالت رضایت، پشیمانی راه ندارد، چرا که فرض ما بر این استوار است که شخص از وضع موجود راضی است، بنابراین اشکال اول آرزو، بر آن وارد نیست. همچنین احساس رضایت، حالتی است که تمام وجود انسان را سرشار و بهره مند می سازد و یک جنبه و مربوط به عضو خاصی نیست. بدین جهت اشکال مطرح شده در لذت نیز شامل آن نخواهد شد. با این وجود، هنوز نمی توان کسانی را که از وضع موجودشان راضی هستند، سعادتمند دانست؛ چرا که رضایت نیز مانند آرزوهای انسان، تابع علم و جهل بوده و با سطح فکر انسان در ارتباط است. انسانهای بسیاری از وضع موجود خود در کمال رضایت اند، ولی این رضایت و خیال خوشبختی آنان به علت جهل و ناتوانی از وصول به مراتب بالاتر است. دو فرد را در نظر بگیرید؛ یکی در آرزوی رسیدن به وسایل عیش و نوش است و دیگری در آرزوی طی نمودن مراتب علمی و فکری، هنگامی که هر دو به مطلوب خود برسند و در کمال رضایت بسر برند، کدامیک را می توان خوشبخت نامید؟! بنابراین آنچه در سعادت انسان نقش اساسی دارد، موضوع رضایت است نه حالت رضایت؛ یعنی، آنچه انسان بدان راضی می شود اهمیت دارد، نه حالت رضایت. (و) رابطه خوشبختی و نبود رنج: در تمام موارد قبل، خوشبختی و سعادت را یک امر وجودی دانسته و درباره آن بحث نمودیم، اما اگر سعادت را امری عدمی معنا کنیم؛ یعنی، سعادت را معادل با نبودن رنج و درد بیان کنیم - چنانچه این فکر در بین بیشتر مردم رایج است - آیا به تعریف درستی از سعادت دست یافته ایم؟ واقعیت این است که این دیدگاه، ناشی از جهل و عدم آشنایی انسان با حکم الهی است. چرا که آدمی هر روز در کنار خود بسیاری از رنج ها و مصیبتها را می بیند که مقدمه ای برای رسیدن او به خوشیهای بیشتر و بالاتر می شود. چه دردها و بیماریهایی که خود درمان و سدی در برابر دردهای بی درمان در انسان خواهد بود؛ چرا که سبب اختراع ابزار و امکاناتی شده است که به وسیله آن ابزار، از دردها و امراض ناگوارتر جلوگیری به عمل می آید. بنابراین، نبودن این درد و رنجها، نه تنها باعث سعادت انسانها نیست، بلکه در بسیاری از موارد، وجود رنج و درد مقدمه وصول به سعادت است. مولوی، آن شاعر عارف و نکته سنج، با بیانی دل انگیز به این نکته اشاره نموده است: حسرت و زاری که در بیماری است وقت بیماری همه بیداری است هر که او بیدارتر، پردردتر هر که او هشیارتر رخ زردتر پس بدان این اصل را ای اصل جوهر که را درد است، او بر دست بو بنابر این مصیبتها، مادر خوشیها و سعادتها هستند. در واقع درصدی از سعادتها، مرهون وجود بلاها و دشواریهاست، همانطور که گاهی در دل خوشبختیها، شقاوتها و بدبختیها تکوین می یابد؛ با این تفاوت، سعادت که مربوط به مرتبه روح و روان است، متولد از یک شقاوت و بدبختی درونی نیست، و هر سعادت و خوشی خارج - خارج از روح - نیز می

تواند باعث تولد یک شقاوت و یا رنج و بدبختی بیرونی و خارج باشد. به عنوان مثال، زیبایی یا ثروت و... یکی از عوامل سعادت و خوشبختی خارج از روح و روان است، اما همین عامل سعادت، می‌تواند باعث بدبختی صاحبش شود، چرا که مقدمه ورود او در بسیاری از گناهان و رنجها خواهد بود. بنابراین سعادت یک مفهوم عدمی؛ یعنی، نبود درد و رنج نیست، بلکه مفهومی وجودی است و با لذت، آرزو و رضایت ارتباط دارد. (ز) رابطه خوشبختی و کمال: سعادت ارتباطی نزدیک و همسان با کمال دارد و به گفته ابن سینا (که استاد شهید مرتضی مطهری نیز بر آن صحنه نهاده است) (۹): سعادت عبارت از به فعلیت رسیدن استعدادهای انسان بطور یکنواخت و هماهنگ است، که موجب کمال انسان می‌شود. یعنی فعلیت یافتن استعدادهای روحی در مراحل عبادی، سلامت نفس در مسائل اقتصادی، رام نمودن هوای نفس در بعد اخلاقی و بدوش کشیدن وظایف اجتماعی، که شرع، عقل و وجدان بر عهده او نهاده است. خوشی زندگی؛ یعنی، وصول به حد اعلای این مراتب که همواره با لذت، رضایت، سرور و خوشحالی روحی همراه باشد.

### عوامل خوشبختی

عوامل سعادت، با توجه به روایتهای موجود در این کتاب به، دسته‌های اعتقادی، عبادی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و علمی (۱۰) تقسیم می‌شود. استاد شهید مرتضی مطهری با استفاده از تقسیم ارسطو، عوامل سعادت را در سه دسته بیان می‌کند: عوامل روحی، عوامل بدنی، عوامل خارجی. (۱۱) البته درجه تاثیر هر یک از این عوامل سه گانه، در استعدادها و قوای درونی انسان متفاوت است. در واقع عوامل روحی، متضمن درصد بیشتری از سعادت و خوشبختی انسان است و عوامل بدنی؛ مانند، زیبایی و سلامت نسبت به عوامل روحی، از درصد کمتری برخوردار است، اما نسبت به عوامل خارجی، مانند پول و قدرت، درصد تاثیر گذاری بیشتری دارد. سؤال این است که چرا بیشتر مردم، این نسبتها را وارونه دیده و درصد تاثیر گذاری عاملی چون پول را - که عامل خارجی است - از عوامل بدنی و حتی عوامل روحی، بیشتر می‌دانند؟ می‌توان گفت که این بینش، به نوع جهان بینی و بکار نگرستن قوه عقل باز می‌گردد. چنانچه گذشت، سعادت یک مفهوم عقلی است نه مطلوب احساسی، و از آنجا که بیشتر انسانها در یافتهها و معلوماتشان از محسوساتشان ناشی می‌شود، این سیر را وارونه می‌بینند و شخص ثروتمند و دارای مقام اجتماعی را، خوشبخت تر از یک انسان مؤمن و معتقد به اصول اخلاقی می‌دانند. در حالی که فقدان عامل بدنی و خارجی، با عوامل روحی قابل جبران است، ولی نبود عامل روحی با عوامل بدنی و خارجی به هیچ وجه جبران پذیر نیست. از این رو سعادت و خوشی زندگی مراتبی دارد و کسانی به سعادت بیشتری خواهند رسید که عوامل بدنی و خارجی را بر عوامل روحی مقدم نکنند. در واقع می‌توان عامل اصلی سعادت را خود انسان دانست؛ یعنی، همان رابطه حیات معنوی با حیات ظاهری، رابطه انسان با نفس خودش که آن را اخلاق می‌نامند.

### آیا برای رسیدن به خوشبختی نیاز به راهنما داریم؟

پیش از این بیان شد سعادت و خوشی زندگی، مفهومی عقلی است نه مطلوب احساسی. آری اگر سعادت را همسان با لذت و در آن خلاصه می‌کردیم، چون با غریزه انسان مرتبط بود و هر انسانی دارای غریزه است، انسان خواه ناخواه، خوشی خود را می‌یافت. اما سعادت به معنای ارائه طرحی جامع است که تمام راههای به ظهور رساندن قدرتهای بالقوه درونی انسان را نشان دهد، و او را از نظر اخلاقی به بالاترین درجه برساند و از نظر عبادی به شیرین ترین لحظه‌های ارتباط با مبدء هستی رهنمون سازد. پرسش این است که ارائه چنین طرحی به تنهایی برای انسان چگونه ممکن است؟ انسانی که با فتح قله‌های علم و صنعت، هنوز در شناخت خود عاجز مانده و نام انسان، موجودی ناشناخته را برای خود برگزیده است، چگونه توان ارائه راههای سعادت و خوشی

زندگی را داراست؟ بدیهی است بیان این اسباب و عوامل خوشبختی، فرع بر شناخت انسان و آشنایی با ظرفیتهای مختلف این موجود مرموز است که انسان غیر معصوم قادر به تشخیص آن نیست. همانگونه که امام علی علیه السلام بدان اشاره نموده است: قال الناس لشیء طوبی له الا وقد خبئه الله یوم سوء. (۱۲) مردم برای چیزی خوشا به حال او نگفته اند مگر آن که روزگار روز بدی را برای او فراهم ساخته است. از طرفی چگونه ممکن است خداوند سبحان که برای تمامی نیازهای درونی انسان پاسخی در خارج قرار داده است (مانند تشنگی که به آب و شهوت جنسی که به جنس مخالف رفع می شود) این عطش درونی انسان را (یعنی جستجو به دنبال خوشبختی) بدون پاسخ رها کرده باشد؟ در پاسخ، باید در فلسفه بعثت انبیا و امامت اولیای الهی دقت نمود، چرا که این بزرگواران همچون طیبیان دلسوز و درد آشنا، تنها نسخه این نیاز درونی را به همراه دارند؛ از این رو با بهره جویی از کلام آن عزیزان و پیمودن راهشان، تنها راه خوشی زندگی را جست. اما انسان انتخابگر، با وجود راه ها و راهنمایان الهی، گاه در طریقی قدم می گذارد که سرانجامش کفران نعمتهای الهی است. انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا (۱۳) ما راه را به انسان نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس.

### معنای طوبی (۱۴)

چنانکه بیان شد معصومان علیهم السلام معیارهای خوشبختی را با الفاظی، همچون فلاح، سعادت، نجات، فوز و طوبی بیان نموده اند و از آنجا که در این کتاب تلاش شده است تا معیارهای خوشبختی، بر اساس واژه طوبی تبیین شود، تنها به تحلیل معنای این واژه می پردازیم. طوبی از ماده طیب (۱۵) است و اهل لغت آن را مصدری بر وزن فعلی (۱۶) و یا مؤنث اءطیب (۱۷) دانسته اند. واژه مقابل آن ویل (۱۸) به معنای وای و بدا که اشاره به شدت ناراحتی از کسی است و یا به معنای چاهی در جهنم می باشد. شیخ طوسی، در تفسیر التبیان (۱۹) برای لفظ طوبی معانی مختلفی همچون: ۱. زندگی پاک ۶. زندگی به همراه خیر و کرامت ۲. فرح و چشم روشنی ۷. بهشت ۳. نیکویی ۸. درختی در بهشت ۴. چه خوب است ۹. پاکیزه ترین چیزها ۵. زندگی مورد غبطه ۱۰. خوشا به حال ذکر کرده و در پایان، همه آنها را به هم نزدیک و مربوط دانسته است. علامه طباطبایی در مورد این معنا می فرماید: بیشتر این معانی از باب تطبیق بر مصداق است، نه اینکه از ظاهر آیه استفاده شده باشد. (۲۰) و اما در روایات معصومین علیهم السلام تنها مصداقی که بدان تصریح شده، همان درختی است که در خانه بهشتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام قرار دارد. (۲۱) تفاسیر روایی نیز پس از تفسیر آیه ۲۹ سوره رعد، به نقل این روایات پرداخته اند. و لکن با جمع بندی روایات دیگر و قرار دادن آنها در کنار این روایات در می یابیم که نمی توان طوبی را تنها به معنای درخت یاد شده دانست؛ چرا که در دسته ای از روایات به یقین طوبی به معنی درخت بهشتی نیست، بلکه با واژه هایی، چون خوش به حال و خوشا زندگی سازگارتر است. (۲۲) تفاسیر روایی نیز پس از تفسیر آیه ۲۹ سوره رعد، به نقل این روایات پرداخته اند. در این معنای درخت بهشتی طوبی، احادیث بسیاری از طریق شیعه و اهل سنت روایت شده است، و از ظاهر آن بر می آید که در مقام تفسیر آیه نبوده، بلکه ناظر به باطن آیه است. بنابر این حقیقت، معیشت طوبی، همان ولایت خدای سبحان است و علی علیه السلام صاحب آن ولایت و از میان امت پیامبر، او اولین گشاینده در آن است، و مؤمنان اهل ولایت، اتباع و پیروان او هستند، و خانه او در بهشت نعیم، که بهشت ولایت است با خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یکی است و تراحم و اختلافی میان آن دو نیست. (۲۳) در واقع می توان چنین نتیجه گرفت که طوبی یک معنای لغوی و عام (زندگی خوش، خوشا به حال) داشته و یک معنای اصطلاحی و خاص (درخت بهشتی) و می توان گفت معنای اصطلاحی آن از معنای لغوی اخذ شده است. بدین گونه که عرب برای اینکه بگوید فلان شخص سعادت مند و خوشبخت است، از واژه طوبی استفاده می کند، و از آنجا که هر کس در آخرت، از سایه درخت رسالت و ولایت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم و علوی علیه السلام بهره مند شود، انسان خوشبخت و سعادت مندی



خواهد بود، برای نام آن درخت نیز از واژه طوبی استفاده شده است. با توجه به این تفصیل، در ترجمه احادیث این کتاب، تنها در صورتی واژه طوبی را به درخت بهشتی معنا کرده ایم که در لسان معصوم علیه السلام بدان تصریح شده باشد (۲۴) و در روایات دیگر، تناسب فضای کلام معصوم، یکی از معانی طوبی مانند خوشا به حال آورد شده است. (۲۵) طوبی در قرآن کریم در قرآن کریم نیز همچون روایات، معیارهای خوشبختی، با الفاظ متفاوتی بیان شده؛ ولیکن واژه طوبی، فقط یک بار در قرآن بکار رفته است: و يقول الذین كفروا لولا انزل علیه آیه من ربه قل ان الله یضل من یشاء و یرحم من یرحم ان الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب \* الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب (۲۶) و کسانی که کافر شده اند می گویند: چرا از جانب پروردگارش معجزه ای بر او نازل نشده است؟ بگو: در حقیقت خداست که هر کس را بخواهد در بیراهه وا می گذارد و هر کس را که سوی او باز گردد به سوی خود راه می نمایاند (همان) کسانی که ایمان آورده اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام گیرد؛ بدانید که با یاد خداست که دل‌ها آرام می گیرد\* کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، خوشا به حالشان و نیکو باد فرجامشان. استاد شهید مطهری، به نکته جالبی در بیان این آیه اشاره می فرماید: نکته جالب در این آیه کریمه این است که قرآن کریم، مردم بی ایمان و بدکار را زنده و احساس نمی خواهد و می فرماید: کسانی که کاری کنند و ایمان و علاقه به معنویت داشته باشند، آنها را زنده می کنیم و از مردگی خارج می سازیم، آن وقت می فهمند معنای خوشی و سعادت چیست. (۲۷) چنانچه بیان شده، بیشتر تفاسیر در بیان آیه یاد شده، طوبی را به معنای درختی بهشتی معرفی کرده اند و احتمال معانی دیگر را نیز داده اند؛ اما به بسط آن پرداخته اند. در این میان مفسر کبیر قرآن علامه طباطبایی با زیبایی تمام به این کار پرداخته است، که ما در اینجا به عنوان حسن ختام، پایان نخستین بخش کتاب را به کلام آن قرآن شناس بزرگ اختصاص می دهیم و در بخش دوم کتاب به بررسی اسباب سعادت و خوشی زندگی، با استفاده از واژه طوبی می پردازیم: کلمه طوبی بر وزن فعلی، به ضم فاء، مؤنث اطیب (پاکیزه تر) است و صفتی است برای موصوف محذوف، و آن موصوف بطوری که از سیاق بر می آید، عبارت از حیات و یا معیشت است. زیرا نعمت هر چه که باشد، از این رو گوارا و مورد غبطه است که مایه خوشی زندگی است، و هنگامی مایه خوشی و سعادت است که قلب با آن سکونت و آرامش یابد، و از اضطراب رها شود. چنین آرامش و سکونتی برای احدی دست نمی دهد، مگر آن که به خدا ایمان داشته باشد، و عمل صالح انجام دهد. پس تنها خداست که مایه اطمینان خاطر و خوشی زندگی است. آری، چنین کسی از شر و خسران، در آنچه پیش می آید، ایمن و سالم است، و چگونه نباشد، در حالی که به رکنی تکیه زده که انهدام نمی پذیرد؟ او خود را در تحت ولایت خدای تعالی قرار داده، هر چه برایش تقدیر کند مایه سعادت اوست، اگر چیزی به وی عطا کند خیر اوست، و اگر هم منع کند باز خیر اوست. چنانکه حضرت باری تعالی در وصف این زندگی طیب فرمود: من عمل صالحا من ذکر او انشی و هو مؤمن فلنحییه حیاة طیبه و لنجزینهم اجرهم باحسن ما كانوا یعملون (۲۸) و در وصف کسانی که با ذکر خدا، دارای اطمینان قلب نیستند فرمود: و من اعرض عن ذکری فان له معیشتة صنکا و نحشیره یوم القیامة اعمی (۲۹) و بعید نیست، اینکه در آیه مورد بحث زندگی و معیشت مؤمنان را پاکیزه تر خوانده؛ و پاکیزگی بیشتری برای آنان قائل شده، به منظور اشاره به این نکته باشد که زندگی، در هر حال خالی از خوشی نیست، اما برای کسانی که به یاد خدا و دارای آرامش قلب هستند، خوشی بیشتری وجود دارد، زیرا زندگی آنان از آلودگی و ناگواریها دور است. پس جمله طوبی لهم، در تقدیر لهم حیاة طوبی و یا لهم معیشتة طوبی است (یعنی برای آنان زندگی و یا عیشی پاکیزه تر است). بنابراین، کلمه طوبی مبتدا، و کلمه لهم (که در تقدیر است) خبر آن است، و اگر مبتدای نکره، بر خبرش که همان ظرف (لهم) باشد مقدم شده برای این بوده که زمینه گفتار، زمینه تهنیت بوده است، و در مثل چنین مقامی آنچه مایه تهنیت است، زودتر به زبان می آورند، تا شنونده به همین مقدار نیز، زودتر خوشنود گردد، چنانچه در بشارتها، بشارت دادن به جای عبارت لک البشری می گویند: بشری لک. و خلاصه در آیه مورد بحث، خداوند کسانی را که ایمان آورده و عمل

صالح می کنند و در نتیجه ، با یاد خدا دارای اطمینان قلب دائمی می شوند به دست یافتن زندگی خوش و سرانجامی نیک بشارت می دهد ، و از همین جا معلوم می شود چگونه این آیه ، به آیات قبل متصل می گردد . آری چنانکه پیشتر هم گفتیم ، زندگی خوش از آثار اطمینان قلب است . (۳۰)

## بخش دوم : عوامل خوشبختی

### عوامل اعتقادی

#### الف ( توحید

ایمان به خداوند سبحان ۱- الذین آمنوا و تطمئن قلوبکم بذكر الله اءلا- بذكر الله تطمئن القلوب \* الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب (۳۱) (کسانی که ایمان آورده اید و دل‌هایشان با یاد خدا آرام گیرد ؛ بدانید که با یاد خداست که دل‌ها آرام می گیرد کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند ، خوشا به حالشان و نیک باد فرجامشان ) . ۲- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی للمؤمن اذا احسن قبل منه ، و اذا اءساء غفر له . (۳۲) خوشا به حال مؤمن ، هنگامی که احسان کند از او بپذیرند و هنگامی که بد کند او را ببخشند . ۳- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - عن جبرئیل عن اسرافیل فی فضل دعاء الجوشن - ان الله قال : طوبی لمن آمن بالله و صدق بنیبه و صدق بهذا الدعاء و الثواب ، و الویل کل الویل لمن اءنکره و جحده و لم یؤمن به . (۳۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - به نقل از جبرئیل از اسرافیل در بیان فضیلت دعای جوشن (۳۴) - فرمود : خداوند تبارک و تعالی فرموده است : خوشا به حال آن که به خداوند ایمان آورده ، و به پیامبر او و این دعا و پاداش آن باور داشته باشد و وای و هزاران وای بر کسی که آن را انکار کرده و دروغ پندارد و به آن ایمان نداشته باشد . ۴- الله تبارک و تعالی - فی الصحیفه الرابعه من صحف ادریس النبی علیه السلام - : طوبی لمن آمن به و صدق برسله و کتبه ، و وقف عند طاعته و انتهی عن معصیته . (۳۵) خداوند تبارک و تعالی در چهارمین صحیفه ادریس پیامبر علیه السلام فرموده است : خوشا کسی که به خداوند ایمان آورد و پیامبران و کتابهای الهی را باور داشته باشد و در طاعت او پایداری ورزد و به نافرمانی از او پایان دهد . یقین ۵- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن بوشر قلبه ببرد یقین . (۳۶) خوشا به حال آن که قلبش با خنکای یقین همراه باشد . ۶- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن لم تغم علیه مشتبهات الامور . (۳۷) خوشا به حال کسی که امور مشتبه او را فرا نگیرد .

#### ب ( نبوت

اسلام ۷- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : اءخبرنی ربی قال . . . طوبی لمن خرج من الدنیا علی دینک ، و علامته اءنه علی دینک ، اءن یرزقه الله محبتک و محبه اهل بیتک و قلیل منهم الا فی آخر الزمان . (۳۸) پروردگرم مرا چنین فرمود : . . . خوشا به حال آن که بر دین تو از دنیا برود و نشانه اینکه دین تو را پذیرا شده ، آن است که خداوند ، دوستی تو و دوستی اهل بیت تو را نصیبش می کند و این دسته (در این زمان) اندک اند ، مگر در آخر الزمان (که بسیار خواهند بود) . ۸- علی بن اسباط علیه السلام : قال الله تبارک و تعالی لعیسی علیه السلام (عند ما وصف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فسأله عیسی علیه السلام : الهی من هو حتی اءرضیه ؟ فلک الرضا) : هو محمد رسول الله الی الناس کافه ، اءقربهم منی منزله و اءحضرهم (۳۹) شفاعه ، طوبی له من نبی ، و طوبی لامته ان هم لقونی علی سبیله . (۴۰) علی بن اسباط از (یکی از) معصومان نقل می کند : (هنگامی که خداوند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را توصیف می نمود ، عیسی علیه السلام پرسید : بار خدایا او کیست که خشنودش سازم تا رضایت تو بدست آید) خداوند تبارک و تعالی خطاب به عیسی فرمود : او محمد فرستاده خدا به سوی تمام مردم است ، منزلتش از



همه به من نزدیکتر و شفاعتش از همگان بیشتر است ، خوشا به حال چنین پیامبری و خوشا به حال امت او اگر در صراط و راه او باشند و به دیدار من آیند . ۹- آمنه ام النبی صلی الله علیه و آله و سلم : انه لما اخذني الطلق و اشتد بی الامر سمعت جلبة (۴۱) و كلاما لا يشبه كلام الادميين (يقول) : . . . في امان الله و حفظه و كلاءته (۴۲) ، و قد حشوت قلبك ايمانا و علما و حلما و يقينا و حكما و انت خير البشر ، طوبى لمن اتبعك و ويل لمن تخلف عنك . (۴۳) آمنه مادر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید : وقتی که درد زایمان وجودم را فرا گرفت و کار برایم دشوار شد ، زمزمه هایی شنیدم که شباهتی به صدای آدمیان نداشت (که می گفت : ای نوزاد) . . . در امان و حفظ و حراست خداوند باشی ، همانا قلبت را از ایمان و دانش و بردباری و یقین و خرد لبریز ساختم ، تو بهترین انسانهایی ، خوشا به حال آنان که از تو پیروی کنند و بدا به حال آنان که از تو رویگردان باشند . ۱۰- ابو الحارثه - هو من النصاری ، الذین فی زمن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : فی المفتاح الرابع من الوحي الى المسيح عليه السلام ، قال الله تبارك و تعالی لعيسى : اني انا الله لا اله الا انا الحي القيوم . . . فآمنوا بی و برسولي النبي الامي الذي يكون في آخر الزمان نبي الرحمة . . . قال عيسى عليه السلام : يا مالک الدهور و علام الغيوب من هذا العبد الصالح الذي قد اءجه قلبی و لم تره عینی ؟ قال الله : ذاک خالصتی و رسولي المجاهد . . . طوباه ، طوبی امته . (۴۴) ابو حارثه - از مسیحیان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - می گوید : در مفتاح چهارم از وحی خداوند به مسیح علیه السلام آمده است که فرمود : منم خداوندی که خدایی جز من نیست ، حی و قیوم . . . پس به من و فرستاده من ، پیامبر امی ، کسی که در آخر الزمان پیامبر رحمت است ایمان آورید . . . عیسی علیه السلام گفت : ای مالک روزگاران و دانای غیبهها ، این بنده صالح کیست که قلبم دوستار اوست ولی او را ندیده ام ؟ خداوند فرمود : او یار صمیمی و فرستاده مجاهد من است . . . خوشا بر او و خوشا بر امت او . ۱۱- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن رآنی و آمن بی ، طوبی ثم طوبی - یقولها سبع مرات - لمن لم یرنی و آمن بی . (۴۵) خوشا به حال آن که مرا دید و به من ایمان آورد و خوشا و خوشا - و آن را هفت بار تکرار کرد - به حال آنان که مرا ندیدند و به من ایمان آوردند . ۱۲- قیل یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لهم - مرتین - اولئک منا و اولئک معنا . (۴۶) به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفته شد : ای پیامبر خدا آیا می شناسی کسی را که شما را ندیده و به شما ایمان آورده باشد و شما را ندیده و تصدیقتان کرده باشد . (ای رسول خدا) چه سودی برای آنان است ؟ حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : خوشا به حال ایشان ، خوشا به حال ایشان ، آنان از ما و همراه ما هستند .

## ج - امامت

### شیع

۱۳- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - عند ما قبل ما بین عینی علی علیه السلام - : یا ابا الحسن ، انت عضو من اعضائی ، تزول حیث زلت ، و ان لک فی الجنة درجه و هی درجه الوسیله ، فطوبی لک و لشیعتک من بعدک . (۴۷) هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بین دو چشم علی علیه السلام را بوسید فرمود : ابا الحسن ! تو عضوی از اندام من هستی ، اگر من لغزش کردم تو هم لغزش می کنی ، برای تو در بهشت درجه ای به نام درجه الوسیله است ، خوشا به حال تو و شیعیانت که پس از تو می آیند . ۱۴- الامام علی علیه السلام : الناس ثلاثه اءصناف ، صنف بین بنورنا ، و صنف یاء کلون بنا ، و صنف اهتدوا بنا و اقتدوا بءمرنا و هم اءقل الاءصناف ، اولئک الشیعۃ النجباء الحکماء ، و العلماء الفقهاء ، و الاءتقیاء الاءسخیاء ، طوبی لهم و حسن مآب . (۴۸) مردم سه گروه اند ؛ دسته ای بواسطه ما معروف و مشهور شده اند ، دسته ای ما را وسیله آب و نان خود قرار داده اند ، و دسته ای به وسیله ما هدایت شده اند و پیرو ما هستند و اینان از همه کمترند ، آنان شیعیانی نجیب ، حکیم ، دانشمند ، فقیه و پرهیزگار و

بخشنده و خوشا به حالشان و نیکو سرانجامی دارند . ۱۵- ایوب السجستانی : كنت اطفوف فاستقبلنی فی الطواف اءنس بن مالک ، فقال لی : اءلا ابشرك بشی ء تفرح به ؟ فقلت : بلی . فقال : كنت واقفا بین یدی النبی صلی الله علیه و آله و سلم فی مسجد المدینة و هو قاعد فی الروضة ، فقال لی : اءسرع و ائتنی بعلی بن اءبی طالب . فذهبت فاذا علی و فاطمة علیهما السلام ، فقلت له : ان النبی صلی الله علیه و آله و سلم یدعوك . فجاء علی ، فقال صلی الله علیه و آله و سلم : یا علی ، سلم علی جبرئیل . فقال علی علیه السلام : السلام علیك یا جبرئیل . فرد علیه جبرئیل السلام ، فقال النبی صلی الله علیه و آله و سلم : ان جبرئیل یقول : ان الله تعالی یقرأ علیك السلام و یقول : طوبی لك و لشیعتك و محبیك ، و الویل ثم الویل لمبغضیک . (۴۹) ایوب سجستانی می گوید : طواف می کردم که به انس بن مالک برخورد کردم ، او به من گفت : آیا تو را به خبری که از آن خوشحال شوی مژده ندهم ؟ گفتم : بله (با خبرم ساز) گفتم : در مسجد مدینه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایستاده بودم و حضرت در روضه مبارکه نشسته بود ، به من فرمود : به سرعت علی بن ابی طالب را نزد من آور . و من رفتم ، علی و فاطمه علیهما السلام را یافتم ، به او گفتم : پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تو را فرا خوانده است . حضرت علی علیه السلام آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : علی جان بر جبرئیل سلام کن . علی علیه السلام فرمود : السلام علیك یا جبرئیل . جبرئیل علیه السلام جواب سلام ایشان را داد ، آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : جبرئیل می گوید : خداوند تبارک و تعالی بر تو سلام می فرستد و می فرماید : خوشا به حال تو یا علی و خوشا به حال شیعیان و دوستانان تو و وای بر دشمنان تو یا علی . ۱۶- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن تمسك بولایة علی علیه السلام من بعدی حتی یموت و یلقانی و اءنا عنه راضی . (۵۰) خوشا بر آن که پس از من به ولایت علی علیه السلام چنگ زند تا آن که مرگش فرا رسد و مرا در حالی ملاقات کند ، که از او راضی و خشنودم . ۱۷- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لما اسرى بی الی السماء ، و انتهیت الی سدرة المنتهی . . . فسمعت منادیا ینادی من عند ربی : محمد خیر الاءنبیاء ، و اءمیر المؤمنین علی خیر الاءولیاء - علیهم الصلاة و السلام - . . . رضی الله عن علی و اءهل ولایتیه . . . طوبی لهم ، ثم طوبی لهم ، یغبطهم (۵۱) الخلائق یوم القیامة بمنزلتهم ربهم . (۵۲) هنگامی که مرا شبانه به آسمان بردند (شب معراج) به سدره المنتهی رسیدم . . . آنگاه شنیدم ندا دهنده ای از جانب پروردگرم می گوید : محمد بهترین انبیا و امیر المؤمنین علی بهترین اولیاست - بر آنان درود و سلام - . . . خداوند از علی و پیروان ولایت او خشنود است ، خوشا به حالشان ، خوشا به حالشان ، مردم در روز قیامت به خاطر منزلت و مقامی که نزد پروردگارشان دارند به حال آنان غبطه می خورند . ۱۸- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی للموالین علیا علیه السلام ایمانا بمحمد و تصدیقا لمقاله ، کیف یدکرهم الله باءشرف الذکر من فوق عرشه . (۵۳) خوشا به حال آنان که ولایت علی علیه السلام را پذیرفته اند در حالی که به محمد ایمان داشته و سخنان او را تصدیق می کنند ، چگونه خداوند با گرانمایه ترین پیامها از بالای عرش ، از آنان یاد می کند . ۱۹- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : یا علی ، خلق الله الناس من اءشجار شتی ، و خلقنی و اءنت من شجرة واحدة ، اءنا اءصلها و اءنت فرعها ، فطوبی لعبد تمسك باءصلها و اءكل من فرعها . (۵۴) علی جان ، خداوند مردم را از درختان (و سرشتهای) گوناگون آفرید و من و تو را از یک درخت (و سرشت) آفرید ، من تنه و ساقه آن درختم و تو شاخه آن ، پس خوشا به حال کسی که به اساس و بن این درخت چنگ زند و از شاخه آن تغذیه کند . ۲۰- الامام الصادق علیه السلام : ساءل عمر بن عبته عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : اءخبرنی عن هذا الرجل (یعنی علیا علیه السلام) و قولك فیه من كنت مولاة فهذا علی مولاة اءمنك اءم من ربك ؟ قال صلی الله علیه و آله و سلم : الوحی الی من الله و السفیر جبرئیل و المؤمن اءنا و ما آذنت الا ما اءمرنی . فرجع المخزومی راءسه الی السماء فقال : اللهم ان كان محمد صادقا فیما یقول فاءرسل علی شواظا من النار ، فوالله ما سار غیر بعید حتی اءطلتہ سحابة سوداء . . . فاءحرقته النار . . . فھبط جبرئیل و هو یقول : اقراء یا محمد (ساءل سائل بعذاب واقع \* للکافرین لیس له دافع) (۵۵) السائل عمر و المحترف عمر . فقال النبی صلی الله علیه و آله و سلم لاءصحابه : راءیتم ؟ قالوا : نعم . قال صلی الله علیه و آله و سلم : و سمعتم ؟ قالوا : نعم . قال صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی

لمن والاه و الویل لمن عاداه . (۵۶) وقتی که عمر به عتبه مخزومی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسید : مرا از مقام این مرد (علی علیه السلام) آگاه ساز و بگو اینکه گفتی : هر که مولایش منم ، این علی مولای اوست از سخنان توست یا از پروردگار تو ؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : این وحی از طرف خداوند به من بود که پیام آورش جبرئیل و اعلام کننده آن منم و من چیزی را اعلام نمی کنم مگر آن که به من امر شده باشم . عمر بن عتبه سرش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت : خدایا اگر محمد در آنچه می گوید راستگوست ، پس شعله ای از آتش بر من فرو فرست . به خدا سوگند هنوز زمان زیادی نگذشته بود که ابر سیاهی بر او سایه افکند . . . پس آتش عذاب الهی او را فرا گرفت ، سپس جبرئیل نازل شد و گفت : یا محمد (این آیه را بخوان (درخواست کننده ای ، خواست که عذابی بر او واقع شود و برای کافران بازدارنده ای از آن عذاب نیست ) آن درخواست کننده عمر بود و هم او بود که به آتش سوخت . سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اصحابش فرمود : دیدید (چه شد) ؟ گفتند : آری . فرمود : شنیدید (چه گفت) ؟ گفتند : آری . پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : خوشا به حال آنان که او (علی علیه السلام) را دوست بدارند و وای بر آنان که با او دشمنی ورزند . ۲۱- الامام الصادق علیه السلام : ان یوم النوروز هو الیوم الذی اءخذ فیہ النبى لاءمیر المؤمنین علیه السلام العهد بغدیر خم (۵۷) ، فاءقروا له بالولایة ، فطوبی لمن ثبت علیها و الویل لمن نکثها . (۵۸) نوروز همان روزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم برای امیر المؤمنین علیه السلام عهد و پیمان گرفت ، و مردم به ولایت علی علیه السلام اقرار نمودند . پس خوشا به حال آنان که بر این عهد و پیمان ثابت قدم بمانند و وای به حال آنان که پیمان خود را زیر پای نهند . ۲۲- الامام الصادق علیه السلام - فی زیارة علی علیه السلام - : طوبی لی ان کنتم موالی اءنی عبدکم ، و طوبی لی ان قبلتمونی عبدا . (۵۹) امام صادق علیه السلام - در (تعلیم) زیارت مرقد امام علی علیه السلام - می فرماید : خوشا به حال من اگر شما آقای من باشید و من عبد شما باشم و خوشا به حال من اگر مرا به عنوان عبد و بنده خود بپذیرید . ۲۳- العاقب ، اءسقف نجران - فی المفتاح الرابع من الوحی الی المسیح علیه السلام - : قال الله عزوجل فی صفة محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امته : طوبی لائمة الذین علی ملته یحیون ، و علی سنته یموتون ، و مع اءهل بیته یمیلون ، آمین ، مؤمنین ، مطمئنین . (۶۰) عاقب ، اسقف نجران می گوید : - در مفتاح چهارم از وحی خداوند به مسیح علیه السلام آمده است - خداوند تبارک و تعالی در توصیف محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امتش فرمود : خوشا زندگی امت محمد ، آنان که با آداب و دستورات دین او زندگی می کنند و بر شیوه و شریعت سنت او می میرند و به اهل بیت او (ائمه اطهار) تمایل دارند ، در حالی که در امنیت و ایمان و اطمینان هستند . ۲۴- فاطمة بنت اءسد - بعد اءن دخلت بیت الله الحرام ولدت علیا علیه السلام - : فلما اءردت اءن اءخرج هتف بی هاتف ؛ یا فاطمة ، سمیه علیا فهو علی و الله العلی الاءعلی یقول : انی شققت اسمہ من اسمی ، و اءدبته باءدبی ، و وقفته علی غامض علمی ، و هو الذی یکسر الاءصنام فی بیتی ، و هو الذی یؤ ذن فوق ظهر بیتی ، و یقدسنی و یمجدنی ، فطوبی لمن اءحبه و اءطاعه و ویل لمن اءبغضه و عصاه . (۶۱) فاطمه بنت اسد (مادر حضرت علی علیه السلام) - پس از آن که به درون کعبه رفت و علی علیه السلام متولد شد - می گوید : هنگامی که خواستم بیرون روم ، هاتفی به من گفت : فاطمه ، او را علی نام بگذار که او والاتر است و خداوند بلند مرتبه می فرماید : بدرستی که نام او را از نام خودم گرفتم و با آداب خودم او را ادب آموختم و او را بر پوشیدگیها و دشواریهای علم خویش آگاه ساختم ، اوست که بتها را در خانه من می شکند ، اوست که بر بام مسجد الحرام اذان سر می دهد و مرا به پاکی می ستاید و به بزرگی یاد می کند ، خوشا زندگی آن که او را دوست دارد و اطاعتش کند و بدا بر آن که او را دشمن بدارد و نافرمانیش کند .

### شناخت ائمه اطهار علیهم السلام

۲۵- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ساءلت جبرئیل عن صاحب العلم ، فقال : هم سراج (۶۲) امتک فی الدنیا و الآخرة ، طوبی

لمن عرفهم و اءحبهم و الویل لمن اءنکر معرفتهم و اءبغهم شهدنا اءنه فی النار و من اءحبهم شهدنا اءنه فی الجنة . (۶۳) از جبرئیل پرسیدم ، صاحب علم کیست ؟ گفت : آنان در دنیا و آخرت چراغ امت تو هستند ، خوشا به حال کسی که آنان را بشناسد و دوست بدارد و وای بر آن که شناخت آنان را انکار کند و با ایشان دشمنی ورزد و هر که با آنان دشمنی کند ، ما شهادت می دهیم که جایگاه او آتش است . و هر که آنان را دوست بدارد ما گواهی می دهیم که ماءوای او بهشت است . ۲۶- عمران بن خاقان الوافد - لحاجب بن سلیمان اءبی موزج - : انا نجد فی التوراة ثلاثة عشر اسما ، منها محمد و اثنا عشر بعده من اءهل بئته . . . (ثم قراء منه ما ترجمته ) ان شمو علی (شموعل - خ ل ) یخرج من صلبه ابن مبارک ، صلواتی علیه و قدسی ، یلد اثنا عشر ولدا یکون ذکرمهم باقیا الی یوم القیامة ، و علیهم القیامة تقوم ، طوبی لمن عرفهم بحقیقتهم . (۶۴) عمران بن خاقان الوافد - که بزرگ یهودیان زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود و سپس مسلمان شد - به حاجب بن سلیمان گفت : ما در تورات سیزده نام را یافته ایم که یکی از آنان محمد و دوازده اسم پس از آن اهل بیت او هستند . . . (سپس بخشی از زندگی نامه هر یک از آنان را خواند) که از نسل شموعلی (شموعل) فرزند خجسته ای پدید می آید - که درود و ستایشم بر او باد - از او دوازده فرزند متولد می شود که تا روز قیامت از آنان یاد می شود ، خوشا به حال کسی که حقیقت آنان را بشناسد .

### محبت ائمه اطهار علیهم السلام

۲۷- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - فی اءحوال القیامة - : یاءتی النداء من قبل الله عزوجل یسمع النبیین و الصدیقین و الشهداء و المؤمنین : هذا حبیبی محمد و هذا ولیی علی ، طوبی لمن اءحبه و ویل لمن اءبغضه و کذب علیه . (۶۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره چگونگی حالات قیامت می فرمود : (در آن روز) ندایی از جانب خداوند عزوجل می آید که ، پیامبران و صدیقان و شهدا و مؤمنان آن را می شنوند (که می گوید : ) این دوست من محمد و این یار و دوستدار من علی است ، خوشا به حال آن که او را دوست بدارد و بدا به حال آن که او را دشمن شمارد و بر او دروغ بندد . ۲۸- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - لعلی علیه السلام - : ان الله اطلع الی الاءرض فاخترنی ، ثم اطلع الیها ثانیة فاخترک ، اءنت اءبو ولدی ، و قاضی دینی ، و المنجز عداتی (۶۶) ، و اءنت غذا علی حوضی ، طوبی لمن اءحبک و ویل لمن اءبغضک . (۶۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - خطاب به علی علیه السلام - فرمود : خداوند یک بار بر زمین نظر افکند و مرا (به عنوان پیامبر) برگزید ، سپس بار دیگر بر زمین نظر افکند و تو را (به عنوان جانشین و امام پس از من) برگزید . علی جان تو پدر فرزندان من و ادا کننده دین من و وفا کننده وعده های من هستی ، تو فردا (ی قیامت) در کنار حوض (کوثر) من قرار داری ، خوشا به حال آن که تو را دوست بدارد و بدا به حال آن که تو را دشمن شمارد . ۲۹- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - لعلی علیه السلام - : طوبی ثم طوبی (ثم طوبی - خ د) لمن اءحبک و وفی لک . (۶۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به امام علی علیه السلام - فرمود خوشا و خوشا و خوشا به حال کسی که تو را دوست دارد و به تو وفادار باشد . ۳۰- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - فی حق الحسنین علیهما السلام - مخاطبا به جبرئیل علیه السلام - : هما سیدا شباب اءهل الجنة ، طوبی لمن اءحبهما و اءباهما و امهما ، و ویل لمن حاربهما و اءبغضهما . (۶۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - خطاب به جبرئیل - فرمود : حسن و حسین آقایان و سروران بهشتیان هستند ، خوشا به حال کسی که حسن و حسین و پدر و مادر آنان را دوست بدارد و وای بر کسی که با آنان ستیز و دشمنی ورزد . ۳۱- اءبو حارثة - هو من النصاری الذین فی زمن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - : فی المفتح الرابع من الوحی الی المسیح علیه السلام ، قال الله تبارک و تعالی عندما ساءله عیسی علیه السلام : هل له (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) بقیة ؟ - یعنی ذریة - قال (الله تبارک و تعالی) : نسله (۷۰) من مبارکة صدیقه یکون له منها ابنه لها فرخان سیدان یستشهدان ، اءجعل نسل اءحمد منهما ، فطوباهما و لمن اءحبهما و شهد اءیامهما . (۷۱) ابو حارثة - از مسیحیان زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - می گوید : در

مفتاح چهارم از وحی خداوند به مسیح علیه السلام آمده است، وقتی که عیسی علیه السلام از خداوند پرسید: خداوند آیا محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرزندان من هم دارد؟ خداوند تبارک و تعالی فرمود: نسل محمد از (خدایچه) زنی فرخنده و صدیقه است که از آن زن برای پیامبر دختری متولد می شود که آن دختر دو کودک بزرگمنش - که به شهادت می رسند - به دنیا می آورد. نسل (پیامبر) احمد را از آن دو کودک قرار دادم، خوشا به حالشان و خوشا به حال کسانی که آنان را دوست دارند و روزگار ایشان را دریابند (و آنان را یاری کنند). ۳۲- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - عندما ساءله نعتل اليهودی عن وصیه - : ان وصی و الخلیفه من بعدی علی بن ابی طالب علیه السلام و بعده سبطای ؛ الحسن ثم الحسین ، يتلوه تسعة من صلب الحسین ، ائمة الابرار . . . طوبی لمن اءحبهم و الویل لمبغضیهم . (۷۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - وقتی که نعتل یهودی از جانشین او پرسید - فرمود: وصی من و جانشین پس از من علی بن ابی طالب علیه السلام است و پس از او دو نواده من ، حسن و سپس حسین هستند و به دنبال حسین ، نه تن از فرزندان حسین ، که آنان امام نیکوکارانند . . . خوشا به حال کسی که آنان را دوست بدارد و وای بر آن که آنان را دشمن شمارد . ۳۳- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : من رزقه الله حب الائمة من اهل بیته فقد اصاب خیر الدنیا و الآخرة ، فلا یسکن احد اءنه فی الجنة ، فان فی حب اهل بیته عشرون خصلة ، عشر منها فی الدنیا و عشر منها فی الآخرة ، اما التی فی الدنیا ، الزهد ، و الحرص علی العمل ، و الورع فی الدین ، و الرغبة فی العبادة ، و التوبة قبل الموت ، و النشاط فی قیام اللیل ، و الیاءس مما فی ایدی الناس ، و الحفظ لامر الله و نهیه عز و جل ، و التاسعة ؛ بغض الدنیا ؛ و العاشرة ؛ السخاء . و اما التی فی الآخرة ؛ فلا ینشر له دیوان ، و لا ینصب له میزان ، و یعطی کتابه بيمينه ، و یکتب له براءة من النار ، و بیض وجهه ، و یکسی من حلل الجنة ، و یشفع فی مائة من اهل بیته ، و ینظر الله عز و جل الیه بالرحمة ، و یتوج من تیجان الجنة ، و العاشرة یدخل الجنة بغير حساب ، فطوبی لمحبی اهل بیته . (۷۳) هر کس که خداوند محبت امامان اهل بیت مرا به او عطا کند ، به خیر دنیا و آخرت رسیده است ، چنین کسی تردید نکند ، که او حتما در بهشت است . چرا که در محبت اهل بیت من بیست خصلت است ؛ ده خصلت آن در دنیا ظاهر شده و ده خصلت آن در آخرت . اما خصلتهای دنیائی (عبارتند از): زهد ، تلاش بسیار بر عمل (به دستورات دینی) ، ورع و پارسایی در دین ، رغبت و تمایل به عبادت ، توبه و پشیمانی پیش از مرگ ، نشاط و شادابی در نماز شب ، امید نبستن به مال مردم (قناعت) ، مراقبت بر انجام حلال و ترک حرام خداوند عز و جل و خصلت نهم ستیزه جویی با (تمایلات) دنیا و خصلت دهم سخاوت و بخشندگی است . و اما ویژگیهایی که در آخرت دارد ؛ نامه عملش باز نمی شود ، ترازوی عدل الهی برای محاسبه اعمالش قرار داده نمی شود ، نامه عمل او را به دست راستش می دهند ، رهایی از آتش برایش نوشته می شود ، چهره اش سپید و نورانی می شود ، زیورهای بهشتی به او پوشانده می شود ، و شفاعت صد نفر از خانواده اش را می پذیرند ، خداوند عزوجل با نظر لطف و رحمت به او می نگرد ، تاجی از تاجهای بهشتی بر سرش نهاده می شود ، و دهمین ویژگی آن که بدون حساب داخل بهشت می شود . خوشا به حال دوستداران اهل بیت . ۳۴- الامام علی علیه السلام : یا معشر الصحابة ! و الله ما تقدمت علی اءمر الا ما عهد الی فیه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ، فطوبی لمن رسخ حبنا اهل البیت فی قلبه لیکون الایمان اءثبت قی قلبه لیکون الایمان اءثبت فی قلبه من جبل احد فی مکانه ، و من لم تصر مودتنا فی قلبه ، انما (۷۴) الایمان فی قلبه کانمیث الملح فی الماء . (۷۵) ای گروه صحابه ! به خدا سوگند دست به کاری نزد من مگر آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن کار با من عهد و پیمان بست . خوشا آن را ؟ محبت ما اهل بیت چگونه ای در قلبش رسوخ کند که ایمان قلبی اش از کوه احد استوارتر باشد و هر کس که مودت و دوستی ما در قلبش جای نگیرد ، ایمان از قلب او محو می شود ، چنانکه نمک در آب ذوب و ناپدید می گردد . ۳۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - لجندب بن جنادة اليهودی عندما اءسلم - : یا جندب فی زمن کل واحد منهم یعتریه و یؤذیه ، فاذا عجل الله خروج قائمنا یملاء الاءرض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا . ثم قال صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی للصابرین فی غیبتہ ، طوبی للمقیمین علی محبتهم ، اولئک و صفهم الله فی کتابه و



قال : (الذین یؤمنون بالغیب ) ( ۷۶ ) و قال : ( اولئك حزب الله اءلا ان حزب الله هم المفلحون ) ( ۷۷ ) . ( ۷۸ ) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - خطاب به جندب بن جناده یهودی ، هنگامی که مسلمان شد - فرمود : جندب ! در زمان هر یک از جانشینان معصوم بن ، سلطان ستمگری مسلط می شود و آنان را می آزارد ، و هنگامی که خداوند در فرج قائم آل محمد تعجیل کند ( و او ظهور نماید ) زمین را عدل و داد فرا می گیرد ، چنانکه ظلم و ستم آن را فرا گرفته بود . آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : خوشا روزگار آنان که در زمان غیبت ( بر دشواریها ) صبر نمایند و خوشا به حال آنان که بر دوستی ائمه اطهار علیهم السلام در غیبت ( امام زمان علیه السلام ) پایدار بمانند ، آنان کسانی اند که خداوند در قرآن اینگونه توصیفشان نموده است و فرموده است ( آنان که به غیب ایمان می آورند . ) و فرموده : ( آنان حزب خدا هستند ، آری حزب خداست که رستگارانند . ) ۳۶- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - لابی بن کعب عندما یتذکر المهدی علیه السلام - : یا ابی ، طوبی لمن لقیه ، طوبی لمن اءحبه و طوبی لمن قال به ، ینجیهم الله من الهلکة بالاقرار به . ( ۷۹ ) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - هنگامی که ابی بن کعب ، مهدی علیه السلام را یاد می کرد - فرمود : یا ابی خوشا به حال آنان که او را ببینند و خوشا به حال آنان که او را دوست بدارند و خوشا به حال آنان که از او بگویند ، ( چرا که ) خداوند تبارک و تعالی به خاطر اقرار به امامت او ، مردم را از هلاکت نجات می دهد .

### پیروی از ائمه اطهار علیهم السلام

۳۷- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : لا یتیم الایمان الا بمحبتنا اهل البیت ، و ان الله تبارک و تعالی عهد الی اءنه لا یحبنا اهل البیت الا مؤ من تقی ، و لا یبغضنا الا منافق شقی ، فطوبی لمن تمسک بی و بالائمة الاءطهار من ذریتی . ( ۸۰ ) ایمان کامل نمی شود ، مگر با محبت ما اهل بیت ، و خداوند تبارک و تعالی با من پیمان بسته است که ما اهل بیت را دوست نمی دارد مگر مؤ من با تقوی ، دوست نمی دارد و با ما دشمنی نمی ورزد مگر منافق بدبخت ، پس خوشا به حال آنان که به من و ائمه اطهار که فرزندان من هستند تمسک ( و توسل ) جویند . ۳۸- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - لعلی و فاطمة علیهما السلام - : طوبی لمن کان معکم ، طوبی لمن اءعزکم اذا خذلکم الناس ، و اءعانکم اذا جفاکم الناس ، و آواکم اذا طردکم الناس ، و نصرکم اذا قتلکم الناس ، الویل لکم من امتی و الویل لامتی من الله . ( ۸۱ ) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - خطاب به علی و فاطمه علیهما السلام - فرمود : خوشا بر آنان که با شما هستند و خوشا بر آنان که شما را عزیز و گرامی می دارند ، در آن هنگام که مردم شما را خوار می شمارند ، به فریادتان می رسند ، هنگامی که مردم بر شما ستم روا دارند ، پناهتان می دهند ، هنگامی که مردم شما را از خود می رانند ، به یاریتان بر می خیزند ، زمانی که مردم شما را می کشند ، وای از ستمکاری امت من بر شما و وای از کیفر خدا بر امت من . ۳۹- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - عندما ساءله نعثل الیهودی عن وصیه - : ان وصیی و الخلیفة من بعدی علی بن ابی طالب علیه السلام ، و بعده سبطای الحسن و الحسین ، یتلوه تسعة من صلب الحسین ، ائمة الاعبر . . . طوبی لمن تمسک بهم و الویل لمبغضیهم . ( ۸۲ ) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - وقتی که نعثل یهودی از جانشین او پرسید - فرمود : وصی من و جانشین پس از من علی بن ابی طالب علیه السلام است و پس از او دو نواده من حسن و حسین هستند و به دنبال حسین ، نه تن از فرزندان حسین ، که آنان امام نیکوکارانند . . . خوشا به حال کسی که به آنان تمسک جوید و بدا بر دشمنان ایشان . ۴۰- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن . . . اتبع الاءخبار من عترتی من بعدی . ( ۸۳ ) خوشا به حال کسی که . . . پس از من ، برگزیدگان عترتم را پیروی کند . ۴۱- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم . . . طوبی لمن اءطاعکم و ویل لمن عصاکم . ( ۸۴ ) علی جان ! . . . خوشا به حال آنان که از شما ( اهل بیت ) پیروی کنند و وای به حال آنان که شما را نافرمانی کنند . ۴۲- الامام حسین علیه السلام : محمد و علی ابوا هذه الامة ، فطوبی لمن کان بحقهما عارفا ، و لهما فی کل اءحواله مطیعا ، یجعله الله من اءفضل سکان جنانه ، و یسعه بکراماته و رضوانه . ( ۸۵ ) محمد و علی پدران این امت هستند ، پس خوشا بر آنان که به حق آن دو

آشنا باشند و در هر حال ، از آنان پیروی کنند . ( که در این حالت ) خداوند آنان را از برترین ساکنان بهشت خویش قرار دهد و آنان را با کرامت و رضوان خویش سعادت‌مند گرداند . ۴۳- الامام علی علیه السلام : شیعتنا ثلاثه اءصناف ؛ صنف یصلونا ، و صنف یصلون الناس ، و صنف والوا ولینا و عادوا عدونا ، اولئک اءولیاء اءاخیار ، الحکماء العلماء ، و طوبی لهم و حسن مآب . ( ۸۶ ) شیعیان ما سه گروه اند : گروهی ( فقط ) با ما رابطه دارند و گروهی با دیگران ( حاکمان جور ) و گروه سوم دوستان ما را دوست خود و دشمنان ما را دشمن خود می شمارند ، آنان ( دسته سوم ) دوستان برگزیده و حکیمان دانشمندند ، خوشا به حالشان و نیک باد فرجامشان . ۴۴- الامام الباقر علیه السلام : یاءتی علی الناس زمان یغیب عنهم امامهم ، فیا طوبی للثابتین علی اءمرنا فی ذلک الزمان ، ان اءدنی ما یکون لهم من الثواب اءن ینادیهم الباری جل جلاله فیقول : عبادی و امائی ، آمتتم بسری ، و صدقتم بغیبی ، فابشروا بحسن الثواب منی ، فاءنتم عبادی و امائی حقا ، منکم اءتقبل ، و عنکم اءعفو ، و لکم اءغفر ، و بکم اءسقی عبادی الغیث ، و اءدفع عنهم البلاء و لولاکم لاءنزلت علیهم عذابی . ( ۸۷ ) روزگاری بر مردم خواهد رسید که امامشان در غیبت است ، پس خوشا به حال آنان که در آن روزگار بر ولایت ما ثابت قدم بوده و پایداری کنند ، ( و بدانند ) کمترین پاداش آنان این است که خداوند جل جلاله خطاب به ایشان می گوید : بندگان و کنیزان من ، به سر من ایمان آوردید ، و غیب مرا تصدیق نمودید ، پس بشارتتان باد به پاداش نیکوی من ، که شما به حق ، بندگان و کنیزان من هستید ، ( اعمالتان را ) از شما می پذیرم و از شما در گذرم ، و به خاطر شما ( بندگان گنهکارم را ) می بخشم و به خاطر شما باران رحمتم را بر بندگانم فرو می فرستم ، و بلا را از آنان دور می سازم و اگر شما نبودید بر ایشان عذاب فرو می ریختم . ۴۵- الامام الباقر علیه السلام : طوبی لمن کان فی زمره رسول الله غذا و اءهل بینه . ( ۸۸ ) خوشا به حال آنان که فردا ( ی قیامت ) در گروه رسول خدا و اهل بیت او باشند . ۴۶- الامام الصادق علیه السلام : طوبی لمن تمسک باءمرنا فی غیبه قائمنا ، فلم یزغ قلبه بعد الهدایه . ( ۸۹ ) خوشا بر آنان که در غیبت قائم آل محمد به ولایت ما تمسک جویند ( که در این صورت هدایت شده اند ) و پس از هدایت ، قلبشان ( از راه راست ) منحرف نشود . ۴۷- الامام الکاظم علیه السلام : طوبی لشیعتنا المتمسکین بحبلنا فی غیبه قائمنا ، الثابتین علی موالاتنا و البراءه من اءعدائنا ، اولئک منا و نحن منهم ، قد رضوا بنا ائمه و رضینا بهم شیعه ، فطوبی لهم ، ثم طوبی لهم ، و هم والله معنا فی درجاتنا یوم القیامه . ( ۹۰ ) خوشا به حال شیعیان ما ، آنان که در زمان غیبت قائم آل محمد به ریسمان ما ائمه چنگ می زنند ، بر دوستی ما و دوری از دشمنانمان ثابت قدم و استوارند ، آنان از ما هستند و ما از آنانیم ، آنان به امامت و پیشوایی ما خشنودند و ما هم از پیروی و شیعه بودن آنان خشنودیم ، خوشا به حالشان ، خوشا زندگیشان . به خدا سوگند آنان روز قیامت در مقام و جایگاه ما ائمه و در کنارمان خواهند بود . ۴۸- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم طوبی لمن اءدرک اءهل بیتی و هو مقتد به قبل قیامه ، یاءتم به و باءیمه الهدی من قبله ، و یراء الی الله عزوجل من عدوهم ، اولئک رفقاءئی و اءکرم امتی علی . ( ۹۱ ) خوشا به حال آنان که قائم اهل بیت مرا ( مهدی علیه السلام ) دریابند ، در حالی که پیش از قیام وی ، پیرو او شده ، دنباله روی او و امامان هدایتگر پیش از او باشند و از دشمنانشان دروی گزینند ، آنان دوستان من و گرامیترین افراد امت ، نزد من هستند . ۴۹- الامام الجواد علیه السلام : اذا مات ابنی علی بدا سراج بعده ثم حقی ، فویل للمرتاب و طوبی للغریب الفار بدینه ، ثم یکون بعد ذلک اءحداث تشیب فیها النواصی و یسیر الصم الصلاب . ( ۹۲ ) پس از مرگ فرزندان علی ( امام هادی علیه السلام ) نوری می درخشد ( امام عسگری علیه السلام ) و پس از آن خاموشی و خفاست ( غیبت امام زمان علیه السلام ) پس وای بر آن که شک کند و خوشا به حال غریبانی که برای حفظ دین خود بگریزند ( تقیه کنند ) ، یا از حکام ستمگر دور شوند ) ، سپس از پس این روزگاران ، دشواریهایی پیش خواهد آمد که موهای سر از غم و غصه سپید می شود و زندگی بسی سخت و دشوار می گردد . ۵۰- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن کان من اءولیاء الحسین و شیعته ، هم و الله الفائزون یوم القیامه . ( ۹۳ ) خوشا به حال دوستاناران و پیروان حسین ، به خدا سوگند آنان روز قیامت از پیرومندان و برندگان هستند . ۵۱- الامام الصادق علیه السلام : مر اءمیر المؤمنین علیه السلام فی اناس من اءصحابه بکربلا ، فلما مربها اغرورقت عیناه

بالبكاء ، ثم قال : هذا مناخ ركابهم و هذا ملقى رحالهم ، هاهنا تهراق دماؤهم ، طوبى لك من تربه ، عليك تهراق دماء الاءحبه . (۹۴) امير المؤمنین علیه السلام با گروهی از اصحابش از کربلا می گذشت ، هنگامی که به سرزمین کربلا (محل شهادت امام حسین علیه السلام) رسید ، اشک در چشمانش حلقه زد و فرمود : اینجا اقامتگاه کاروانشان و این مکان فرود بار سفرشان است و همینجا خونشان ریخته می شود ، خوشا بر تو ای تربتی که خون محبوبتان (خدا و پیروان حسین) بر تو ریخته می شود . ۵۲- الامام الصادق علیه السلام : بینا الحسین عند رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم اذ اتاه جبرئيل عليه السلام فقال : يا محمد اءتجبه ؟ قال صلى الله عليه و آله و سلم : نعم . قال : اما ان امتك ستقتله . فحزن رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم حزنا شديدا ، فقال جبرئيل عليه السلام : اءيسرك ان اريك التربة التي يقتل فيها ؟ قال صلى الله عليه و آله و سلم : نعم . (و عندما راءها) قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم : طوبى لك من تربة ، و طوبى لمن يقتل فيك . (۹۵) هنگامی که حسین نزد رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم بود ، جبرئیل علیه السلام نزد حضرت آمد و عرض کرد : محمد ! آیا دوستش داری ؟ فرمود : آری . جبرئیل گفت : ولی امت تو بزودی او را خواهند کشت ، در این هنگام رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم بسیار اندوهناک شد ، آنگاه جبرئیل علیه السلام عرض کرد : آیا اگر سرزمینی را که حسین در آن به شهادت می رسد به تو نشان دهم خوشحال می شوی ؟ حضرت صلى الله عليه و آله و سلم فرمود : بله ، (و وقتی که آن سرزمین را دید) فرمود : خوشا بر چنین سرزمینی و خوشا به حال کسی که بر روی تو به خون می غلتد .

### انتظار فرج

۵۳- الامام الصادق علیه السلام : يا اءبا بصير ، طوبى لشيعه قائمنا المنتظرين لظهوره فى غيبته ، و المطيعين له فى ظهوره ، اءولئك اءولياء الله الذين لا خوف عليهم و لا هم يحزنون . (۹۶) ابو بصير ! خوشا به حال شیعیان قائم آل محمد ، آنان که در زمان غیبت او ، ظهورش را انتظار می کشند و هنگامی که او ظهور کند ، گوش به فرمان او هستند ، آنان دوستان و یاران خداوند ، کسانی که ترس و اندوهی به دل ندارند . ۵۴- فى زيارة الحجة بن الحسن عليهم السلام : طوبى لمن سعد بولايتك ، و ويل لمن شقى بجمودك . (۹۷) در زیارتنامه امام زمان علیه السلام آمده است : خوشا به حال آنان که با قبول ولایت تو (در زمان غیبت و پس از آن) به سعادت برسند و بدا بر آنان که با انکار آن به تیره روزی برسند .

### صبر بر سختیهای غیبت امام عصر علیه السلام

۵۵- رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم : - لجندب بن جنادة اليهودى عندما اسلم - : يا جندب ، فى زمن كل واحد منهم سلطان يعتريه و يؤذيه ، فاذا عجل الله خروج قائمنا يملاء الاءرض قسطا و عدلا كما ملئت جورا و ظلما . ثم قال صلى الله عليه و آله و سلم : طوبى للصابرين فى غيبته ، طوبى للمقيمين على محبتهم اولئك و صفهم الله فى كتابه و قال : (الذين يؤمنون بالغيب) (۹۸) و قال (اولئك حزب الله اءلا ان حزب الله هم المفلحون) (۹۹) . (۱۰۰) رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم - خطاب به جندب بن جنادة يهودى ، هنگامی که مسلمان شد - فرمود : جندب ! در زمان هر یک از جانشینان معصوم من ، سلطان ستمگری مسلط می شود و آنان را می آزارد ، و هنگامی که خداوند در فرج قائم آل محمد تعجیل کند و (و او ظهور نماید) زمین را عدل و داد فرا می گیرد ، چنانکه ظلم و ستم آن را فرا گرفته بود . آنگاه پیامبر صلى الله عليه و آله و سلم فرمود : خوشا روزگار آنان که در زمان غیبت (بر دشواریها) صبر نمایند و خوشا به حال آنان که بر دوستی ائمه اطهار در غیبت (امام زمان علیه السلام) پایدار نمایند ، آنان کسانی اند که خداوند در قرآن اینگونه توصیفشان نموده است و فرموده است : (آنان که به غیب ایمان می آورند) . و فرموده : (آنان



حزب خدا هستند ، آگاه باشید حزب خداست که رستگارانند . ( ۵۶- الامام علی علیه السلام - فی اوصاف اصحاب المهدی علیه السلام - : اللهم و انی لاءعلم ان العلم لا یأزر کله و لا ینقطع مواده ، و انک لا تخلی ارضک من حجه لک علی خلقک ، ظاهر لیس بالمطاع او خائف مغمور ، کی تبطل حجتک ، و لا یضل اولیاءک بعد از هدیتهم ، بل این هم و کم ؟ اولئک الاءقلون عددا ، و الاءعظمون عند الله جل ذکره قدرا ، المتبعون لقاده الدین ، الاءیمه الهادین ، الذین یتاءدبون بآدابهم ، و ینهجون نهجهم ، فعند ذلک ینهجهم بهم العلم علی حقیقه الایمان ، فتستجیب اءرواحهم لقاده العلم و یستلینون من حدیثهم ما استوعر علی غیرهم ، و یاءنسون بما استوحش منه المکذوبون و اءباه المسرفون ، اولئک اءتباع العلماء ، صحبوا اهل الدنیا بطاعه الله تبارک و تعالی و اولیائه ، و دانوا بالتقیه عن دینهم و الخوف من عدوهم فاءرواحهم معلقه بالمحل الاءعلی ، فعلماءهم و اءتباعهم خرس صمت فی دوله الباطل . ها ، ها ، طوبی لهم علی صبرهم علی دینهم فی حال هدنتهم ، و یا شوقاه الی رؤیتهم فی حال ظهور دولتهم ، و سیجمعنا الله و ایاهم فی جنات عدن و من صلح من آباءهم و اءزواجهم و ذریاتهم . ( ۱۰۱ ) امام علی علیه السلام - در وصف یاران حضرت مهدی علیه السلام - فرمود : بار خدایا من می دانم که بساط علم و دانش برچیده نمی شود و مایه هایش از میان نمی رود ( یعنی هیچگاه روی زمین را کفر و ضلالت محض فرا نمی گیرد و همیشه کم و بیش آثاری از توحید و هدایت یافت می شود ) می دانم که تو روی زمین را از حجت خود بر خلق خالی نمی سازی که او یا آشکار است و فرمانش نبرند ( مانند امیر المؤمنین و امام حسن علیه السلام در دوران خلافت خود ) و یا ترسان و پنهان ( مانند امام زمان علیه السلام ) تا حجت خود باطل نگردد ( و مردم بهانه ای نداشته باشند ) و دوستان تو بعد از آن که هدایتشان فرمودی گمراه نشوند ، ولی آنان کجایند و چقدر ؟ تعدادشان بسیار اندک است و نزد خدای جل ذکره ارزشی بسیار بزرگ و گمراهی دارند ، آنان پیرو پیشوایان دین و امامان هدایتگرند . همان کسانی که به آداب ائمه پرورش یافته و به راه ایشان رفته اند . و در اینجاست که دانش ، حقیقت ایمان آنان را در بر می گیرد و روحشان ، ندای پیشوایان دانش را لبیک می گوید و همان سخنانی که بر دیگران مشکل آید برای آنان دلنشین باشد و به آنچه تکذیب کنندگان ، از آن وحشت دارند و متجاوزان سرباز می زنند انس و الفت دارند . آنان پیرو علما هستند ، برای اطاعت خدای تبارک و تعالی و اولیای او ، با اهل دنیا معاشرت کنند ، نسبت به دین خود از ترس دشمن ، تقیه را آئین خود سازند ، روح ایشان با جایگاهی رفیع گره خورده است ، و دانشمندان و پیروانشان در زمان دولت باطل ، زبان در کام و خاموش اند و همیشه در انتظار دولت حق چشم به راه و آماده اند ، و نزدیک است که خدا هم با کلمات خود ( کلمات ائمه یا آیات قرآن و یا با تقدیر خود ) حق را استوار سازد و باطل را از میان بردارد . های ، های ، خوشا به حالشان که در زمان صلح و آرامش ، بر دینشان شکیبایی ورزیدند ، و چه شوقی به دیدار آنان به هنگام برپایی دولتشان دارم ، خدا ما و ایشان و پدران و همسران و فرزندان نیکوکارشان را در بهشت برین گرد هم خواهد آورد .

### یاری امام عصر علیه السلام

۵۷- الامام الباقر علیه السلام - فی امر ظهور المهدی علیه السلام - : یا طوبی لمن اءدرکه و کان من اءنصاره ، و الویل کل الویل لمن ناواه و خالفه ، و خالف اءمره و کان من اءعدائه . ( ۱۰۲ ) امام باقر علیه السلام - درباره ظهور مهدی علیه السلام - فرمود : خوشا زندگی آنان که او را ببینند و از یاوران او باشند و او و هزاران او بر آنان که با او و برنامه او دشمنی و ستیزه کنند و در زمره دشمنان او باشند . ۵۸- الامام باقر علیه السلام - فیما ساءلته ام هانی عن آیه ( فلا اقسم بالخنس الجوار الكنس ) ( ۱۰۳ ) - : نعم المساءله ساءلتنی یا ام هانی ، هذا مولود فی آخر الزمان هو المهدی من هذه العتره ، تكون له حیره و غیبه یضل فیها اءقوام و یهتدی فیها اءقوام ، فیا طوبی لک ان اءدرکتیه ، و یا طوبی لمن اءدرکه . ( ۱۰۴ ) امام باقر علیه السلام - در پاسخ به ام هانی که از آیه ( نه ! سوگند به اختران گردان نمان شوند و از نو آیند ) پرسید ، فرمود : ام هانی ! خوب مسئله ای پرسیدی ، این مولودی در آخر الزمان

است. او مهدی این خاندان است، او را سرگردانی و غیبتی است که در آن کسانی گمراه و مردمانی هدایت می‌شوند، پس خوشا به حال تو اگر او را بینی و دریابی و خوشا به حال آن که او را درک کند و دریابد. ۵۹- الام الصادق علیه السلام - فی وصف المهدی علیه السلام - : هو المفرج للمکرب عن شیعتہ ، بعد ضنک شدید و بلاء طویل و جور ، فطوبی لمن اءدرک ذلك الزمان . (۱۰۵) امام صادق علیه السلام در توصیف امام مهدی علیه السلام : اوست که پس از سختیهای شدید و مصیبتها و ستمهای طولانی پیروانش را از غم می‌رهاند ، پس خوشا به حال کسانی که آن زمان را دریابند .

### سوگواری ائمه اطهار علیهم السلام

۶۰- الامام الصادق علیه السلام - لاءصحابه و هم جلوس حوله - : انکم لتذکرون مصیبتنا اهل البیت ، و ما منعنا من حقوقنا ، فاءیدینا من حقوقنا صفرات ؟ فقالوا : بلی یابن رسول الله ، و انا لنبکی علیه . فقال علیه السلام : طوبی لریحکم و اءرواحکم ، ضمانت لکم الضمان ، بضمان الله و ضمان رسوله ، و ضمان علی بن اءبی طالب ، فاءعینونا علی تلک بالورع . (۱۰۶) امام صادق علیه السلام - خطاب به یارانش در حالی که پیروانش گرد ایشان حلقه زده بودند - فرمود : آیا شما از مصیبتها و حقوقی که از ما دریغ کرده اند - دست ما از حقرمان خالی است - یاد می‌کنید ؟ اصحاب گفتند : آری ای فرزند رسول خدا و ما بر آن مصائب اشک می‌ریزیم و گریه می‌کنیم . حضرت فرمود : خوشا به عطر و بوی شما و به روح و روانتان ، من برای شما ضمانت می‌کنم که خداوند ضامن شما شود و رسول خدا ضامن شما شود و علی بن ابی طالب ضامن شما شود ، ولی شما نیز در برابر این ضمانت با دوری از گناه ما را یاری کنید .

### زیارت مرقد امام حسین علیه السلام

۶۱- الامام الصادق علیه السلام : فاذا انقلبت من عند قبر الحسین علیه السلام ناداک مناد ، لو سمعت مقالته لاءقمت عمرک عند قبر الحسین علیه السلام ، و هو یقول : طوبی لک اءیها العبد قد غنمت و سلمت ، قد غفر لک ما سلف ، فاستاءنف العمل . (۱۰۷) وقتی که از زیارت مرقد حسین علیه السلام باز می‌گردد ، ندا دهنده ای تو را خطاب می‌کند که اگر گفته او را می‌شنیدی ، تمام عمرت را در کنار مرقد حسین علیه السلام می‌گذرانندی ، آن منادی می‌گوید : خوشا به حالت ای بنده (خدا) ، همانا غنیمت ارزشمندی بدست آوردی و در مان شدی ، گناهان گذشته ات بخشوده شد ، پس عمر از سر گیر . ۶۲- الامام السجاد علیه السلام : من اءحب اءن یصافحه مائه الف نبی و اءربعه و عشرون اءلف نبی فلیزر الحسین علیه السلام لیله النصف من شعبان ، فان الملائکه و اءرواح النبیین یستاءذنون الله فی زیارته ، فیاءذن لهم ، فطوبی لمن صافحهم و صافحوه . (۱۰۸) هر کس دوست دارد که صد و بیست و چهار هزار پیامبر با او مصاحفه کنند ، باید مرقد امام حسین علیه السلام را در شب نیمه شعبان زیارت کند ، زیرا فرشتگان و روح پیامبران (در آن شب) برای زیارت مرقد حسین علیه السلام از خداوند اجازه می‌گیرند و خداوند به آنان اجازه می‌دهد ، پس خوشا به حال آنان که با ایشان مصاحفه کنند .

### (د) معاد

### عمل برای آخرت

۶۳- الامام الصادق علیه السلام - فی وصیته لعبدالله بن جندب - : طوبی لعبد طلب الاخره و سعی لها . (۱۰۹) امام صادق علیه السلام

- در وصیتش به عبدالله بن جنذب - فرمود: خوشا به حال بنده ای که آخرت را بجوید و برای آن بکوشد. ۶۴- علی بن اسباط عنهم عليهم السلام - فی بیان ما وعظ الله تبارک و تعالی به عیسی علیه السلام - : طوبی لک یابن مریم ان کنت لها (الآخرة من العاملين مع آبتک آدم و ابراهیم فی جنات و نعیم ، لا تبتغی بها بدلا و لا تحویلا کذلک اءفعل بالمتقین . (۱۱۰) علی بن اسباط از (یکی از) معصومان : - در کلامی که خداوند تبارک و تعالی عیسی علیه السلام را موعظه می نمود - نقل می کند : خوشا به حال تو ای فرزند مریم ، اگر از کسانی باشی که برای آخرت کار می کنند ، (که در این صورت ) با پدران آدم و ابراهیم در میان بهشت و نعمتهای خدا خواهی بود (مکانی که ) به جای آن ، چیز دیگری را جایگزین نمی خواهی ، (بدان که ) من با تقوا پیشگان این چنین خواهم کرد . ۶۵- الامام علی علیه السلام طوبی لمن کذب مناه (۱۱۱) و اءخرب دنیاہ لعمارة اخره . (۱۱۲) خوشا به حال آن که آرزوهایش را تکذیب کند (و فریب آنان را نخورد) و دنیای خود را برای آبادانی آن جهان ویران سازد (آخرت را بر دنیا ترجیح دهد) . ۶۶- علی بن عیسی رفته - فیما ناجاه الله به موسی علیه السلام فقال الله له - : یا موسی ، اءبناء الدنیا و اءهلها فتن بعضهم لبعض ، فکل مزین له ما هو فیه ، و المؤمن من من زینت له الآخرة ، فهو ینظر الیها ما یفتقر ، قد حالت شهو تهائینه و بین لذة العیش فاءدلجته (۱۱۳) بلاءسحار کفعل الراكب السائق الی غایتہ ، یظل کئیبا و یسمى حزینا ، و طوبی له لو قد کشف الغطاء ماذا یعابن من السرور . (۱۱۴) علی بن عیسی در حدیث مرفوعی روایت می کند - در آن کلماتی که موسی علیه السلام با خداوند مناجات کرد - خداوند به او فرمود : موسی ! برخی فرزندان دنیا و اهل دنیا در کار یکدیگر فتنه می کنند و (بدان که ) هر کس در هر چه هست همان برایش آرایش و زینت است ، پس مؤ من کسی است که آخرت در نظرش زیبایی و زینت دارد ، و از این رو یکسره ، و بدون فتور و سستی به آن می نگرد . عشق به آن جهان میان او و لذتهای زندگی دنیا فاصله انداخته و همان عشق است که او را در سحرگاهان از جا می کند و همانند رفتار سواری که مرکب را به سوی منزل و مقصد می راند ، روزش را به اندوه رسیدن به مقصد) و شبش را به غم (رسیدن به منزل حقیقت ) می گذراند . خوشا به حال او وقتی که پرده این جهان از برابر دیدگانش به کنار رود ، چه شادی و سروری را به چشم خواهد دید . ۶۷- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن خاف العقاب ، و عمل للحساب . (۱۱۵) خوشا به حال آن که از کیف و جزای (اعمالش ) در هراس است و برای روز حساب در تلاش . ۶۸- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن ذکر المعاد ، و قنع بالکفاف ، و اءعد للحساب . (۱۱۶) خوشا به حال آن که به یاد آخرت باشد و (در زندگی ) به کفاف (۱۱۷) قانع باشد و خود را برای (جواب در) روز حساب آماده سازد . ۶۹- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن اءحسن الی العباد و تزود للمعاد . (۱۱۸) خوشا به حال آن که با بندگان خدا نیکی کند و برای آخرت خود زاد و توشه بگیرد . ۷۰- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن اءراد المعاد ، و عمل الحساب ، و قنع بالکفاف ، و رضی عن الله عزوجل . (۱۱۹) خوشا به حال آن که آهنگ آخرت کند و برای (جواب در) روز حساب بکوشد و به کفاف در زندگی قانع و از خداوند عزوجل خشنود باشد . ۷۱- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن بادر الاءجل ، و اغتم المهل (۱۲۰) ، و تزود من العمل . (۱۲۱) خوشا به حال آن که بر اءجل پیشی گیرد و فرصتها (ی زندگی ) را غنیمت شمرد و با کار (های نیکو) برای آخرت زاد و توشه فراهم سازد . ۷۲- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن ... اءحرز اءمر آخرته . (۱۲۲) خوشا به حال آن که ... کار آخرتش را فراهم آورده باشد .

### عفو الهی در آخرت

۷۳- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ... الموت اءول منزل من المنازل الآخرة ، و آخر منزل من منازل الدنیا ، فطوبی لمن اءکرم عند النزول باءولها ، و طوبی لمن اءحسن مشایعته فی آخرها . (۱۲۳) مرگ اولین منزل از منازل آخرت و آخرین منزل از منزلهای دنیاست ، پس خوشا به حال آن که ، وی را هنگام ورود در نخستین منزل (آخرت ) گرمی بدارند و خوشا به حال آن که در آخرین منزل (دنیا) از او مشایعت و همراهی شایسته ای به جا آورند . ۷۴- الله تبارک و تعالی فی الصحیفة الثالثة و العشرین من

صحف ادريس النبي عليه السلام : سيعود كل شىء الى عنصره (۱۲۴) . . . و تقوم القيامة ، و طوبى للناجين و ويل للهلكين . (۱۲۵) خداوند تبارك و تعالى در بيست و سومين صحيفه ادريس پيامبر عليه السلام فرموده است : بزودى هر چيز به اصل خویش باز مى گردد . . . و قيامت بر پا مى شود ، پس خوشا به حال آنان که (از شدت حساب در قيامت) نجات يابند و بدآ بر آنان که هلاک شدگان باشند . ۷۵- الامام السجاد عليه السلام - فى مناجاته لله عزوجل : طوبى لمن رضيت عنه ، و ويل لمن سخطت عليه . (۱۲۶) خوشا به حال آن که تو از او خوشنود باشى و واى بر آن که تو بر او غضبناک گردى . ۷۶- الامام على عليه السلام - فى قوله تعالى (عسى ائن يبعثك ربك مقاما (۱۲۷) محمودا) (۱۲۸) - : فطوبى لمن كان له فى ذلك المقام حظ و نصيب و ويل لمن لم يكن له فى ذلك المقام حظ و نصيب . (۱۲۹) امام على عليه السلام در مورد آيه (اميد است که پروردگارت تو را به مقامى ستوده برساند) مى فرمايد : خوشا به حال كسى که از آن جاىگاه سهمى داشته باشد و واى بر كسى که از آن جاىگاه بهره و سودى نداشته باشد .

### ورود به بهشت

۷۷- رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم : لما خلق الله جنه عدن . . . امرها فاهتزت و نظقت فقالت : اءن لا اله الا انت ، الحى القيوم ، فطوبى لمن قدر له دخولى قال الله سبحانه : و عزتى و جلالى و ارتفاع مكانى ، لا يدخلك مدمن خمر ، و لا مصر على ربا ، و لا-فتان - و هو المنام - . (۱۳۰) وقتى که خداوند بهشت جاويدان را آفريد ، به آن امر کرد ، پس تكانى خورد و به سخن آمد و گفت : تو خداوندى هستى که خداى ديگرى جز تو نيست ، حى و قيومى ، پس خوشا به حال آن که براى او تقدير شد که در من داخل شود . آنگاه خداوند سبحان فرمود : به عزت و جلال و بلند مرتبگى ام سوگند ، که شرابخوار و رباخوار و فتنه گر - که همان سخن چين باشد - را درون تو راه نمى دهم . ۷۸- رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم - فى تفسير قوله عزوجل (فى جنات عدن) (۱۳۱) - : عدن ، دار الله التى لم ترها عين و لم تخطر على قلب بشر ، لا يسكنها غير ثلاثة : النبیین و الصديقين و الشهداء . يقول الله عزوجل : طوبى لمن دخلك . (۱۳۲) رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم - در تفسير آيه (در بهشت جاويدان) - فرمود : عدن خانه خداست ، خانه اى که هيچ چشمى آن را ندیده و (تصورش) بر قلب كسى خطور نکرده است و هيچ كس در آن ساکن نشده مگر سه دسته : پيامبران ، صديقان و شهدا . خداوند عزوجل مى فرمايد : خوشا به حال آن که در تو جاى گيرد . ۷۹- رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم : ان فى الجنة لمجتمعاً للحوار العين يرفعن باءصوات لم يسمع الخلاق مثلها . . . طوبى لمن كان لنا و كنا له . (۱۳۳) حوريان در بهشت همایشى ویژه دارند که صدای خود را بطورى که مردمان مانند آن را نشنیده اند بلند مى کنند و مى گویند . . . خوشا به حال آنان که براى ما باشند و ما براى آنان باشیم . ۸۰- رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم : ان الله خلق جنه عدن و بناها بيده ، لبنه (۱۳۴) من ذهب و لبنه من فضة ، و جعل ملاطها المسك و ترابها الزعفران و حصباءها (۱۳۵) اللؤلؤ ، ثم قال لها تكلمى فقالت : قد اءفلح المؤمنون . فقالت الملائكة : طوبى لك منزل الملوک . (۱۳۶) خداوند تبارك و تعالى بهشت جاويدان را آفريد و آن را به دست قدرت خود بنا نمود ، خشتى از طلا- و خشتى از نقره بر هم نهاد و ملاط آن از مشك ، و خاکش را از زعفران ، شن و ريگش را از مرواريد قرار داد ، سپس به بهشت فرمود : سخن بگو . بهشت به سخن آمد و گفت : ييقين مؤمنان رستگار شدند . آنگاه فرشتگان گفتند : خوشا به حال اى بهشت که جاىگاه بزرگان شدى .

### عوامل عبادى

#### عبادت خداوند سبحان

۸۱- رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم : طوبى للعباد ، و ويل لاهل الاعسواق . (۱۳۷) خوشا به حال عبادت پيشگان ، بدآ بر اهل

بازار . ۸۲- الله تبارک و تعالی فی الصحیفه العشرین من صحف ادريس النبی علیه السلام : طوبی لقوم عبدونی حبا ، و اتخذونی لها و ربا ، سهروا اللیل و داءبوا النهار طلبا لوجهی ، من غیر رهبة و رغبة ، و لا-لنار و لا جنه ، بل للمحبة الصحیحة ، و الارادة الصریحة ، و الانقطاع عن الكل الی ، و الاتکال من بین الجمیع علی . (۱۳۸) خداوند تبارک و تعالی در بیستمین صحیفه ادريس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید : خوشا به حال آنان که مرا از روی محبت و عشق می پرستند و مرا خدا و پروردگار خویش بر می گزینند ، شب را به عبادت می گذرانند و روز به سعی و تلاش می پردازند ، (و تمام این کارها) به خاطر خشنودی من است ، نه از روی ترس و نه از روی میل ، نه برای بهشت و نه برای دوزخ ، بلکه به خاطر عشق و محبتی واقعی و ارادتی صریح و آشکار ، و به خاطر گسستن از همه و روی آوردن به سوی من و به خاطر توکل بر من در میان دیگران .

### ذکر و یاد خداوند سبحان

۸۳- الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله ءلا-بذكر الله تطمئن القلوب . . . طوبی لهم و حسن مآب . (۱۳۹) (کسانی که ایمان آورده اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام گیرد ؛ بدانید که با یاد خداست که دل‌ها آرام می گیرد خوشا به حالشان و نیکو باد فرجامشان ) . ۸۴- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن مات و لسانه رطب من ذکر الله . (۱۴۰) خوشا به حال کسی که بمیرد ، در حالی که زبانش از یاد و ذکر خدا تر و تازه باشد . ۸۵- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن شغل قلبه بالفکر ، و لسانه بالذکر . (۱۴۱) خوشا به حال کسی که قلبش به اندیشیدن (در مخلوقات و قدرت الهی) و زبانش به ذکر و یاد (خدای تبارک و تعالی) مشغول باشد . ۸۶- الامام علی علیه السلام : جمع الخیر کله فی ثلاث خصال ؛ النظر و السکوت ، و الکلام ، فکل نظر لیس فی اعتبار فهو سهو ، و کل کلام لیس فی ذکر فهو لغو ، و کل سکوت لیس فی فکره فهو غفلة . فطوبی لمن کان نظره عبدا ، و سکوته فکرة ، و کلامه ذکرا . (۱۴۲) تمام نیکیه‌ها در سه ویژگی جمع شده است ؛ نگاه ، سکوت ، سخن . پس هر نگاهی که در آن عبرتی نباشد ، خطاست و هر سخنی که یاد آور خداوند نباشد بیهوده است و هر سکوتی که همراه اندیشه و فکر نباشد ، غفلت است . پس خوشا آنان که نگاهشان عبرت ، سکوتشان اندیشه و سخنشان ذکر و یاد خداست . ۸۷- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ان الله عزوجل سیارة من الملائكة یتبعون حلق الذکر ، فاذا مروا بحلق الذکر قال بعضهم لبعض : اقعدوا ، فاذا دعا القوم ءامنوا علی دعائهم ، فاذا صلوا علی النبی صلی الله علیه و آله و سلم صلوا معهم حتی یفرغوا ، ثم یقول بعضهم لبعض ، طوبی لهم لا یرجعون الا مغفورا لهم . (۱۴۳) خداوند عزوجل کاروان سیاری از فرشتگان دارد که در پی محافل ذکر (و یاد خدا) می روند ، آنگاه که (به جمعی از مردم) بر می خورند که به دور هم محفل ذکر تشکیل داده اند ، گروهی از آنان به گروه دیگر می گوید : فرود آید و هر گاه که این جمع دعا می کنند ، شما آمین بگویید و وقتی بر پیامبر درود و صلوات می فرستید ، شما نیز با آنان صلوات و درود بفرستید تا اینکه آنان دست کشند ، سپس فرشتگان به یکدیگر می گویند : خوشا به حال اینان ، (از مجلس ذکر) بر نمی گردند مگر اینکه آمرزیده شده اند . ۸۸- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن . . . لم یشغل قلبه لما تری عیناه ، و لم ینس ذکر الله بما تسمع اذناه . (۱۴۴) امام علی علیه السلام می فرمود : خوشا به حال آنان که با هر چه که چشمانشان می بیند ، قلب خود را مشغول ن سازند و با آنچه گوش‌هایشان می شنود ، ذکر و یاد خدا را فراموش نکنند . ۸۹- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - فی فضل شهر رجب - : ان الله تعالی نصب فی السماء السابعة ملكا یقال له الداعی ، فاذا دخل شهر رجب ینادی ذلک الملك کل لیلته منه الی الصباح ؛ طوبی للذاکرین . (۱۴۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - در بیان فضیلت ماه رجب - فرمود : خداوند تبارک و تعالی در آسمان هفتم ، فرشته ای را مأمور کرده است که او را داعی (دعوت کننده) می نامند ؛ پس هنگامی که ماه رجب حلول می کند ، آن فرشته همه شب را تا به صبح ندا سر می دهد ؛ خوشا به حال ذکر گویان . ۹۰- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن ءکثر فی الجهاد فی سبیل الله من ذکر الله تعالی ، فان له بكل کلمة سبعین ءلف حسنة ، کل حسنة منها عشرة ءضعاف مع الذی له

عند الله من المیزید . (۱۴۶) خوشا آن که در صحنه کارزار و جهاد ، بیشتر به یاد خدا باشد ، که در مقابل هر کلمه ، هفتاد هزار حسنه برای او نوشته شود ، که هر حسنه آن دهها برابر گردد ، به همراه ثواب زیادی که در نزد خدا دارد . ۹۱- الله تبارک و تعالی فی الصحیفه الرابعه من صحف ادریس النبی علیه السلام : سبحانی و طوبی لمن سبحنی ، قدوس انا و طوبی لمن قدسنی ، جلت عظمتی فلا تحد ، و کثرت نعمتی فلا تعد ، و انا القوی العزیز . (۱۴۷) خداوند تبارک و تعالی در چهارمین صحیفه ادریس پیامبر علیه السلام می فرماید : من پاک و منزه ام ، پاک و منزه ام و خوشا به حال آنان که مرا تسبیح و تنزیه کنند و حال آن که من از عیب و نقص منزه ام و خوشا به حال کسی که مرا از عیب و نقص پاک شمارد ، عظمتم برتر است و حد و نهایتی ندارد ، نعمتهایم بسیار است و قابل شماره نیست و من قوی و عزیز هستم . ۹۲- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : اءتانی جبرئیل علیه السلام بین الصفا و المروه ، فقال : یا محمد ، طوبی لمن قال من امتک لا اله الا الله مخلصا . (۱۴۸) بین صفا و مروه جبرئیل بر من وارد شد و گفت : محمد ، خوشا به حال کسی از امت تو که ذکر لا اله الا الله را با اخلاص بگوید . ۹۳- الامام علی علیه السلام - فی دعاء تعلمه من جبرئیل علیه السلام - : یا من عفا عن السيئات فلم يجاز بها ، ارحم عبدک یا الله ، نفسی نفسی ارحم عبدک . . . الھی تعلم هذا کله فکیف اءنت صانع بی ، لیت شعری و لاءشعر کیف تقول لدعائی ، اءتقول نعم اءو تقول لا ، فان قلت لا فیا ویلی یا ویلی ویلی . . . و ان قلت نعم کما اءظن فطوبی لی ، اءنا السعید . طوبی لی ، اءنا التقی . طوبی لی . (۱۴۹) امام علی علیه السلام - در مناجاتی که آن را از جبرئیل آموخته بود - می گوید : ای (خداوندی) که از گناهان می گذری و به خاطر آنان کیفر نمی دهی ، بر بنده ات رحم کن ، خدایا بر من ، بر من ، بر بنده ات رحم کن . . . خدایا تو که همه چیز را می دانی ، چگونه با من رفتار می کنی ؟ ای کاش می دانستم ، اما نمی دانم در برابر دعایی من چه می گویی ؟ آیا می گویی : آری ، یا اینکه می گویی : نه ، اگر بگویی نه ، وای بر من ، وای بر من . . . و اگر بگویی آری ، چنانکه من چنین گمان می کنم ، خوشا به حالم ، دیگر سعادت مند شدم ، خوشا به حالم پرهیزگار شدم ، خوشا به حالم .

### قراءت قرآن

۹۴- کلیب : سمع علی بن ابی طالب علیه السلام ضجه فی المسجد ، یقرؤون القرآن و یقرؤون ، فقال : طوبی لهؤلاء ، هؤلاء کانوا اءحب الناس الی رسول الله . (۱۵۰) کلیب می گوید : علی بن ابی طالب علیه السلام صدای مهمه گروهی را در مسجد شنید که قرآن می خواندند ، سپس فرمود : خوشا زندگیش . . . اینان محبوبترین مردم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستند . ۹۵- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن یبعث یوم القیامه و جوفه محشو بالقرآدن و الفرائض و العلم (۱۵۱) و العلم . (۱۵۲) خوشا به حال آنکه روز قیامت برانگیخته شود در حالی که دل و جانش از قرآن و احکام الهی و دانش لبریز باشد . ۹۶- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ان اءکرم العباد الی الله بعد الاءنبیاء العلماء ، ثم حملة القرآن ، یخرجون من الدنیا کما یمخرج الاءنبیاء ، و یحشرون من القبور مع الاءنبیاء ، و یمرون علی الصراط مع الاءنبیاء ، و یتابون ثواب الاءنبیاء . فطوبی لطالب العلم و حامل القرآن مما لهم عند الله من الکرامه و الشرف . (۱۵۳) پس از انبیا گرامیتیرین بندگان نزد خدا ، علما و پس از ایشان ، حاملان قرآن (۱۵۴) هستند ، اینان همچون پیامبران از دنیا می روند و به همراه انبیا از قبرهایشان برانگیخته می شوند و از صراط می گذرند و پاداش انبیا برای آنان نوشته می شود ، پس خوشا به حال جوینده علم و حامل قرآن ، از آن کرامت و شرفی که نزد خداوند دارند . ۹۷- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : کنت اءخشی العذاب باللیل و النهار حتی جاءنی جبرئیل بسوره قل هو الله احد فعلمت ان الله لا یعذب امتی بعد نزولها . . . فطوبی لقارئها ، فانه ما من احد یقراها الا و کل الله عزوجل به مائه اءلف ملک یحفظونه من بین یدیه و من خلفه . . . طوبی لمن اءحب قراءتها . (۱۵۵) شب و روز ترس آن را داشتم که عذاب الهی بر امتم فرو ریزد تا اینکه جبرئیل سوره قل هو الله احد را نزد من آورد و دانستم که خداوند پس از این سوره امتم را عذاب نخواهد کرد . . . پس خوشا به



حال آنان که این سوره را می خوانند ، زیرا کسی نیست که این سوره را بخواند مگر آن که خداوند عزوجل حفاظت او را به صد هزار فرشته که در اطراف او هستند می سپارد . . . خوشا به حال کسی که خواندن این سوره را دوست بدارد . ۹۸- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ان الله تبارک و تعالی قراء طه و یس قبل ان یخلق السماوات و الاءرض باءلف عام ، فلما سمعت الملائکة القرآن قالوا : طوبی لامه ینزل هذا علیها و طوبی لاءجواف تحمل هذا ، و طوبی لاءلسن تتکلم بهذا . (۱۵۶) خداوند تبارک و تعالی سوره های طه و یس را هزار سال پیش از آفریدن آسمانها و زمین خواند ، و آن هنگام که فرشتگان آن را شنیدند ، گفتند : خوشا به حال امتی که این آیات بر آنان نازل شود و خوشا به حال سینه هایی که این آیات را در خود جای دهد و خوشا به حال زبانهایی که به این آیات تکلم نماید . ۹۹- عیسی بن مریم علیه السلام : طوبی لمن قراء کتاب الله ثم عمل بما فیه . (۱۵۷) خوشا زندگی آنان که کتاب خدا را بخوانند و به آنچه در آن است عمل کنند .

### نماز در مسجد

۱۰۰- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : اجابه المؤذن رحمه و ثوابه الجنة ، و من لم یجب خاصمته یوم القیامة ، فطوبی لمن اعجاب داعی الله و مشی الی المسجد ، و لا یجیبه و لا یمشی الی المسجد الا المؤمن من من اهل الجنة . (۱۵۸) اجابت مؤذن (و رفتن به مسجد پس از شنیدن صدای اذان) رحمت ، و ثواب آن بهشت است . هر کس (صدای اذان را بشنود و) اجابت نکند ، روز قیامت او را دشمن خود می شمارم ، پس خوشا بر آنان که دعوت کننده خدا را پاسخ گوید و به سوی مسجد برود . و جز مؤمن بهشتی ، کسی (مؤذن را پاسخ نمی دهد و) به سوی مسجد گام بر نمی دارد . ۱۰۱- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : قال الله تبارک و تعالی : اءلا طوبی لمن کانت المساجد بیوته ، اءلا طوبی لعبد توضع فی بیته ثم زارنی فی بیتی . (۱۵۹) خداوند تبارک و تعالی می فرماید : آگاه باشید ! خوشا به حال آنان که مساجدها را خانه خویش بدانند (پیوسته به مسجد بروند) . بدانید ! خوشا به حال بنده ای که در خانه اش وضو ساخته ، و پس از آن مرا در خانه ام (مسجد) زیارت کند . ۱۰۲- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - فیما اءوصی به اءبا ذر - یا اءبا ذر ، طوبی لاءصحاب الاءلویة (۱۶۰) یوم القیامة ، یحملونها فیسبقون الناس الی الجنة ، اءلا و هم السابقون الی المساجد بالاءسحار و غیرها . (۱۶۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - در وصیت خود به ابوذر - فرمود : ابوذر ! خوشا به حال پرچمداران روز قیامت که پرچمها را بر دوش دارند و در راه بهشت ، از دیگر مردم سبقت می گیرند ، بدانید ! آنان کسانی هستند که در سحر گاهان و اوقات دیگر ، پیش از دیگران به سوی مسجدها می شتافتند . ۱۰۳- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ان فی التوراة مکتوبا : ان بیوتی فی الاءرض المساجد ، فطوبی لعبد تطهر فی بیته ثم زارنی فی بیتی ، اءلا ان علی المزور کرامة الزائر ، اءلا بشر المشائین فی الظلمات الی المساجد بالنور الساطع یوم القیامة . (۱۶۲) در تورات نوشته شده است که (خداوند فرمود) خانه های من در زمین مسجدها هستند ، پس خوشا زندگی بنده ای که در خانه اش خود را با طهارت سازد سپس مرا در خانه ام (مسجد) زیارت کند . بدانید ! که بزرگداشت مهمان بر عهده میزبان است ، آری ! کسانی را که در تاریکی شب به سوی مسجدها می روند ، به نوری درخشانده و تابان در روز قیامت بشارت ده .

### تهجد و شب زنده داری

۱۰۴- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : اذ کان اول لیلته من شهر رمضان اءمر الله تبارک و تعالی سبعة من الملائکة . . . مع کل ملک منهم لواء من نور . . . مع جبرئیل لواء من نور یضرب فی السماء السابعة ، مکتوب علی ذلك اللواء ؛ لا اله الا الله محمد رسول الله ، طوبی لامه محمد ینادون بالاءسحار بالبکاء و التضرع ، اولئک هم الآمنون یوم القیامة . . . و فی ید کواکیب لواء من نور یضرب فی السماء الرابعة ، مکتوب علیه ؛ لا اله الا الله ، محمد رسول الله ، طوبی لامه محمد یتصدقون بالنهار ، و یقومون فی اللیل بالدعاء و

الاستغفار ، ينظر الله اليهم و يرضى عنهم . (۱۶۳) هنگامی که شب اول ماه رمضان فرا می رسد ، خداوند تبارک و تعالی به هفت فرشته (۱۶۴) دستور می دهد . . . با هر یک از فرشتگان پرچمی از نور همراه است . . . جبرئیل نیز پرچمی از نور در اختیار دارد و آن را در آسمان هفتم بر افراشته می سازد ، بر آن پرچم نوشته شده است : لا اله الا الله محمد رسول الله ، خوشا به حال امت محمد که سحر گاهان با گریه و زاری ، راز و نیاز می کنند ، آنان روز قیامت در امان هستند . . . و در دست کواکبیل نیز پرچمی از نور قرار دارد که در آسمان چهارم به اهتزاز در می آورد ، بر آن نوشته شده است : لا اله الا الله رسول الله ، خوشا به حال امت محمد ، که در روز صدقه می دهند و شب را به دعا و آمرزش می گذرانند ، خداوند به آنان توجه دارد و از ایشان راضی است . ۱۰۵- الامام علی علیه السلام : طوبی لنفس . . . هجرت فی اللیل غمضها ، حتی اذا غلب الکرى . (۱۶۵) خوشا به حال آنان که . . . خواب شبانه را کنار گذارد تا آنگاه که خستگی بر او چیره شود . ۱۰۶- عیسی بن مریم علیه السلام : طوبی للذین یتهجدون من اللیل ، اولئک الذین یرثون النور الدائم من اجل انهم قاموا فی ظلمة اللیل علی ارجلهم ، فی مساجدهم یتضرعون الی ربهم رجاء ینجیهم فی الشدة غدا . (۱۶۶) خوشا زندگی آنان که پاسی از شب را به راز و نیاز و شب زنده داری می گذرانند ، آنان کسانی هستند که همیشه نورانی اند ، چرا که در تاریکی شب بر پا خواسته ، در جایگاه عبادتشان به درگاه پروردگار خویش گریه و زاری کرده اند ، به امید آن که خداوند ایشان را از شداید و سختیهای فردا (ی قیامت ) نجات دهد . ۱۰۷- عیسی بن مریم علیه السلام : طوبی للذین یتهجدون من اللیل ، اولئک یؤتون النور الدائم من اجل انهم قاموا فی ظلم اللیل ، فمشوا علی ارجلهم و التمسوا بآیدیهم ، مساجدهم فی بیوتهم یتضرعون فی سواد اللیل الی ربهم عزوجل ، زرعوا فی مساجدهم و کان سقی زرعهم ماء اعینهم عند ربهم عزوجل معلقة ، و اجسادهم فی الدنیا مکتوبة ، قد غلبهم النوم فخرؤا علی وجوههم لا رهبوا منه ، یرجون رحمته و یخافون عذابه . (۱۶۷) خوشا زندگی آنان که پاسی از شب را به تهجد و شب زنده داری می گذرانند ، آنان کسانی هستند که پیوسته نورانی اند ، چرا که در تاریکی شب بر پا خواسته و (برای مقدمات عبادت ) براه افتاده و با دستهای خویش (در درگاه خداوند) به التماس و خواهش پرداخته اند . سجده گاه آنان در خانه هایشان است ، در دل شب به درگاه پروردگارشان زاری و تضرع می کنند ، کشتزار سجده گاهشان را با اشک چشمان خویش آبیاری می کنند و ثمر آن (عبادت ) را برای روز بیچارگی (در قیامت ) پرورش می بینند و بدنهایشان از شدت غم در دنیا افسرده و اندوهگین است . از (عبادت بسیار) خواب بر آنان چیره می شود ، به خاطر ترسی که از خداوند دارند با صورت بر زمین می افتند ، به رحمتش امیدوار و از عذابش بیمناک می گردند . ۱۰۸- الله تبارک و تعالی فی الصحیفة العشرین من صحف ادریس النبی علیه السلام : طوبی لقوم عبدونی حبا ، و اتخذونی الها و ربا ، سهروا اللیل و داءبوا النهار طلبا لوجهی ، من غیر رهبة و رغبة لا لنار و لا جنة ، بل للمحبة الصحیحة ، و الارادة الصریحة ، و الانقطاع عن الكل الی ، و الاتکال من بین الجمیع علی . (۱۶۸) خداوند تبارک و تعالی در بیستمین صحیفه ادریس پیامبر علیه السلام می فرماید : خوشا به حال آنان که مرا از روی محبت و عشق می پرستند و مرا خدا و پروردگار خویش بر می گزینند ، شب را به عبادت می گذرانند و روز به سعیی و تلاش می پردازند ، (و تمام این کارها) به خاطر خشنودی من است ، نه از روی ترس و نه از روی میل ، نه برای بهشت و نه برای دوزخ ، بلکه به خاطر عشق و محبتی واقعی و ارادتی صریح و آشکار ، و به خاطر گسستن از همه به سوی من و به خاطر توکل بر من از میان دیگران است . ۱۰۹- الامام الصادق علیه السلام : ان لیلة الثالث و العشرین من شهر رمضان هی لیلة الجهنی ، فیها یفرق کل امر حکیم ، و فیها تثبت البلیا و المنایا و الآجال و الاءرزاق و القضایا ، و جمیع ما یحدث الله عزوجل فیها الی مثلها من الحول ، فطوبی لعبدا حیاهها راکعا و ساجدا ، و مثل خطایاه بین عینیه و بیکی علیها ، فاذا فعل ذلک رجوت ان لا یخیب ان شاء الله . (۱۶۹) شب بیست و سوم ماه همان شب قدرست . در آن شب کارهای مهم مقدر می شود و در آن شب بلاها و آرزوها و مرگها ، رزق و روزیها ، وقایع و تمام اتفاقاتی که خداوند عزوجل در مثل این شب حادث می کند ، تاءبید می گردد ، پس خوشا به حال بنده ای که آن شب را با رکوع و سجود احیاء بدارد و گناهانش را در برابر چشمانش تصور کند و بر آنان اشک بریزد ، پس هنگامی که



چنین کند ، امیدوارم که ناامید نشود ، ان شاء الله .

## روزه

۱۱۰- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن اءدرک رمضان ، ثم طوبی له . (۱۷۰) خوشا به حال کیس که ماه رمضان را درک کند ، و خوشا به حالش . ۱۱۱- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : اذا كان اول ليله من شهر رمضان ، امر الله تبارک و تعالی سبعة من الملائكة . . . مع کل ملک منهم لواء من نور . . . و فی ید شمشائل لواء من نور يضرب فی السماء الثالثة ، مكتوب علیه لا اله الا الله ، محمد رسول الله ، طوبی لاءمة محمد ، صيامهم جنه (۱۷۱) من النار (۱۷۲) هنگامی که شب اول ماه رمضان فرا می رسد ، خداوند تبارک و تعالی به هفت فرشته دستوری می دهد . . . با هر یک از فرشتگان پرچمی از نور همراه است . . . و در دست شمشائل پرچمی از نور است که آن را در آسمان سوم برافراشته می سازد ، که بر آن نوشته شده : لا اله الا الله ، محمد رسول الله ، خوشا به حال امت محمد ، روزه آنان سپری از آتش (جهنم) است . ۱۱۲- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : من صام من رجب خمسة عشر يوما وقف يوم القيامة موقف الآمنين ، فلا يمر به ملک مقرب و لا نبی مرسل و لا رسول الا قال : طوباک ، اءنت آمن مقرب مشرف ، مغبوط ، ساکن للجنان . . . من صام من رجب ثلاثة و عشرين يوما نودی من السماء : طوبی لک یا عبدالله ، نصبت (۱۷۳) قليلا و نعمت طويلا ، طوبی لک اذا كشف الغطاء عنک ، و افضیت الی جسيم ثواب ربک الکریم ، و جاورت الخلیل فی دارالسلام . (۱۷۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - در بیان فضیلت ماه رجب - فرمود : هر کس پانزده روز از ماه رجب را روزه بگیرد ، روز قیامت در جایگاه کسانی قرار می گیرد که در امان هستند ، و هیچ فرشته مقرب و پیامبر و رسولی نیست مگر اینکه به او می گوید : خوشا به حالت ، تو در امان و نزدیک (به لطف الهی) و گرامی و مورد غبطه و از ساکنان بهشتی هستی . . . و هر کس بیست و سه روز از ماه رجب را روزه بدارد ، از آسمان ندا می دهند ، خوشا به حال تو ای بنده خدا ، کمی رنج بردی و از نعمتهای بسیاری بهره مند شدی ، خوشا به حالت هنگامی که پرده (دنیا) از دیدگان تو بر گرفته می شود و به سوی نعمتها و ثوابهای پروردگار کریمت روانه می شوی و با (ابراهیم) خلیل در بهشت برین همسایه می گردی . ۱۱۳- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - فی فضل شهر شعبان - : من صام عشرين يوما فبخ بخ ، طوبی له و حسن مآب ، و يعطيه الله عزوجل من الکرامة و الثواب ما يعجز عن صفته الخلاق . (۱۷۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - در بیان فضیلت ماه شعبان - فرمود : هر کس بیست روز از ماه شعبان را روزه دارد ، به به و خوشا به حالش و نیکو باد فرجامش ، خداوند عزوجل آنقدر کرامت و ثواب به او ارزانی می دارد که مردم از توصیف آن عاجز و درمانده شوند .

## عوامل خانوادگی

۱۱۴- الامام الصادق علیه السلام : طوبی لمن کانت امه عقیفة . (۱۷۶) خوشا به حال آن که مادرش پاک دامن و عقیف باشد . نیکی به والدین ۱۱۵- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : من بر والديه طوبی له ، زاد الله فی عمره . (۱۷۷) کسی که به پدر و مادرش نیکی کند ، خوشا به حالش ، خداوند به او طول عمر طولانی عطا کند . همسر صالح ۱۱۶- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : - لفاطمة علیها السلام بعد ان ذکر اءصناف الخلق فی المحشر - : ویل لامرأة غضبت زوجها ، و طوبی لامرأة رضی عنها زوجها . (۱۷۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - پس از آنکه دسته های گوناگون مردم در روز قیامت را برای حضرت فاطمه علیها السلام نام برد - فرمود : وای بر آن زن که همسرش را به خشم آورد و خوشا به حال آن زن که همسرش از او راضی و خشنود باشد . ۱۱۷- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن بات حاجا و اءصبح غازیا ، رجل مستو ذو عیال متعفف ، قانع بایسیر من الدنيا ، یدخل علیهم ضاحکا و یدخل علیهم ضاحکا ، فوالذی نفسی بیده ! انهم هم الحاجو الغازون فی سبیل الله عزوجل . (۱۷۹)

خوشا زندگی آن که شبانگاهان از حاجیان به حساب آید و صبحگاهان از رزمندگان ، او مرد با حیا و عیالمند و خود نگهداری است که به مقدار ناچیزی از دنیا قانع است ، بر خانواده اش شاداب و خندان وارد می شود و با خوشرویی از خانه بیرون می رود ، قسم به کسی که جانم در دست اوست ، چنین کسانی از حاجیان و رزمندگان راه خدا هستند . ۱۱۸- لقمان علیه السلام : یا بنی النساء اربعه : ثنتان صالحتان ، و ثنتان ملعونتان فاءما احدی الصالحین ، فهی الشریفه فی قومها ، الذلیله فی نفسها ، التی ان اعطیت شکر ، و ان ابلت صبرت ، القلیل فی یدیه کثیر ، الصالحه فی بیتها ، الثانیه ؛ الودود ، الولود ، تعود به ، خیر علی خیرها ، هی کالالم الرحیم تعطف علی کبیرهم ، و ترحم صغیرهم ، و تحب ولد زوجها و ان کانوا من غیرها ، جامعه اغلشمل ، مرضیه البعل ، مصلحه فی النفس و لاهل و المال ، و الولد ، فهی کالذهب الاءحمر ، طویبی لمن رزوقها ، ان شهد زوجها اعانته ، و ان غاب عنها حفظته . (۱۸۰) پسر من ! زنان چهار گروه اند ، دو گروه صالحند و دو گروه ملعون اما یکی از زنان صالح زنی است که در پیش خانواده اش شرافتمند ولی در نفس خویش خوار و حقیر است ، زنی که اگر به او عطایی ببخشند شکر می کند و اگر به بلایی گرفتار آید ، صبر و شکیبایی ورزد . خرد و ناچیز ، در نظرش کلان و بسیار شمرده می شود ، در خانه اش درستکار است . و اما دسته دوم از زنان صالح زنی است که بسیار شوهر دوست بوده و بسیار بچه می آورد . با خیر و خوشی به سوی شوهرش می رود ، چنین زین مانند مادری مهربان است که بر فرزندان بزرگتر عطوفت دارد و بر اطفال کوچکتر رحم می کند ، فرزندان شوهرش را دوست دارد ، گرچه آنان از همسر ( زن ) دیگری باشند ، مایه صفا و صمیمیت و شمع جمع خانواده و مورد رضایت شوهر است ، اصلاح کننده خود ، خانواده ، مال و فرزندانش است . چنین زنی به مانند طلای سرخ (ارزشمند) است ، خوشا زندگی مردی که چنین همسری نصیبش شده است ، اگر در کنار شوهرش باشد به او یاری رساند و اگر شوهرش کنار او نباشد ، خود را برای او حفظ می کند .

## عوامل اجتماعی

### هم نشینی با نیکان

۱۱۹- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طویبی لمن خالط اهل الفقه و الحکمه ، و رحم اهل المسکنه . (۱۸۱) خوشا به حال آن که با فقیهان و حکیمان رفت و آمد دارد (و از علم و کمالشان بهره می برد) و بر مسکینان ترحم می کند . ۱۲۰- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طویبی لمن ... خالط اهل العفه و الحکمه . (۱۸۲) خوشا به حال آن که ... با اهل عفت و پاکدامنی و حکمت و دانایی در رفت و آمد است . ۱۲۱- الامام علی علیه السلام : طویبی لنفس اءدت الی ربها فرضها ، و عرکت (۱۸۳) بجنبها بؤسها (۱۸۴) و هجرت فی اللیل غمضها ، (۱۸۵) حتی اذا غلب الکری (۱۸۶) علیها افترشت ارضها و توسدت کفها ، فی معشر اءسهر عیونهم خوف معادهم ، و تجافت عن مضاجعهم جنوبهم و همهمت بذکر ربهم شفاهم ، و تقشعت (۱۸۷) بطول استغفارهم ذنوبهم (اولئک حزب الله اءلا- ان حزب الله هم المفلحون) (۱۸۸) . (۱۸۹) خوشا به حال کسی که وظیفه واجبش را نسبت به پروردگارش ادا کرده ، سختی و مشکلات آن را تحمل نماید ، و در شب دیده بر هم ننهد و چون خواب بر او غالب شود ، روی زمین استراحت کند و دست زیر سر بگذارد و بخوابد ، در میان گروهی باشد که از خوف معاد ، چشمهایش خواب ندارد ، پهلوهایش برای استراحت در خوابگاهشان قرار نگرفته ، همواره لبهایشان به ذکر پروردگار در حرکت است ، گناهانشان بر اثر استغفار از بین رفته (آنان حزب خدا هستند ، آگاه باشید حزب خدا رستگار است) . ۱۲۲- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طویبی لمن ... جانب اهل الشک و البدعه . (۱۹۰) خوشا به حال کسی که ... از شکاکان و بدعت گذاران (در دین) دوری گیرند . ۱۲۳- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طویبی لمن ... جانب اهل الخیل اهل الخیلاء و التفاخر و الرغبه فی الدنیا ، المبتدعین

خلاف سنتی، العالمین بغیر سیرتی. (۱۹۱) خوشا به حال آنان که از متکبران و فخر فروشان و دنیا پرستان دوری گزینند، همان کسانی که بر خلاف سنت و شیوه من بدعت می گذارند و به غیر از سیره و روش من عمل می کنند.

### ترحم بر مردم

۱۲۴- الامام الکاظم علیه السلام - فی وصیه لهشام بن الحکم - : یا هشام ، مکتوب فی الانجیل ؛ طوبی للمترحمین ، اولئک هم المرحومون یوم القیامه . (۱۹۲) امام کاظم علیه السلام - در سفارش خود به هشام - می فرماید : هشام ! در انجیل نوشته شده است ؛ خوشا زندگی آنان که به دیگران ترحم می کنند ، آنان کسانی اند که در روز قیامت ، به ایشان ترحم می شود . ۱۲۵- رسول صلی الله علیه و آله : طوبی لمن . . . رحم اهل الضعف و المسکنه . (۱۹۳) خوشا به حال آنان که . . . بر ضعیفان و بیچارگان ترحم کنند .

۱۲۶- الله تبارک و تعالی فی الصحیفه الخامسة والعشیرین من صحف ادریس النبی علیه السلام : طوبی لمن طعم الضریک (۱۹۴) ، و کسی الصعلوک (۱۹۵) ، و اکتف الاءرمله و الیتیم ، و جاد علی ابن السبیل ، و اعان اءخاه فی النوائب ، و واساه من نعم الله عنده و مواهبه ، فان ذلک حق علی الله اءن یضاعف له مافعل و یمیزه فی المعاد ممن بخل ، و یجازیه علی احسانه الجزاء الاءفضل ، و ینوله (۱۹۶) من رضوانه العطاء الاءکمل الاءجزل و الله لا- یخلف المیعاد . (۱۹۷) خداوند تبارک و تعالی در بیست و پنجمین صحیفه ادریس پیامبر علیه السلام می فرماید : خوشا به حال آن که فقیر بیچاره ای را طعام دهد و مسکین مستمندی را بپوشاند ، بیوه زنان و یتیمان را سرپرستی کند ، بر مسافران بی پناه جود و بخشش نماید ، در ناراحتی و سختیهای روزگار ، برادرانش را یاری رساند و از نعمتها و مواهب الهی که در اختیار دارد به آنان نیز بخشد . که در این حال بر خداوند است که ثواب اعمال او را مضاعف گرداند و در قیامت وی را از بخل ورزان جدا کند و به خاطر احسان و نیکوکاریش ، پاداش برتری به او عطا کند و از رضوان خویش او را عطای کافی و وافی بخشد و خداوند خلف وعده نمی کند . ۱۲۷- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن ضم یتیم فوفر له ماله و اءحسن صحبته . (۱۹۸) خوشا به حال کسی که یتیمی را سرپرستی کند و مالش را به فراوانی برای او خرج کند و با او خوش رفتار و خوش برخورد باشد . ۱۲۸- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن اءحسن الی العباد و تزود للمعاد . (۱۹۹) خوشا به حال آن که بر بندگان خدا احسان کند و برای آخرت خود زاد و توشه بر دارد . ۱۲۹- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن ظمء اءو جاع للبر ، اولئک الذین یسبعون یوم القیامه . (۲۰۰) خوشا به حال آنان که نیکی کردن (به دیگران) تشنگی و گرسنگی را به جان می خرنند ، آنان کسانی اند که روز قیامت سیر شوند . ۱۳۰- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن . . . عفا و صفح . (۲۰۱) خوشا به حال آن که . . . (کارهای بد دیگران را) ببخشد و (آن را) ندیده گیرد . مصلح گمنام ۱۳۱- فی الاءثر : انه یاءتی علی الناس زمان لا یتقی فیهم من الاسلام الا اسمه ، و من القرآن الا رسمه ، قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم ؛ ان الاسلام بداء غربیا و سيعود غربیا (۲۰۲) ، فطوبی للغرباء . (۲۰۳) در حدیث آمده : زمانی بر مردم که از اسلام (و مسلمانی) جز نامی و از قرآن جز خط و نوشته ای ، چیز دیگری باقی نمی ماند ، (همانطور که) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : همانا اسلام غربیانه آغاز شد و بزودی غریب خواهد شد و خوشا به حال غریبان . ۱۳۲- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی للغرباء ، اناس صالحون فی اناس سوء کثیر ، من یعصیهم اءکثر ممن یطیعهم . (۲۰۴) خوشا به حال گمنامان ، انسانهایی صالح و درستکار در میان بدکارانی بی شمار ، کسانی که نافرمانیشان می کنند بیش از کسانی هستند که اطاعت و پیرویشان می کنند . ۱۳۳- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ان الاسلام بداء غربیا و سيعود غربیا ، فطوبی للغرباء ، قالوا : یا رسول الله . و ما الغرباء ؟ قال صلی الله علیه و آله و سلم : الذین یصلحون اذا فسد الناس ، و لا یمارون (۲۰۵) فی دین الله ، و لا یکفرون اءحدا من اهل التوحید بالذنب . (۲۰۶) اسلام غربیانه آغاز شد و بزودی غریب خواهد شد ، پس خوشا به حال غریبان . اصحاب گفتند : ای رسول خدا ، غریبان چه کسانی هستند ؟ حضرت فرمود : کسانی که وقتی مردم فساد می کنند ، آنان به اصلاح کار می اندیشند و در دین خداوند مجادله و ستیز

نمی‌کنند و موحدان و یکتا پرستان را به خاطر گناهی، تکفیر نمی‌کنند. ۱۳۴- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ان الدین بداء غریبا و یرجع غریبا، فطوبی للغرباء الذین یصلحون ما افسد الناس من بعدی من سنتی. (۲۰۷) دین خدا غریبانه آغاز شد و غریب خواهد شد، پس خوشا به حال غریبان، همان کسانی که سنتهای الهی مرا که مردم از بین برده‌اند، اصلاح می‌سازند. ۱۳۵- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ان الاسلام بداء غریبا و سيعود غریبا کما بداء، طوبی للغرباء. قیل: و ما الغرباء؟ قال صلی الله علیه و آله و سلم: النزاع (۲۰۸) من القبائل. (۲۰۹) همانا اسلام غریبانه آغاز شد و بزودی دچار غربت می‌شود، چنانچه که در آغاز غریب شده بود، خوشا به حال غریبان. گفته شد: غریبها چه کسانی‌اند؟ حضرت فرمود: کسانی که از (آداب و رسوم ناپسند) قوم و قبیله دوری می‌کنند. ۱۳۶- الامام الباقر علیه السلام: - فی قوله تعالی (قد افلح المؤمنون) (۲۱۰) لکامل التمار - : اءتدری من هم؟ قال: اءنت اءعلم: قال علیه السلام: قد افلح المؤمنون، المسلمون، ان المسلمین هم النجباء و المؤمن من غریب. ثم قال علیه السلام: طوبی للغرباء. (۲۱۱) امام باقر علیه السلام - در مورد آیه (براستی که مؤمنان رستگارانند) به کامل التمار - فرمود: آیا می‌دانی آنان چه کسانی هستند؟ کامل التمار گفت: شما که داناترید. حضرت فرمود: براستی که مؤمنان رستگار شده تسلیم شدگان‌اند، که تسلیم شدگان همان نجیبانند و مؤمن غریب و تنهاست، (چرا که مؤمن تسلیم شده کمیاب است)، سپس حضرت فرمود: خوشا به حال گمنامان.

### مردم شناسی

۱۳۷- الامام علی علیه السلام: طوبی لمن عرف الناس و لم یعرفوه، تعجلت له منیته، و قل تراثه، و فقد باکیاته. (۲۱۲) خوشا به حال کسی که مردم را می‌شناسند ولی مردم او را نمی‌شناسند (او چنین صفاتی دارد)، مرگ زود به سراغش می‌آید و ارث کمی باقی می‌گذارد و گریه کنندگان (بر مرگ) او حضور ندارند. ۱۳۸- الامام الصادق علیه السلام: طوبی لعبد نومه (۲۱۳) عرف الناس قبل معرفتهم به. (۲۱۴) خوشا به حال انسان گمنامی که مردم را می‌شناسد، پیش از آنکه مردم او را بشناسند. ۱۳۹- الامام الصادق علیه السلام: طوبی لعبد نومه عرف الناس فصاحبهم بیدنه، و لم یصاحبهم فی اءعمالهم بقلبه، فعرفوه فی الظاهر و عرفهم فی الباطن. (۲۱۵) خوشا زندگی بنده گمنامی که مردم را بشناسد و (در ظاهر) با آنان همراهی کند ولی قلبا از اعمال آنان راضی نیست، مردم ظاهر او را می‌شناسند ولی او باطن آنان را می‌شناسد. ۱۴۰- الامام علی علیه السلام: طوبی لکل عبد نومه لا یؤبه (۲۱۶) له، یعرف الناس و لا یعرفه الناس، یعرفه الله منه برضوان، اولئک مصابیح الهدی ینجلی عنهم کل فتنه مظلمه، و یفتح لهم باب کل رحمه، لیسوا بالبذر (۲۱۷) المذایب (۲۱۸) و لا- الجفاه المرائین. (۲۱۹) خوشا به حال بنده گمنامی که به او اعتنا نکنند، (در حالی که او) مردم را می‌شناسد ولی مردم او را نمی‌شناسند، خداوند او را به اینکه همیشه از وی رضایتمند بوده می‌شناسد، اینان چراغهای هدایت‌اند که هر فتنه تاریک و سختی، از برکت وجود آنان زایل می‌شود و همه درهای رحمت، برای آنان باز می‌شود، پر حرف و افشا کننده و خشن و ریا کار نیستند. ۱۴۱- عیسی بن مریم علیه السلام: طوبی لمن... لا یغبط امرأ فی قوله حتی یستبین له فعله. (۲۲۰) خوشا به حال آن که... به سخنان کسی غبطه نمی‌خورد تا اینکه عمل او را ببیند (که آیا اهل عمل است یا نه).

### مردم داری

۱۴۲- الامام علی علیه السلام: طوبی لمن یاءلف الناس و یاءلفونه علی طاعة الله. (۲۲۱) خوشا به حال آنان که به خاطر اطاعت خداوند عزوجل با مردم انس و الفت گیرند و مردم نیز با او مأنوس شوند. ۱۴۳- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن... عزل عن الناس شره. (۲۲۲) خوشا زندگی آن که... بدی و شرش را از مردم دور نگه دارد. ۱۴۴- الامام علی علیه السلام:

طوبی لمن . . . اءمن الناس شره . (۲۲۳) خوشا به حال کسی که . . . مردم از شر او در امان باشند . ۱۴۵- الامام الكاظم علیه السلام - فی وصیته لهشام بن الحكم - : یا هشام ، مکتوب فی الانجیل ؛ طوبی للمصلحین بین الناس ، اولئک هم المقربون یوم القیامة . (۲۲۴) امام کاظم علیه السلام - در سفارش خود به هشام - می فرماید : ای هشام ! در انجیل نوشته شده است ؛ خوشا به حال آنان که میان مردم صلح و صفا می دهند ، آنان کسانی اند که در روز قیامت از مقربان (خدای تبارک و تعالی) می باشند . ۱۴۶- عیسی بن مریم علیه السلام : . . . طوبی لمن سلم الناس من یده و لسانه . (۲۲۵) خوشا به حال آن که مردم از دست و زبانش در امان اند . ۱۴۷- الامام علی علیه السلام : اءیها الناس ، طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب الناس . . . فکان من نفسه فی شغل و الناس منه فی الراحة . (۲۲۶) خوشا به حال آن که پرداختن به عیب خودش ، وی را از پرداختن به عیب دیگران باز دارد . . . پس سرگرم کار خویش باشد و مردم از گزند او آسوده خاطر باشند . ۱۴۸- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن منعه عیبه عن عیوب المؤمنین من اخوانه . (۲۲۷) خوشا به حال آن که عیب خودش ، او را از عیب جوئی دوستان مؤمنش باز دارد . ۱۴۹- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : الموت اءول منزل من منازل الآخرة ، و آخر منزل من منازل دنیا ، فطوبی لمن اءکرم عند النزول باءولها ، و طوبی لمن اءحسن مشایعته فی آخرها . (۲۲۸) مرگ اولین منزل از منازل آخرت و آخرین منزل از منزلهای دنیاست ، پس خوشا به حال کسی که وی را هنگام ورود در نخستین منزل (آخرت) گرامی دارند و خوشا به حال آن که در آخرین منزل (دنیا) و به هنگام تشییع) از او مشایعت و همراهی شایسته ای به جا آورند . ۱۵۰- علی بن عیسی رفته : فیما ناجاه الله به موسی علیه السلام فقال الله له : طوبی لک یا موسی ، کفف الخاطئین ، و جلیس المضطربین ، و مستغفر للمذنبین . (۲۲۹) علی بن عیسی در حدیث مرفوعی روایت می کند : موسی علیه السلام در مناجاتی که با خداوند داشت ، خداوند به او فرمود : خوشا به حال تو ای موسی ، که پناه دهنده خطا کاران ، و همنشین پریشان خاطران ، و آمرزش خواه گناهکارانی . عدالت ۱۵۱- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن . . . عمل بالعدل . (۲۳۰) خوشا بر کسی که . . . به عدالت رفتار نماید . ۱۵۲- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : السابقون الی ظل العرش ، طوبی لهم . قیل : یا رسول الله و من هم ؟ قال صلی الله علیه و آله و سلم : الذین یقبلون الحق اذا سمعوه ، و یبدلونه اذا سئلوه ، و یحکمون للناس کحکمهم لاءنفسهم ، هم السابقون الی ظل العرش . (۲۳۱) خوشا به حال آنان که به سوی سایه عرش الهی پیشی می گیرند . گفته شد : ای رسول خدا ، آنان چه کسانی هستند ؟ حضرت فرمود : آنان کسانی هستند که وقتی حق را بشنوند ، قبول می کنند ، و هنگامی که از آنان حق می طلبند ، (بدون چشم داشتی) انجام می دهند و برای مردم آنچنان حکم می کنند که برای خود می پسندند ، (آری) آنان پیش تازان به سوی عرش الهی هستند . ۱۵۳- موسی علیه السلام : یا رب ، من یسکن غدا فی حظیره القدس و یستظل بظل عرشک یوم لا ظل الا ظلك ؟ فقال : یا موسی ، اولئک الذین لا تنظر اءینهم فی الزنا ، و لا- یتبعون فی اءموالهم الربا ، و لا- یاءخذون علی اءحکامهم الرشا ، طوبی لهم و حسن مآب . (۲۳۲) پروردگارا ! چه کسی فردا (ی قیامت) ، در آن روزی که هیچ پناهی جز تو نیست ، در محضر قدس تو ساکن می شود و در زیر سایه بان عرش تو ، پناه می گیرد ؟ خداوند فرمود : موسی ! آنان کسانی اند که چشمانشان به زنا (و فحشاء) نمی نگرند و با اموالشان به دنبال ربا نمی روند و در قضاوتهایشان رشوه نمی گیرند ، خوشا به حالشان و نیک باد سرانجامشان . ۱۵۴- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن . . . اءنصف الناس من نفسه . (۲۳۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود : خوشا به حال آنانکه . . . میان خود و مردم به انصاف رفتار کند .

### عزت (۲۳۴)

۱۵۵- الامام الصادق علیه السلام : صاحب العزلة متحصن بحصن الله و متحرس بحراسته فیا طوبی لمن تفرد به سرا و علانیة . (۲۳۵) انسان گوشه گیر به پناهگاه الهی پناه جوید و با حفاظت خداوندی محافظت می شود ، پس ای خوشا به حال آنانکه با خدای

خویش در پنهان و آشکار تنها باشند . ۱۵۶- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن لزم بیته . (۲۳۶) خوشا به حال آن که ملازم خانه خود گردد .

## عوامل اخلاقی

### قلب پاک

۱۵۷- الامام کاظم علیه السلام - فی وصیته لهشام بن الحکم - : یا هشام ، مکتوب فی الانجیل . . . طوبی للمطهره قلوبهم ، اولئک هم المتقون یوم القیامه . (۲۳۷) امام کاظم علیه السلام - در سفارش خود به هشام - فرمود : هشام ! در انجیل نوشته شده . . . خوشا به حال آنانکه قلبهایی پاک دارند ، ایشان همان پرهیزگاران روز قیامت هستند . ۱۵۸- عیسی بن مریم علیه السلام : طوبی للمطهره قلوبهم ، اولئک یزورون الله یوم القیامه . (۲۳۸) خوشا به حال آنانکه قلبهایی پاک دارند ، آنان در روز قیامت (ساحت قدس) خداوند را زیارت می کنند . ۱۵۹- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن خلا- من الغل- من الغل (۲۳۹) صدره و سلم من الغش قلبه . (۲۴۰) خوشا به حال آن که سینه اش را از کینه خالی سازد و قلبش را از خدعه و خیانت سالم نگه دارد . ۱۶۰- عیسی بن مریم علیه السلام : طوبی للمسبوبین من اجل الطهاره ، فان لهم ملکوت السماء . (۲۴۱) خوشا به حال آنانکه به خاطر پاکی (دلشان) دشنام می شنوند ، پس همانا ملکوت آسمانها برای آنان است .

### غلبه بر هوای نفس

۱۶۱- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن سلم من مصارع الهوی . (۲۴۲) خوشا به حال کسی که از قربانگاه هوی و هوس در امان باشد . ۱۶۲- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن غلب نفسه و لم تغلبه ، و ملک هواه و لم یملکه . (۲۴۳) خوشا به حال کسی که بر نفس خود چیره شود و نفسش بر او غالب نگردد و هوای نفس خود را در اختیار گیرد ، اما هوای نفس بر او مسلط نشود . ۱۶۳- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن . . . عصی امر نفسه فلم یهلکه . (۲۴۴) خوشا به حال آن که . . . از فرمان نفسش سرپیچی کند ، تا به هلاکت در نیفتد . ۱۶۴- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن سعی فی فکاک نفسه قبل ضیق الاءنفاس و شدء الابلاس . (۲۴۵) خوشا به حال آن که بکوشد تا از دلبستگی های نفس خویش رهایی جوید ، پیش از آن که تنگی نفس و سختیهای سرگردانی (مرگ) به او روی آورد . ۱۶۵- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن کابد هواه ، و کذب مناه . . . (۲۴۶) خوشا به حال آن که درد و رنج خواهشهای نفس خود را تحمل کند و آرزوهای خود را تکذیب نماید . ۱۶۶- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن اطاع محمود تقواه ، و عصی مذموم هواه . (۲۴۷) خوشا بر کسی که از صفات پسندیده تقوای خود پیروی کند و از صفات ناپسند نفسش سرپیچی کند . ۱۶۷- الامام الصادق علیه السلام : طوبی لمن جاهد فی الله نفسه و هواه ، و من هزم جند هواه ظفر برضی الله تعالی . (۲۴۸) خوشا بر آن که در راه خدا با نفس و هوای نفسش پیکار کند و هر کس لشکر هوای نفس را شکست دهد به خشنودی و رضایت الهی رسیده است . ۱۶۸- عیسی بن مریم علیه السلام : طوبی لعین نامت و لم تحدث نفسها بالمعصیه ، و انتهت الی غیر اثم . (۲۴۹) خوشا به حال آن چشمی که به خواب رود در حالی که با خود از گناه سخن نگوید و بیدار شود در حالی که به دنبال گناه نرود . ۱۶۹- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : تشعب من العقل الحلم و من الحلم العلم و من العلم الرشد و من الرشد العفاف و من العفاف الصیانه . . . و اما الصیانه فیتشعب منها : الصلاة و التواضع و الورع و الانابه و الفهم و الاءدب و الاحسان و التجب و الخیر و اجتناء (۲۵۰) البشر فهذا ما اصاب العاقل بالصیانه ، فطوبی لمن اء کرمه مولاہ بالصیانه . (۲۵۱) از عقل ، بردباری و از بردباری ، علم و از علم ، رشد و از رشد ، پارسائی و از پارسائی ، پاکدامنی و از پاکدامنی ، خود



نگهداری منشعب می شود . . . و از اما از خود نگهداری (ده صفت دیگر منشعب می شود که عبارت اند از : ) صلاح و فروتنی و پرهیزکاری و توبه و فهم و ادب و نیکی و دوست داشتن و خیر و خوش رویی و اینهاست آنچه به واسطه خود نگهداری به عاقل می رسد ، پس تقوا به حال آن که مولایش او را با خود نگهداری گرامی بدارد .

## تقوا

۱۷۰- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن اءشعر التقوی قلبه . (۲۵۲) خوشا به حال آن که قلبش تقوی و پرهیزگاری را چشیده باشد .  
 ۱۷۱- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن اءطاع محمود تقواه ، و عصی مذموم هواه . (۲۵۳) خوشا به حال آن که از صفات پسندیده تقوای خود پیروی کند و از صفات ناپسند هوای نفس خود سرپیچی نماید .  
 ۱۷۲- الامام علی علیه السلام ان لاهل التقوی علامات يعرفون بها : صدق الحدیث ، و اءداء الاءمانة ، و الوفاء بالعهد ، و قلة الفخر و البخل ، و صلة الاءرحام ، و رحمة الضعفاء ، و قلة المواتاه للنساء ، و بذل المعروف ، و حسن الخلق ، و سعة الحلم ، و اتباع العلم فیما یقرب الی الله عزوجل ، طوبی لهم و حسن مآب . (۲۵۴) امام علی علیه السلام می فرمود : اهل تقوی نشانه هایی دارند که با آنان شناخته می شوند (از جمله : ) راستگویی ، امانت داری ، وفای به عهد و پیمان ، اهل فخر فروشی و بخل نبودن ، صله رحم بجا آوردن ، ترحم بر بیچارگان ، فرمانبرداری کم از زنان ، گسترش کار خیر ، خوش اخلاقی ، بردباری بسیار ، پیروی از دانش در آنچه که موجب تقرب به درگاه خداست ، خوشا به حالشان و نیکو باد فرجامشان .  
 ۱۷۳- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لعبد اتقی فیها (الدنیا) ربه و قدم توبته و غلب شهوته من قبل اءن تلقیه الدنیا الی الآخرة فیصبح فی بطن موحشة غبراء دلهمه ظلماء لا یتستطیع اءن یرید فی حسنه و لا ینقص من سیئه ، ثم ینشر ، فیحشر اما الی جنه یدوم نعیمها ءو الی نار لا ینفذ عذابها . (۲۵۵) خوشا به حال بنده ای که در دنیا از پروردگارش پروا داشته باشد (و گناه نکند) و توبه کردن خود را پیش بیندازد (امروز و فردا نکند) و بر شهوتش چیره شود ، پیش از آن که دنیا او را به ملاقات آخرت ببرد ، سپس در شکم و حشمتناک زمین خشک تاریک در آید که نه می تواند بر کار نیکش بیفزاید و نه می تواند از کارهای ناپسندش بکاهد و هنگامی که برانگیخته می شود ، یا به سوی بهشت ، که نعمتهایی همیشگی دارد هدایت می شود و یا به سوی جهنم ، که عذابش تمام شدنی نیست ، در انداخته می شود .  
 ۱۷۴- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن جعل الصبر مطیة نجاته ، و التقوی عده وفاته . (۲۵۶) خوشا به حال آن که صبر ، مرکب نجاتش باشد و پرهیزگاری ، آماده ساز او برای مرگ باشد .  
 ۱۷۵- الامام الصادق علیه السلام : و الذی نفسی بیده ، ان فی الارض فی اءطرفها مؤ منین ، ما قدر الدنیا کلها عندهم تعدل جناح بعوضه ، و لو اءن الدنیا بجمیع ما فیها و علیها ذهبة حمراء علی عنق اءحدهم ثم سقط من عنقه ما شعر بها ءی شی ء کان علی عنقه ، و لا- ءی شی ء سقط منه لهوانها علیهم . فهم الحفی (الخفی - خ ل ) عیشهم ، المنتقلة دیارهم من اءرض الی اءرض ، لخمیصه بطونهم من الصیام ، الذبله شفاهم من التسیح ، العمش (۲۵۷) العیون من البكاء ، الصفر الوجوه من السهر ، فذلک سیماهم مثلا ضربه الله مثلا فی الانجیل لهم و فی التوراة و الفرقان و الزبور و الصحف الاولى ، وصفهم فقال : (سیماهم فی وجوههم من اءثر السجود ذلک مثلهم فی التوراة و مثلهم فی الانجیل ) (۲۵۸) عنی بذلک صفره و وجوههم من سهر اللیل ، هم البررة بالاخوان فی الحال الیسر ، و العسر ، الثؤ ثرون علی اءنفسهم فی حال العسر . کذلک وصفهم الله فقال : (و یؤ ثرون علی اءنفسهم و لو کان بهم خصاصة و من یوق شح نفسه فاءولئک هم المفلحون ) (۲۵۹) فازوا والله و اءفلحوا ، ان راءوا مؤ منا ءکرموه ، و ان راءوا منافقا هجره ، اذا جهنم اللیل اتخذوا اءرض الله فراشا و التراب و سادا و استقبلوا بجباههم الاءرض ، یتضرعون الی ربهم فی فکاک رقابهم من النار ، فاذا اءصبحوا اختلطوا بالناس ، لم یشیر الیهم بالاءصابع ، تنكبوا الطرق و اتخذوا الماء طیبا و طهورا ، اءنفسهم متعوبه ، و اءبدانهم مکدوره (۲۶۰) ، و الناس منهم فی الراحة ، فهم عند الناس شرار الخلق و عند الله خیار الخلق ، ان حدثوا لم یصدقوا و ان خطبوا لم یزوجوا و ان شهدوا لم یعرفوا و ان غابوا لم یفقدوا ، قلوبهم خائفه و جلۀ من الله ، اءلستهم مسجونۀ ، و صدورهم و عاء لسر الله (سر الله - خ ل

ان وجدوا له اهلا نذوه اليه نبذا (۲۶۱) و ان لم يجدوا له اهلا القوا على ائلسنتهم اقفالا غيبوا مفتيحها ، و جعلوا على اءفواههم اءوكية (۲۶۲) ، صلب صلب من الجبال ، لا ينحت منهم شىء ، خزان العلم و معدن الحلم و الحلم ، و تباع النبين و الصديقين و الشهداء و الصالحين . اءكياس يحسبهم المنافق خرسا و عميا و بلها ، و ما بالقوم من خرس و لاعمى و لابله ، انهم لاءكياس فصحاء حلماء حكماء اءتقياء بررة صفوة الله ، اءسكتهم الخشية لله ، و اءعينهم اءلسنتهم خوفا من الله و كتمانا لسره ، فوا شوقاه الى مجالستهم و محادثتهم ، ياكرباه لفقدهم ، و يا كشف كرباه لمجالستهم ، اطلبوا هم فان وجدتموهم و اقتبستم من نورهم اهتديتم و فزتهم (فزتم - خ ل) بهم فى الدنيا و الآخرة ، هم اءعز فى الناس من الكبريت الاءحمر . حليتهم طول السكوت بكتمان السر و الصلاة و الزكاة و الحج و الصوم و المواساة للاخوان فى حال اليسر و العسر ، فذلك حليتهم و محبتهم ، يا طوبى لهم و حسن مآب هم وراث الفردوس خالدین فيها . (۲۶۳) سوگند به کسی که جانم در دست قدرت اوست ، که در گوشه و کنار زمین مؤمنانی زندگی می کنند که همه دنیا در نظرشان معادل بال پشه ای نیست ، و اگر دنیا با تمام چیزهایی که در آن است همچون طلای سرخی بر گردن یکی از آنان آویخته شود ، پس از گردنش بر زمین بیفتد ، برای او اهمیتی ندارد که چه چیزی از گردنش به زمین افتاد ، چرا که دنیا در نظرشان پست و بی مقدار است . زندگیشان کم خرج و ساده است (و بدین جهت) خانه به دوش اند ، شکمهایشان به خاطر روزه داری به کمرشان چسبیده ، لباسهایشان از ذکر و تسبیح خداوند خشکیده ، چشمانشان به خاطر گریه و زاری بسیار ، (به درگاه خداوند) کم سو شده و چهره هایشان از شب زنده داری رنجور و زرد گشته است . و این صفات سیمای آنان است که خداوند در انجیل و تورات و قرآن و زبور و صحف اولی به ایشان مثل زده است ، آنان را چنین وصف نموده است : علامت آنان بر اثر سجود در چهره هایشان است . این مثل ایشان است در تورات و انجیل ) که مراد از آن رنگ و روی زرد آنان است که بر اثر شب زنده داری پدید آمده است ، آنان کسانی اند که در حال خوشی و گرفتاری به برادران (دینی) شان نیکی می کنند . کسانی که در حال گرفتاری نیز ایثار می کنند ، خداوند آنان را اینچنین وصف نموده است : (هر چند در خودشان احتیاجی (مبرم) باشد ، دیگران را بر خود مقدم می دارند . و هر کس از خشت نفس خود مصون ماند ، همانان رستگارانند) به خدا سوگند که آنان پیروز و رستگارند ، اگر مؤمنی را ببینند ، گرامیش می دارند و اگر منافقی را ببینند ترکش می کنند ، وقتی شب آنان را فرا گیرد زمین را بستر و خاک را بالش خود قرار می دهند و پهلوهای خود را بر خاک می نهند ، در آن تاریکی برای آزادی و رهایی از آتش ، به درگاه پروردگارشان تضرع و زاری می کنند و صبحگاهان بین مردم می روند در حالی که انگشت نمای خلق نیستند . (از تواضع و فروتنی) از کناره راه می گذرند (نه مغرورانه از وسط راه) ، خود را با آب معطر و مطهر می کنند ، خویش را به زحمت می اندازند (و بدین جهت) بدنهایشان لاغر و رنجور است ولی مردم از آنان در امان و راحت بسر می برند ، مردم آنان را بدترین انسانها می پندارند در حالی که نزد خداوند بهترین مردمان هستند ، اگر جایی سخن بگویند از آنان قبول نمی کنند و اگر به خواستگاری بروند به ایشان همسر نمی دهند ، اگر در جایی حاضر شوند ، شناخته نمی شوند و اگر در جایی باشند ، نبودشان احساس نمی شود ، قلبهایشان از عظمت خداوند ترسان و هراسان است ، زبانهایشان در دهان زندانی و سینه هایشان صندوقچه اسرار الهی است ، اگر کسی را ببیند که صلاحیت داشته باشد ، سر خدا را برای او بیان می کنند و اگر برای گفتن اسرار ، کسی را نیابند بر زبانهایشان قفلهایی زده و کلیدهای آن را پنهان ساخته و دهانشان را مهر و موم می کنند ، سخت و محکم اند ، استوارتر از کوه ها ، چیزی در آنان اثر نمی گذارد ، گنجینه های علم و معدن بردباری و حکمت اند ، پیروان پیامبران و راستگویان و شهدا و صالحان هستند . زیرکانی هستند که منافقان آنان را گنگ و کور و ابله می پندارند ، در حالی که ایشان گنگ و کور و ابله نیستند بلکه زیرکانی سخندان ، بردبار ، حکیم ، پرهیزگار ، نیکوکار و خالص برای خدا هستند . ترس از خدای آرامش می کند و زبانهایشان از ترس خدا و نگهداری اسرار خسته است . آه ، چقدر به همنشینی و گفتگوی با آنان شوق و اشتیاق دارم و چه سخت است نبودشان و چه شادی بخش است همنشینی شان ، آنان را بجوید ، و به دنبال چنین کسانی باشید و اگر آنان را یافتید و از نور



معرفتشان استفاده کردید، در دنیا و آخرت هدایت و پیروز می شوید، آنان از کیمیا در پیش مردم عزیزترند، زینت آنان سکوت طولانی در نگهداری اسرار است و نماز گزاردن و زکات دادن و حج رفتن و روزه گرفتن و برابر دانستن خود با برادران دینی در راحتی و سختی است. اینها صفات پسندیده و محبت ایشان است، ای خوشا زندگیشان و فرجامی خوش برایشان، آنان وارثان فردوس اند و در آنجا جاویدان اند. ۱۷۶- الامام الرضا علیه السلام: کان خاتم عیسی حرفین، اشتقهما من الانجیل؛ طوبی لعبد ذکر الله من اجله، و ویل لعبد نسی الله من اجله. (۲۶۴) نقش نگین انگشتی حضرت عیسی، دو کلمه بر گرفته از انجیل بود؛ خوشا به حال بنده ای که به خاطر (دیدن) او، خدا یاد شود و بدا به حال بنده ای که به خاطر (دیدن) او خدا فراموش شود.

### ترس از خداوند سبحان

۱۷۷- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن شغله خوف الله عزوجل عن خوف الناس. (۲۶۵) خوشا به حال آن که خوف و ترس از خداوند عزوجل او را از خوف و ترس از مردم باز دارد. ۱۷۸- الامام علی علیه السلام: طوبی لمن خاف الله فاءمن. (۲۶۶) خوشا به حال آن که از خداوند بترسد و ایمن گردد. ۱۷۹- الامام علی علیه السلام: طوبی لمن ائلم نفسه مخافة ربه، و اعطاه فی السر و الجهر. (۲۶۷) خوشا به حال آن که ترس از پروردگار را انیس خود سازد و او را در نهان و آشکار اطاعت نماید. ۱۸۰- الامام علی علیه السلام: طوبی لمن استشعر الوجله، (۲۶۸) و کذب الامل، و تجنب الزلل. (۲۶۹) خوشا به حال آن که ترس از خدای را پیوسته همراه خود سازد و آرزوها را دروغ پندارد (و فریشتان را نخورد) و از لغزشها دوری گیرند. ۱۸۱- الامام علی علیه السلام: طوبی لمن راقب ربه و خاف ذنبه. (۲۷۰) خوشا به حال آن که از پروردگار ترسان باشد و از گناهانش هراسان. ۱۸۲- الامام سجاد علیه السلام: یا رب، یا رب اءنت مولاه فارحم عیبدا الیک ملجاء یا ذا المعالی علیک معتمدی طوبی لعبد تکون مولاه طوبی لمن بات خائفا و جلا- یشکو الی ذی الجلال بلواه اذا خلا- فی الظلام مبتهلا- اء کرمة ربه و لباه (۲۷۱) پروردگارا، پروردگارا، تو مولایی (بندگان را) پس ترحم کن بر بنده کوچکی که به تو پناه آورده است ای بزرگوار و شریف، اعتمادم بر توست خوشا به حال بنده ای که تو مولایش باشی خوشا به حال آن که شب را با خوف و ترس به صبح رساند و از گرفتاریهایش به درگاه خداوند عزوجل شکایت کند هنگامی که در تاریکی شب با حالت زاری و تضرع با خدای خود خلوت می کند. خداوند او را گرمی داشته و پاسخش را می دهد. ۱۸۳- الامام سجاد علیه السلام: طوبی لمن کان فی الدنیا علی وجل. (۲۷۲) خوشا به حال آن که در دنیا (از سختیهای آخرت) هراسناک باشد.

### زهد و پارسایی

۱۸۴- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن... زهد فیما اءحل الله له من غیر رغبه عن سیرتی، و رفض زهره الدنیا من غیر تحول عن سنتی. (۲۷۳) خوشا به حال کسی که... در آنچه خداوند بر او حلال کرده پارسایی ورزد، بی آنکه از سیره و روش من روی گرداند، و زیبایی دنیا را ترک گوید، بی آنکه از شیوه و سنت من دست بردارد. ۱۸۵- الامام علی علیه السلام: طوبی للزاهدین فی الدنیا، الراغبین فی الآخرة، اولئک اتخذوا الاءرض بساطا، و ترابها فراشا، و ماءها طیبیا، و القرآن دثارا (۲۷۴)، و الدعاء شعارا، و قرضوا الدنیا تقریضا علی منهاج عیسی بن مریم علی نبینا و آله السلام. (۲۷۵) خوشا به حال آنان که از این جهان روی برگردانده و به آن جهان روی کرده اند، آنان که زمین را فرش خود و خاکش را بستر خویش و آتش را مایه پاکی و خوشبویی قرار می دهند، قرآن را ورد و زبان نموده و دعا را به جان خود بسته اند (همیشه به دعا و خواندن مشغول اند) و دنیا را مانند عیسی بن مریم علیه السلام از خود دور ساخته اند. ۱۸۶- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: یا اءبا هریره، علیک بطریق قوم اذا فزع الناس لم یقزعوا، و اذا طلب الناس الاءمان لم یخافوا، قوم من امتی فی آخر الزمان یحشرون یوم القیامة محشر الاءنبیاء،

اذا نظر الناس اليهم ظنوا انهم انبياء مما يرون من حالهم ، فاءعرفهم فاءقول : امتى . فيقول الخلائق : انهم ليسوا بانبيا ؟ فيمرون مثل البرق و الريح ، يغشى من نورهم ابصار اهل الجمع . فقلت : يا رسول الله ، فمن لى بمثل عملهم لعلى اءلحق بهم . قال صلى الله عليه و آله و سلم : يا اءبا هريره ، ركبوا طريقا صعب المدرجة الانبياء ، طلبوا الجوع بعد اءن اءشبعهم الله تعالى ، و طلبوا العرى بعد اءن كساهم الله تعالى ، و طلبوا العطش بعد اءن اءرواهم الله تعالى ، تركوا ذلك رجاء ما عند الله ، تركوا الحلال مخافة حسابه و صاحبوا الدنيا فلم تشغل قلوبهم ، تعجب الملائكة من طواعيتهم لربهم ، طوبى لهم ، ليت الله عزوجل قد جمع بينى و بينهم ! ثم بكى رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم شوقا لهم و قال له : يا اءبا هريره ، اذا اءراد الله باهل الاءرض عذابا فنظر الى حالهم من الجوع و العطش ، كف ذلك العذاب عنهم ، فعليك يا اءبا هريره بطريقتهم ، من خالف طريقتهم بقى فى شدة الحساب . (۲۷۶) ابو هريره ! بر تو باد راه و روش مردمانى كه چون مردم مى هراسند ، آنان هراسى به دل راه نمى دهند و وقتى مردم امنيت مى جويند ، آنان ترسى به دل ندارند . از امت من در آخر الزمان مردمانى هستند كه روز قيامت همچون پيامبران محشور مى شوند ، هنگامى كه مردم به آنان مى نگرند ، چون حال و روزشان را مى بينند ، گمان مى كنند كه آنان پيامبرند و من آنان را مى شناسم و مى گويم : (اينان را) امت من هستند و آنگاه مردم (با خود) مى گويند : پس آنان پيامبر نيستند ! اين گروه در آن روز همچون برق و باد (از عرصه قيامت و حساب و كتاب ) مى گذرند ، در حالى كه نورشان چشمهاى جماعت آن روز را فرا مى گيرد ، (ابو هريره مى گويد : ) گفتم : اى رسول خدا من چه كنم تا اميد پيوستن به آنان را داشته باشم ؟ حضرت صلى الله عليه و آله و سلم فرمود : ابو هريره ! آنان راه دشواري طى كرده اند كه درجات آن همچون درجات راه پيامبران است ، (چرا كه ) وقتى خداوند سيرشان نموده ، آنان گرسنگى را برگزيدند و هنگامى كه آنان را پوشاند ، عريانى را برگزيدند و هنگامى كه خداوند سيرابشان ساخت ، آنان تشنگى را خواستند . همه اين نعمتها و خوشيها را به اميد آنچه در نزد خداست رها مى كنند ، از ترس حسابرسى خداوند از حلال او هم دورى مى كنند ، با دنيا همراه اند و (از آن استفاده مى كنند) ولى قلبهايشان به دنيا وابسته نيست و علاقه اى به آن ندارند ، فرشتگان از اطاعت پذيرى آنان در دستورات پروردگارشان در شگفت اند ، خوشا به حالشان . اى كاش خداوند عزوجل آنان را در كنارم قرار دهد . سپس رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم از شوق ديدار اين مؤمنان گريست و خطاب به ابو هريره فرمود : آنگاه كه خداوند بخواهد عذابي بر اهل زمين نازل گرداند به حال و روز اين بندگان و به گرسنگى و تشنگى (و زهد) آنان نظر كرده و عذاب را از مردمان باز مى دارد . ابو هريره ! تو بايد راه و روش اين گروه را برگزيني (و بدان ) هر كس چنين نباشد در دشواريهاى حساب و ميزان باقى خواهد ماند . ۱۸۷- عيسى بن مريم عليه السلام : بماذا نفع امر و نفسه ؟ باعها بجمع ما فيه الدنيا ، ثم ترك ما باعها به ميراثا لغيره ، اءهلك نفسه ، و لكن طوبى لأمري خلص نفسه و اختارها على جميع الدنيا . (۲۷۷) آدمى چگونه به خويشتن سود رساند ؟ آيا با فروختن خود در عوض آنچه در دنياست (مى خواهد به خود سود رساند) و سپس همه آنچه را كه جمع كرده ، براى ديگران به ارث گذارد (و دنيا را ترك كند) و خود را به هلاكت اندازد . اما خوشا به حال كسى كه نفس خود را (از دل بستن به دنيا) رها و آزاد ساخته و آزادى نفس را به تمام دنيا ترجيح دهد . ۱۸۸- الامام على عليه السلام : طوبى لمن لم تفتنه قاتلات الغرور . (۲۷۸) خوشا به حال آن كه فريب هاى كشنده دنيا او را نابود نسازد . ۱۸۹- رسول الله صلى الله عليه و آله : - لما مات عثمان بن مضعون كشف الثوب عن وجهه ، ثم قبل ما بين عينه ، ثم بكى طويلا ، فلما رفع السرير قال - طولاك يا عثمان ، لم تلبسك الدنيا و لم تلبسها . (۲۷۹) هنگامى كه عثمان بن مظعون از دنيا رفت ، پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله پارچه را از چهره او كنار زد و ما بين چشمان او را بوسيدند ، سپس مدت زيادى اشك ريختند و وقتى كه تابوت او از زمين بلند شد ، فرمودند : خوشا به حال اى عثمان ، دنيا به تو دل بست و تو نيز به دنيا دل بستى . ۱۹۰- عيسى بن مريم عليه السلام : طوبى للذين يجوعون و يظموون خشوعا هم الذين يسبقون . (۲۸۰) خوشا به حال آنان كه گرسنگى و تشنگى را با فروتنى و خشوع نزد خداوند به جان مى خرنند ، آنان كسانى اند كه در قيامت از همه پيشروتراند . ۱۹۱- عيسى بن مريم عليه السلام : طوبى للجياع العطاش فى طاعة الله . (۲۸۱) خوشا به حال

گرسنگان تشنه در راه اطاعت خدا .

## توبه

۱۹۲- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لعبد اتقی فیها (الدنیا) ربه و قدم توبته و غلب شهوته من قبل ان تلقیه الدنیا الی الاخره فیصبح فی بطن موحش غبراء مدلهمة ظلماء لا یستطیع ان یزید فی حسنه و لا ینقص من سیئه ، ثم ینشر ، فیحشر اما الی جنه یدوم نعیمها ءو الی نار لا ینقد عذابها . (۲۸۲) خوشا به حال بنده ای که در دنیا از پروردگارش پروا داشته باشد (و گناه نکند) و توبه خود را پیش بیندازد (امروز و فردا نکند) و بر شهوتش چیره شود ، پیش از آن که دنیا او را به ملاقات آخرت ببرد ، سپس در شکم وحشتناک زمین خشک تاریک درآید که نه می تواند بر کار نیکش بیفزاید و نه می تواند از کارهای ناپسندش بکاهد و هنگامی که بر انگیخته می شود ، یا به سوی بهشت ، که نعمتهایی دارد هدایت می شود و یا به سوی جهنم ، که عذابش تمام شدنی نیست ، انداخته می شود . ۱۹۳- الامام علی علیه السلام : طوبی لذی قلب سلیم . . . استفتح التوبه و اءماط (۲۸۳) الحوبه (۲۸۴) ، فقد اقیم علی الطریق ، و هدی نهج السبیل . (۲۸۵) خوشا به حال آن که قلبی سلیم دارد . . . در توبه را بگشاید و گناهان را زائل نماید ، اگر چنین کند بر جاده حق ایستاده و به راه راست هدایت شده است . ۱۹۴- الامام علی علیه السلام : طوبی لکل نادم علی زلته مستدرک فارط عثرته . (۲۸۶) خوشا به حال آن که بر گناه خود پشیمان باشد و گذشته بر لغزش خود را جبران سازد . ۱۹۵- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن وجد فی صحیفه عمله یوم القیامه تحت کل ذنب ، استغفر الله . (۲۸۷) خوشا به حال آن که روز قیامت در نامه عملش پس از هر گناه استغفر الله را بیابد . ۱۹۶- الامام علی علیه السلام : طوبی لعبد یتغفر اله من ذنب لم یطلع علیه غیره ، فانما مثل الاستغفار عقیب الذنب ، مثل الماء یصب علی النار فیطفئها . (۲۸۸) خوشا به حال بنده ای که از خداوند (غفار) برای گناهانی که غیر از خدا کسی از آنها با خبر نیست ، آمرزش بخواهد ، همانا مثل استغفار پس از گناه مثل آبی است که بر آتش ریخته شود و آن را خاموش سازد . ۱۹۷- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن بادر الهدی قبل ان تغلق ءبوابه . (۲۸۹) خوشا به حال آن که به سوی هدایت بشتابد ، پیش از آن که درهای آن بسته شود .

## گریه بر گناه

۱۹۸- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لصوره نظر الله الیها تبکی عن ذنب من خشیه الله عزوجل ، لم یطلع علی ذلک الذنب غیره . (۲۹۰) خوشا بر آن چهره ای که وقتی خداوند بر او نظر افکند بر گناه خود از ترس خداوند عزوجل اشک ریزد ، در حالی که جز خدا کسی از آن گناه اطلاع ندارد . ۱۹۹- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن . . . بکی علی خطیئته . (۲۹۱) خوشا به حال آن که . . . بر گناهان خویش اشک (ندامت) ریزد . ۲۰۰- عیسی بن مریم علیه السلام : طوبی للمحزونین هم الذین یسرون . (۲۹۲) خوشا به حال اندوهناکان ، آنان همان خنده رویان (روز قیامت) هستند . ۲۰۱- الامام علی علیه السلام : طوبی للمنکسره قلوبهم من ءجل الله . (۲۹۳) خوشا به حال آنانکه به خاطر (هجران) خداوند ، قلبهایی شکسته دارند . اخلاص ۲۰۲- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی للمخلصین ، اولئک مصابیح الدجی ، تنجلی عنهم کل فتنه ظلماء . (۲۹۴) خوشا به حال آنانکه خالص اند و (بی غل و غش) ، آنان چراغهایی در تاریکی هستند ، که از وجودشان هر فتنه کور و پنهانی ، روشن و آشکار می گردد . ۲۰۳- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن ءخلص لله عمله و علمه و حبه و بعضه و ءخذه و ترکه و کلامه و صمته و فعله و قوله . (۲۹۵) خوشا به حال آن که عمل و علم و محبت و دشمنی و گرفتن و رها کردن و سخن گفتن و سکوت و کردار و گفتارش را برای خدا خالص گرداند . ۲۰۴- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن ءخلص لله العباده و الدعاء . (۲۹۶) امام علی علیه السلام می فرمود : خوشا به حال آن که عبادت و دعای خود را برای خدا خالص گرداند . ۲۰۵- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن قدم

خالصا . (۲۹۷) خوشا به حال آن که عمل خالصی برای آخرت خود پیش فرستد . ۲۰۶- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن بادر  
ءجله و اءخلص عمله . (۲۹۸) خوشا به حال آن که بر مرگ خویش پیشی گیرد و عمل خود را خالص گرداند .

## تواضع

۲۰۷- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن تواضع لله عز ذکره . (۲۹۹) خوشا به حال آن که در برابر خداوند - عزیز  
است نام او - فروتنی کند . ۲۰۸- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : یا اءباذر ، طوبی لمن تواضع لله تعالی فی غیر منقصه ، و  
ءذل نفسه فی غیر مسکنه . (۳۰۰) ابوذر ! خوشا به حال آن که در برابر خدا فروتنی کند ، در حالی که به کمبود و نقصانی گرفتار  
نشده است ، و نفس خود را ذلیل گرداند مگر در فقر و تنگدستی . ۲۰۹- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن ذل فی نفسه . (۳۰۱)  
خوشا به حال آن که خود را کوچک شمارد (و فروتن باشد) . ۲۱۰- عیسی بن مریم علیه السلام : طوبی لمن علمه الله کتابه ، ثم لم  
یمت جبارا . (۳۰۲) خوشا به حال آن که خداوند (معرفت) کتابش را به او بیاموزد و پس از آن به حال تکبر نمیرد .

## اطاعت از خداوند سبحان

۲۱۱- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی للمطیعین کیف یکرهم الله بملائکته ، والویل للفاسقین کیف یخذلهم الله و  
یکلهم الی شیاطینهم . (۳۰۳) خوشا به حال فرمانبرداران ، که چه زیبا خداوند با فرشتگان خود آنان را گرمی می دارد و اکرام می  
کند و وای بر گناهکاران ، که چه سان خداوند آنان را خوار و ذلیل می گرداند و به شیطانهایشان واگذارشان می کند . ۲۱۲-  
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ان الله تبارک و تعالی نصب فی السماء السابعة ملکاً یقال له الدعای ، فاذا دخل شهر رجب  
ینادی ذلک الملك کل لیله منه الی الصباح : . . . طوبی للطائعین . (۳۰۴) همانا خداوند تبارک و تعالی در آسمان هفتم ، فرشته ای  
را مأمور کرده است که او را داعی (دعوت کننده) نامند ، پس هنگامی که ماه رجب حلول کند ، آن فرشته همه شب را تا صبح  
ندا سر می دهد . . . خوشا به حال فرمانبرداران و اطاعت کنندگان . ۲۱۳- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن . . . اشتغل بطاعة ربه  
(۳۰۵) خوشا به حال آن که . . . به اطاعت از پروردگارش مشغول باشد . ۲۱۴- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن حافظ علی  
طاعة ربه . (۳۰۶) خوشا به حال آن که بر اطاعت از پروردگارش مراقبت کند . ۲۱۵- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن وفق  
لطاقته ، و بکی علی خطیئته . (۳۰۷) خوشا به حال آن که بر اطاعت از خدای عزوجل توفیق یابد و بر گناهان خویش اشک (ندامت  
) بریزد . ۲۱۶- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن ذل فی نفسه ، و عز بطاعته ، و غنی بقناعته . (۳۰۸) خوشا به حال آن که خود را  
کوچک شمارد و به خاطر اطاعتش (از خدای عزوجل) عزیز و ارجمند گردد و با قناعت خویش بی نیاز گردد . ۲۱۷- الامام علی  
علیه السلام : طوبی لمن اءلزم نفسه مخافة ربه ، و اءطاعه فی السر و الجهر . (۳۰۹) خوشا به حال آن که پیوسته از پروردگارش ،  
هراسناک باشد و در نهان و آشکار از او اطاعت نماید . ۲۱۸- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن . . . عمل بطاعة الله سبحانه .  
(۳۱۰) خوشا به حال آن که . . . کارش را برای اطاعت از خدای سبحان انجام می دهد . ۲۱۹- الامام علی علیه السلام : طوبی لعین  
هجرت فی طاعة الله غمضها . (۳۱۱) خوشا بر آن چشمی که در راه اطاعت و فرمانبرداری خداوند عزوجل بر هم نهاده نشود . ۲۲۰-  
الله تبارک و تعالی فی الحصیفة الرابعة من صحف ادیس النبی علیه السلام : طوبی لمن . . . وقف عند طاعته و انتهى عن معصیته .  
(۳۱۲) خداوند تبارک و تعالی در چهارمین صحیفه ادیس پیامبر علیه السلام می فرماید : خوشا به حال آن که . . . بر اطاعتش (از  
پروردگار) پایداری ورزد و از معصیت و نافرمانی او دست بردارد . ۲۲۱- الامام السجاد علیه السلام - فی رساله الحقوق - : اعلم  
ءن الله عزوجل علیک حقوقاً محیطه بک فی کل حرکه تحرکتها ، ءو سکنه سکنتها ، ءو حال حلتها ، ءو منزلها نزلتها ، ءو جارحه  
قبلتها ، ءو آله تصرفت فیها . فاء کبر حقوق الله تبارک و تعالی علیک ما ءوجب علیک لنفسه من حق الذی هو ءصل الحقوق ، ثم

ما اءوجب الله عزوجل عليك لنفسك من قرنك (۳۱۳) الى قدمك على اختلاف جوارحك . . . ثم يخرج الحقوق منك الى غيرك من ذوى الحقوق الواجبة عليك . . . فطوبى لمن اءعانه الله على قضاء ما اءوجب عليه من حقوقه و وفقه لذلك و سدده . (۳۱۴) امام سجاد عليه السلام - در رساله حقوق - می فرماید: بدان که خداوند عزوجل بر تو حقوقی دارد که همیشه شامل حال توست، در هر حرکتی که انجام می دهی، و یا در هر جایگاهی که قرار می گیری، و یا در هر حالتی که به خود می گیری، و یا در هر سرزمینی که وارد شوی، و یا در هر مصیبتی که بر تو وارد شود و یا هر آنچه را که در اختیار گیری (در تمام این حالات حقوقی) تو را فرا گرفته است و بزرگترین حقی که خداوند تبارک و تعالی بر تو دارد، حقوقی است که بر تو واجب ساخته است، حقی که منشاء همه حقوق است و پس از آن، حقوقی است که خداوند عزوجل بر اعضا و جوارح تو، از فرق سر تا نوک پای، در خور هر یک، واجب نموده است و پس از آن حقوقی است که از بدن تو بیرون است و آن حق کسانی است که ذوی الحقوق تو هستند و بر گردن تو حق دارند . . . پس خوشا زندگی آن که خداوند او را در انجام این حقوق واجب یاری نماید و او را در این راه موفق و ثابت قدم بدارد . ۲۲۲- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن اءقام بحق الله و تمسک بعری (۳۱۵) سبیل الله . . (۳۱۶) خوشا به حال آن که به انجام حقوق الهی همت گمارد و به دستگیره طریق الهی تمسک جوید . ۲۲۳- الامام علی علیه السلام: طوبی لنفس اءدت الی ربها فرضها، و عرکت بجنبها بؤ سها . (۳۱۷) خوشا به حال کسی که وظیفه و اجبش را نسبت به پروردگارش ادا کرده و در سختی و مشکلات آن شکیبا باشد . ۲۲۴- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن . . . تجنب الزلل . (۳۱۸) خوشا بر آن که . . . از لغزشها دوری گزیند .

### اخلاق و سیرت نیکو

۲۲۵- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن حسن مع الناس خلقه، و بذل لهم معونته، و عدل عنهم شره . (۳۱۹) خوشا زندگی کسی که اخلاقش را با مردم نیکو گرداند و توان (و نیروی) خویش را برای آنان بذل کند و شرارتش را از آنان باز دارد . ۲۲۶- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن طاب خلقه، و طهرت سجیته، و صلحت سریره، و حسنت علانیته . (۳۲۰) خوشا زندگی آن که اخلاقی نیکو، سرشتی پاک، نیتی صالح و ظاهری آراسته و نیکو دارد . ۲۲۷- السید ابن طاووس فی کتابه سعد السعود: رأیت فی الزبور فی السورة الثالثة و الثلاثین . . . و سخ الاءبدان ینقطع بالماء، و وسخ الذنوب لا ینقطع الا بالمغفرة، طوبی للذین کان باطنهم اءحسن من ظاهرهم . (۳۲۱) سید بن طاووس در کتاب سعد السعود خود می گوید: در کتاب زبور، و سوره سی و سوم آن دیدم نوشته شده بود . . . چرکهای بدن با آب زدوده می شود، اما چرک گناهان جز با مغفرت (و بخشش الهی) پاک نمی گردد . خوشا به حال آنان که باطنشان زیباتر از ظاهرشان است .

### عمل صالح

۲۲۸- الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب . (۳۲۲) (کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، خوشا به حالشان و نیکو باد فرجامشان) . ۲۲۹- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: اذا زالت الشمس فتحت اءبواب السماء و اءبواب الجنان، و استجیب الدعاء، فطوبی لمن رفع له عند ذلك عمل صالح . (۳۲۳) به هنگام زوال خورشید (ظهر)، درهای آسمان و درهای بهشت باز و دعا مستجاب می شود، پس خوشا به حال کسی که در آن هنگام از او عمل صالحی به سوی آسمان برود . ۲۳۰- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ان هذا الخیر خزائن، و لتلك الخزائن مفاتیح فطوبی لعبد جعله الله مفتاحا للخیر، مغلقا للشر، و ویل لعبد جعله الله مفتاحا للشر مغلقا للخیر . (۳۲۴) (برای کارهای) خیر و نیکی گنجینه هایی است و برای آن کلیدهایی، خوشا به حال بنده ای که خداوند او را کلید کارهای خیر و بازدارنده کارهای شر قرار دهد و وای بر بنده ای که

خداوند او را کلید کارهای شر و بازدارنده از کارهای خیر قرار دهد. (۳۲۵) ۲۳۱- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ان من الناس مفاتیح للخیر مغالیک للشر، و ان من الناس مفاتیح الشر و مغالیک للخیر، فطوبی لمن جعل الله مفاتیح الخیر علی یدیه، و ویل لمن جعل الله مفاتیح الشر علی یدیه. (۳۲۶) گروهی از مردم، گشاینده‌گان خیر و بازدارنده‌گان شرند و گروهی (دیگر) از مردم اند که گشاینده‌گان شر و بازدارنده‌گان خیراند. پس خوشا به حال آنانکه خداوند ایشان را گشاینده خیر و نیکی قرار دهد، و بدابر آنان که خداوند ایشان را گشاینده شر قرار دهد. ۲۳۲- الامام علی علیه السلام: طوبی لمن بادر صالح العمل قبل ان تنقطع اءسبابه. (۳۲۷) خوشا به حال آنانکه در انجام عمل صالح شتاب کنند، پیش از آنکه اسباب آن قطع شود و (مرگ فرا رسد). ۲۳۳- الامام علی علیه السلام: طوبی لمن بادر اءجله و اءخلص عمله. (۳۲۸) خوشا به حال آنان که بر مرگ خود پیشی گیرد (به وسیله انجام کارهای خیر) و عمل خود را خالص گرداند. ۲۳۴- عیسی بن مریم علیه السلام: طوبی للذین یعملون الخیر، اءصفیاء الله یدعون. (۳۲۹) خوشا به حال آنانکه کارهای خیر انجام می دهند، (آنان) برگزیده‌گان خداوند خوانده می شوند. ۲۳۵- الامام علی علیه السلام: طوبی لمن قدم خالصا، و عمل صالحا، و اکتسب مذخورا و اجتنب محذورا. (۳۳۰) خوشا به حال آن که عمل خالصی برای آخرت خود پیش فرستد، عمل صالح و شایسته ای انجام دهد و برای آخرتش ذخیره سازی کند و از کارهای ناپسند و نهی شده دوری نماید. ۲۳۶- الامام علی علیه السلام: طوبی لمن قصر همته علی ما ینعیه، و جعل کل جده لما ینعیه. (۳۳۱) خوشا زندگی آن که همت خود را به آنچه بکارش آید (و برایش مفید باشد) محدود سازد و همه کوشش خود را برای آنچه که باعث رستگاری است، بکار گیرد.

### عمل به سنن الهی

۲۳۷- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن... و سعته السنه و لم تشتهرہ البدعه. (۳۳۲) خوشا به حال آن که... سنت و سیره (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) او را کفایت کند و بدعتها او را مشهود نسازد. ۲۳۸- الامام علی علیه السلام: طوبی لمن عمل بسنة الدین و اقتفی آثار النبیین. (۳۳۳) خوشا به حال آن که به سنتهای (الهی) دین عمل کند و از آثار و نشانه های پیامبران پیروی نماید. صبر ۲۳۹- الامام علی علیه السلام: طوبی لمن جعل الصبر مطیة (۳۳۴) نجاته. (۳۳۵) خوشا به حال آن که صبر را مرکب رستگاری و نجات خود قرار دهد. ۲۴۰- الامام الصادق علیه السلام: کان فیما و عظ الله تبارک و تعالی به عیسی علیه السلام... یا عیسی! کن خاشعا صابرا، فطوبی لک ان نالک ما وعد الصابرون. (۳۳۶) در کلماتی که خداوند تبارک و تعالی بدان عیسی علیه السلام را موعظه نمود، آمده است... یا عیسی! فروتن و شکیباباش، پس خوشا به حالت اگر به پاداشهایی که صبر پیشگان را وعده داده اند، دست یابی.

### قبول نصیحت

۲۴۱- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن قبل نصیحة الله و خاف فضیحة. (۳۳۷) خوشا به حال آن که پند و اندرز الهی را بپذیرد و از رسوایی و پرده دری او بهراسد. ۲۴۲- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: السابقون الی ظل العرش طوبی لهم. قیل: یا رسول الله، و من هم؟ قال صلی الله علیه و آله و سلم: الذین یقبلون الحق اذا سمعوه، و یبدلونہ اذا سئلوه، و یحکمون للناس کحکمهم لاءنفسهم، هم السابقون الی ظل العرش. (۳۳۸) خوشا به حال آنان که به سوی سایه عرش الهی پیشی می گیرند. گفته شد: ای رسول خدا، آنان چه کسانی هستند؟ حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آنان کسانی هستند که وقتی حق را می شنوند، قبول می کنند، و هنگامی که از آنان حق می طلبند (بدون چشم داشتی) انجام می دهند و برای مردم آنچنان حکم می کنند که برای خود می پسندند، (آری) آنان پیش تازان به سوی عرش الهی هستند. ۲۴۳- الامام علی علیه السلام: طوبی لمن



اطاع ناصحا یهدیه ، و تجنب غاویا یردیه . (۳۳۹) خوشا به حال آن که از نصیحت کننده ای که او را راهنمایی می کند ، پیروی کند و از آن گمراه کننده ای که او را به هلاکت می افکند ، دوری گزیند . ۲۴۴- الامام علی علیه السلام : طوبی لذی قلب سلیم ، اطاع من یهدیه و تجنب من یردیه ، و اعصاب سبیل السلامه ببصر من بصره ، و طاعة هاد امره ، و بادر الهدی قبل ان تغلق ابوابه ، و تقطع اسبابه . . . فقد اقیم علی الطریق ، و هدی نهج السبیل . (۳۴۰) خوشا به حال آن که قلبی سلیم دارد ، از کسی که هدایتش کند ، اطاعت می کند و از آن که او را به پستی کشاند ، دوری می جوید ، (چنین کسی ) با بصیرت کسی که به او بصیرت بخشیده به راه امن و درست خواهد رسید و با اطاعت آن که به هدایت دعوتش کند گردن نهد و به سرای هدایت پیش از آن که درهائش بسته شود و اسبابش قطع گردد پیشی گیرد . . . که اگر چنین کند بر صراط حق قرار گرفته و به راه راست حقیقت هدایت شده است .

### آرزوی کوتاه

۲۴۵- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن قصر امله و اغتم مهله . (۳۴۱) خوشا به حال آن که آرزویش را کوتاه سازد و فرصتها را غنیمت شمارد . ۲۴۶- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن . . . کذب الامل . (۳۴۲) خوشا به حال کسی که . . . آرزوها را تکذیب نماید . ۲۴۷- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی للمتحابین فی الله ، ان الله تبارک و تعالی خلق فی الجنة عمودا من یاقوته حمراء ، علیه سبعون الف قصر ، فی کل قصر سبعون الف غرفه ، خلقها الله عزوجل للمتحابین و المتزاورین . (۳۴۳) خوشا به حال آنان که برای خدا به یکدیگر علاقه دارند ، همانا خداوند تبارک و تعالی در بهشت ستونهایی از یاقوت سرخ آفریده است که بر آن هفتاد هزار قصر بر پا شده و هر قصری دارای هفتاد هزار اتاق است ، خداوند همه این قصرها را برای کسانی که به یکدیگر علاقه منداند و به دیدار هم می روند آفریده است . ۲۴۸- الامام الصادق علیه السلام : ان المؤمن اذا لقی اءخاه فصافحا لم تزل الذنوب تتحات (۳۴۴) عنهما ما دامتا متصافحین کتحات الورق عن الشجر ، فاذا افترفا قال ملکاهما ؛ جزاکما الله خیرا عن اءنفسکما ، فان التزم کل واحد منهما صاحبه ناداهما مناد ؛ طوبی لکما و حسن مآب . (۳۴۵) هنگامی که مؤمن برادر (دینی اش ) را ببیند و با او مصافحه نماید (دست دهد) تا وقتی که مصافحه می کنند ، پیوسته گناهانشان بمانند ریزش برگ درختان می ریزد و هنگامی که از هم جدا می شوند ، دو فرشته ایشان می گویند : خداوند به شما دو نفر جزای خیر دهد ، و اگر پس از مصافحه هر دو با هم راه روند ، ندا دهنده ای خطاب به آنان می گوید : خوشا به حالتان و نیکو باد فرجامتان .

### ترک شهوت

۲۴۹- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن ترک شهوة حاضرة لموعود لم یره . (۳۴۶) خوشا به حال آنانکه شهوت (و گناه ) آماده را برای (بهشت ) موعود که ندیده اند ترک گویند . ۲۵۰- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لعبد اتقی فیها ربه ، و قدم توبته ، و غلب شهوته من قبل ان تلقیه الدنيا الی الاخرة ، فیصبح فی بطن موحشه غبراء مذلهمة ظلماء ، لا یستطیع ان یرید فی حسنة و لا ینقص من سیئه ، ثم ینشر فیحشر اما الی الجنة یدوم نعیمها ، اءو الی نار لا ینفد عذابها . (۳۴۷) خوشا به حال بنده ای که در دنیا از پروردگارش پروا کند (و گناه نکند) و توبه خویش را پیش اندازد و بر شهوتش چیره شود ، پیش از آن که دنیا او را به ملاقات آخرت ببرد ، و سپس از آن که دنیا او را به درآید که نه می تواند بر کار نیکش بیفزاید و نه می تواند از کارهای ناپسندش بکاهد . و هنگامی که برانگیخته می شود ، یا به سوی بهشت ، که نعمتهای همیشگی دارد هدایت می شود و یا به سوی جهنم ، که عذابش تمام شدنی نیست ، انداخته می شود . ۲۵۱- الامام الصادق علیه السلام : کان المسیح یقول الاءصحابه . . . طوبی لمن یری بعینه الشهوات و لم یعمل بقلبه المعاصی . (۳۴۸) مسیح علیه السلام به پیروانش می فرمود . . . ای خوشا به حال آن که با چشمانش

شهوآت را می بیند، ولی گناهان به قلبش اثر نمی کند. ۲۵۲- الامام الصادق علیه السلام - فی وصیته لابن جندب - : ان عیسی بن مریم علیه السلام قال لاصحابه : ایاکم و النظره فانها تزرع فی القلب الشهوه ، کفی بها لصاحبها فتنه ، طوبی لمن جعل بصره فی قلبه و لم يجعل بصره فی نظر عینه . (۳۴۹) امام صادق علیه السلام - در سفارش خود به عبدالله بن جندب - فرمود : عیسی بن مریم علیه السلام خطاب به یارانش فرمود : از چشم چرانی بپرهیزید که نگاه در قلب آدمی شهوت می کارد و همین برای ایجاد فتنه و فساد در قلب نگاه کننده بس است ، خوشا به حال آن که نگاهش را در قلبش قرار دهد و نگاهش را در دیده چشمش قرار ندهد (با دیده دل بنگرد ، نه با چشم سر) . ۲۵۳- موسی بن عمران علیه السلام : یا رب من یسکن غدا فی حظیره القدس و یستظل بظل عرشک ، یوم لا ظل الا ظلك . فقال (لله) : یا موسی ، اولئک الذین لا تنظر اءینهم فی الزنا . . . طوبی لهم و حسن مآب . (۳۵۰) پروردگارا ! چه کسی فردا (ی قیامت) در محضر قدس (تو) ساکن شود و در سایه بان عرش تو ، پناه می گیرد ، آن روزی که هیچ پناهی جز تو نیست ؟ خداوند عزوجل فرمود : یا موسی ، آنان کسانی اند که چشمهایشان به زنا (و فحشا) نمی نگرند . . . خوشا به حالشان و نیکو باد فرجامشان .

### حفظ زبان

۲۵۴- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن ملک لسانه . (۳۵۱) خوشا به حال کسی که زبانش را در اختیار دارد . ۲۵۵- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن اءنفق الفضل من ماله و اءمسک الفضل من قوله . (۳۵۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم : می فرمود : خوشا به حال آن که زیادی مالش را انفاق کند ، و زبان خود را از زیاده گویی باز دارد . ۲۵۶- الامام علی علیه السلام : جمع الخیر کله فی ثلاث خصال ؛ النظر ، و السکوت ، و الکلام ، فکل نظر لیس فی اعتبار فهو سهو ، و کل کلام لیس فی ذکر فهو لغو ، و کل سکوت لیس فی فکره فهو غفله . فطوبی لمن کان نظره عبرا ، و سکوته فکره ، و کلامه ذکرا . (۳۵۳) تمام خیرها در سه خصلت جمع شده است ؛ در نگاه و سکوت و سخن . بنابراین هر نگاهی که عبرتی در آن نباشد ، خطاست و هر سخنی که یاد و ذکر خداوند در آن نباشد ، بیهوده است و هر سکوت که همراه فکر و اندیشه نباشد ، غفلت است . پس خوشا به حال آنان که نگاهشان عبرت ، سکوتشان تفکر و سخنانشان ذکر و یاد خداست . ۲۵۷- الامام الصادق علیه السلام : انما سبب هلاک الخلق و نجاتهم الکلام و الصمت فطوبی لمن رزق معرفه عیب الکلام و صوابه و فوائد الصمت ، فان ذلک من اءخلاق الاءنبیاء و شعار الاءصفیاء . (۳۵۴) همانا دلیل بیچارگی و نجات مردم سخن و سکوت است ، پس خوشا به حال کسی که خوب و بد سخن و فایده های سکوت را بدست آورد ، که این از اخلاق پیامبران و نشانه برگزیدگان است . ۲۵۸- عیسی بن مریم علیه السلام : طوبی لمن حبس الفضل من قوله ، الذی یخاف علیه المقتم من ربه ، و لا یحدث حدیثا لا یفهم . (۳۵۵) خوشا به حال آن که زیاده گویی خود را در بند کشد ، آن زیاده ای که می ترسد به دنبال آن ، ناخشنودی پروردگار باشد و سخنی را که نمی فهمد (و نمی داند) نقل نمی کند . ۲۵۹- عیسی بن مریم علیه السلام : طوبی لمن خزن لسانه . (۳۵۶) ۲۶۰- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن صمت الا من ذکر الله . (۳۵۷) خوشا به حال آن که سکوت کند ، مگر برای گفتن ذکر خداوند . ۲۶۱- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن اءسلم . . . و قوله سدادا . (۳۵۸) خوشا به حال آن که اسلام آورد . . . و سخنش با راستی و درستی همراه باشد . ۲۶۲- عیسی بن مریم علیه السلام : طوباکم اذا حسدتم و شتمتم ، و قیل فیکم کل کلمه قبیحه کاذبه ؛ حیثذ ، فافرحوا و ابتهجوا فان اجرکم قد کثر فی السماء . (۳۵۹) خوشا به حالتان ، اگر به شما حسد ورزیدند و دشنامتان دادند و درباره شما سخن زشت و دروغی را گفتند ، پس (خود را حفظ کنید و) شاد و مسرور باشید ، چرا که اجر و پاداش در آسمان بسیار است .

### راستگویی

۲۶۳- عیسی بن مریم علیه السلام: طوبی للصادقین فی قولهم التارکین للکذب، الذین هم ملح (۳۶۰) فی الارض و نور العالم. (۳۶۱) خوشا به حال راستگویان در گفتار، ترک کنندگان دروغ، آنان همان خوب رویان زمین و نور عالم اند.

### قناعت

۲۶۴- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن... قنع. (۳۶۲) خوشا به حال آن که... قناعت ورزد. ۲۶۵- الامام علی علیه السلام: طوبی لمن تجلبب بالقنوع و تجنب الاسراف. (۳۶۳) خوشا زندگی آن که لباس قناعت بر تن کند و از اسراف دوی گزیند. ۲۶۶- الامام علی علیه السلام: اءصبحت بین الهموم و الهمم هموم عجز و همه الكرم طوبی لمن قال قدر همته اءو نال عز القنوع بالقسم (۳۶۴) میان غمها و همتها سرگردانم غم نداشتن و همت سخاوت (و انفاق کردن) خوشا به حال آن که به همت خود برسد یا به عزت قناعت بر روزی دست یابد. ۲۶۷- الامام علی علیه السلام: طوبی لمن... غنی بقناعته. (۳۶۵) خوشا زندگی آن که... با قناعت نمودنش بی نیاز گردد. ۲۶۸- الامام علی علیه السلام: اءیها الناس! طوبی لمن لزم بینه و اءکل کسرتة. (۳۶۶) ای مردم! خوشا به حال آن که ملازم خانه خود باشد و از تکه نان خود بخورد (چشم به مال مردم نداشته باشد).

### سپاسگزاری نعمتها

۲۶۹- الامام الرضا علیه السلام: طوبی لمن شغل قلبه بشکر النعمة. (۳۶۷) خوشا به حال آن که قلبش به شکر نعمتها (ی الهی) مشغول باشد. ۲۷۰- فی خبر: طوبی لعبد جاع و صبر، و شیع فشکر، کیف ینغمس فی الجنة. (۳۶۸) در روایتی آمده: خوشا به حال بنده ای که گرسنه شود و شکبیا باشد و چون سیر شود، شکرگزاری کند، (خوشا به حالش) چگونه در بهشت غوطه ور می شود. ۲۷۱- الامام الصادق علیه السلام: طوبی لمن لم یدل نعمه الله کفرا. (۳۶۹) خوشا به حال آن که (شکر) نعمت خدای را به کفران (نعمت) تبدیل نکند.

### شکوه و وقار

۲۷۲- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن توفّر، و لم تکن له خفة و لا جاهلیة و عفا و صفح. (۳۷۰) خوشا به حال کسی که متین و با وقار باشد و سبکسری و نادانی نکند، ببخشد و در گذرد. غلبه بر حسد ۲۷۳- الامام علی علیه السلام: طوبی لمن... لم یحزن صدره بما اءعطی غیره. (۳۷۱) علی علیه السلام می فرمود: خوشا به حال آن که... قلبش به خاطر آن که به دیگری چیز رسیده است، اندوهناک نگردد. ۲۷۴- الامام الصادق علیه السلام: - فی وصیته لعبدالله بن جندب - : طوبی لمن لم یغبط الخاطئین علی ما اوتوا من نعیمة الدنیا و زهرتها. (۳۷۲) امام صادق علیه السلام - در سفارش خود به عبدالله بن جندب - می فرماید: خوشا به حال آن که بر خطاکاران به خاطر برخورداریشان از نعمتها و خوشیهای دنیایی غبطه نخورد.

### غلبه بر خشم

۲۷۵- الامام علی علیه السلام: طوبی لمن کظم (۳۷۳) غیظه و لم یطلقه، و عصی اءمر نفسه فلم یهلکه. (۳۷۴) خوشا به حال آن که خشم خود را فرو خورد و رهایش نسازد و از فرمان نفس خود سرپیچی کند تا به هلاکت در نیفتد. ۲۷۶- الامام الصادق علیه السلام: لكل اءحد شره (۳۷۵) و لكل شره فتره، (۳۷۶) فطوبی لمن کانت فترته الی خیر. (۳۷۷) برای هر کسی شور و جنبشی است (دوران جوانی) و هر شور و جنبشی، سستی و آرامشی به دنبال دارد (دوران پیری)، خوشا به حال آن که دوران آرامشش به خیر انجامد. ۲۷۷- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن طال عمره و حسن عمله فحسن منقلبه، اذ رضی عنه ربه عزوجل، و

ویل لمن طال عمره و ساء عمله فساء منقلبه ، اذ سخط علیه ربه عزوجل . (۳۷۸) خوشا بر آن که عمرش طولانی شود و عملش نیکو باشد ، پس برزخ و قیامتش نیکو شود اگر پروردگارش از او راضی و خشنود باشد ؛ و وای بر آن که عمرش طولانی شود و عملش ناشایست باشد ، پس وای بر برزخ و قیامتش ، آنگاه که پروردگارش بر او خشم و غضب کند .

## عوامل علمی

### تحصیل دانش و علوم دینی

۲۷۸- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی للعلماء ، طوبی للعباد ، ویل لاهل الاءسواق . (۳۷۹) خوشا به حال عالمان ، خوشا به حال عبادت پیشگان ، وای به حال اهل بازار . ۲۷۹- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : من زار عالما فکاءنما زارنی ، و من صافح عالما فکاءنما صافحنی ، و من جالس عالما فکاءنما جالسنی ، و من جالسنی فی الدنیا ، اجلسه معی یوم القیامة ، فاذا جاء الموت یطلب صاحب العلم و هو یطلب العلم مات شهیدا ، و من اءراد رضائی فلیکرم صدیقی . قالوا : یا رسول الله ، من صدیقک ؟ قال صلی الله علیه و آله و سلم : صدیقی طالب العلم ، و هو اءحب الی من الملائکة ، و من اءکرمه فقد اءکرمنی ، و من اءکرمنی فقد اءکرم الله ، و من اءکرم الله فله الجنة ، فانه لیس شیء اءحب الی الله عزوجل من هذا العلم . و مذاکره العلم ساعة اءحب الی الله عزوجل من عبادة عشرة آلاف سنة ، و طوبی لطالب العلم یوم القیامة . (۳۸۰) هر کس به دیدار عالمی برود ، گویی که مرا زیارت کرده و هر کس با عالمی مصافحه کند (دست دهد) ، گویی که با من مصافحه کرده است و هر کس با عالمی همنشین شود ، گویی که با من همنشین شده است و هر کس در دنیا با من همنشینی کند ، روز قیامت او را در کنار خود خواهم نشانم ، و هنگامی که مرگ عالمی فرا رسد و او در حال دانش اندوزی باشد ، مرگ او شهادت گونه است . هر کس رضایت مرا می خواهد ، پس دوست گرامی مرا گرامی بدارد . اصحاب گفتند : یا رسول الله ، دوست شما کیست ؟ حضرت فرمود : طالب علم دوست من است ، که او نزد من از فرشتگان نیز محبوبتر است ، هر کس او را گرامی بدارد ، مرا گرامی داشته و هر کس مرا گرامی بدارد ، خدا را گرامی داشته است ، و هر کس خدا را گرامی بدارد ، بهشت بر او واجب می شود ، چرا که چیزی نزد خداوند تبارک و تعالی محبوبتر از علم نیست ، یک ساعت مذاکره علمی نزد خداوند محبوبتر از عبادت ده هزار سال است و خوشا به حال طالب علم در روز قیامت . ۲۸۰- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ان اءکرم العباد عندالله بعد الاءنبیاء ؛ العلماء ، ثم حملة القرآن ، یخرجون من الدنیا کما یموتون من القبور مع الاءنبیاء و یموتون مع الاءنبیاء و یتابون ثواب الاءنبیاء ، فطوبی لطالب العلم و حامل القرآن مما لهم عند الله من الکرامة و الشرف . (۳۸۱) همانا پس از پیامبران ، گرامیترین بندگان در نزد خدا ، علما و سپس حاملان قرآن هستند ، اینان همچون پیامبران از دنیا رخت بر می بندند و به همراه پیامبران از قبرهای خویش برانگیخته می شوند و به همراه پیامبران از صراط می گذرند و ثواب پیامبران را به آنان می دهند ، پس خوشا به حال طالب علم و حامل قرآن به خاطر آن کرامت و شرافتی که نزد خدا دارند . ۲۸۱- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طالب العلم اءحبه الله و اءحبه الملائکة و اءحبه النبیون ، و لا یحب العلم الا السعید ، و طوبی لطالب العلم یوم القیامة . (۳۸۲) طالب علم را خداوند دوست دارد و فرشتگان او را دوست دارند و پیامبران نیز او را دوست دارند ، و کسی جز انسان خوشبخت ، دوستدار علم و دانش نیست پس خوشا به حال طالب علم در روز قیامت . ۲۸۲- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن یبعث یوم القیامة و جوفه محشو بالقرآن و الفرائض و العلم . (۳۸۳) خوشا به حال کسی که روز قیامت برانگیخته شود در حالی که جسم و جاننش از قرآن و واجبات الهی و علم و دانش لبریز باشد . ۲۸۳- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : کان لقمان یوازره (داود علیه السلام) بعلمه و حکمته ، فقال داود علیه السلام : طوبی لک یا لقمان ، اوتیت الحکمة ، و صرفت عنک البلیة ، و اوتی داود الخلافة ، و ابتلی بالرزیة و الفتنة .

(۳۸۴) لقمان به خاطر علم و درایتش با حضرت داود علیه السلام همفکری می کرد، (تا اینکه) داود علیه السلام به لقمان گفت: خوشا به حال تو ای لقمان، به تو حکمت عطا شده و برای همین، بلاها از تو دور می شود و حال آن که به داود مسؤ ولت خلافت داده شده و به مصیبت بزرگ و آزمایش مهم مبتلا گشته است. ۲۸۴- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ان العلم حياة القلوب من الجهل، و ضياء الابصار من الظلمة، و قوة الابدان من الضعف، يبلغ بالعبد منازل الاءخيار، و مجالس الاءبرار، و الدرجات العلی فی الدنيا و الاءخرة، الذکر فیہ يعدل بالصیام و مدارسته بالقیام، به یطاع الرب و یعبد، و به توصل الاءرحام و یعرف الحلال من الحرام، العلم امام العمل و العمل تابعه، یلهم به السعداء و یحرمه الاءشقیاء، فطوبی لمن لم یحرمه الله من حظه. (۳۸۵) همانا علم احیاگر دلها از جهل است و روشنگر چشمها از تاریکی و نیروبخش بدنها از سستی، انسان را به جایگاه برگزیدگان و به مجلس نیکوکاران و به درجات عالی در دنیا و آخرت می رساند، یادآوری علم برابر روزه و تعلم و تدریس آن برابر با قیام و شب زنده داری است، با علم و دانش است که پروردگار اطاعت و پرستش می شود و صله رحم انجام می گیرد و حلال از حرام باز شناخته می شود، علم مقدم بر عمل است و عمل تابع علم، سعادت‌مندان از علم الهام می گیرند و شقاوت‌مندان از آن باز داشته می شوند، پس خوشا به حال آن که خداوند او را از بهره و نصیب علم و دانش محروم نسازد. ۲۸۵- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: تشعب من العقل الحلم و من الحلم العلم... اما العلم فیتشعب منه؛ الغنی و ان کان فقیرا و الجود و ان کان بخيلا، و المهابة و ان کان هینا (۳۸۶) و السلامة و ان کان سقیما، و القرب و ان کان قصیا، (۳۸۷) و الحياء و ان کان صلفا (۳۸۸)، و الرفعة و ان کان و ضیعا، و الشرف و ان کان رذلا و الحکمة و الحظوة، فهذا ما یتشعب للعاقل بعلمه، فطوبی لمن عقل و علم. (۳۸۹) از عقل، بردباری و از بردباری، علم منشعب می شود... و اما از علم (ده صفت دیگر منشعب می شود که عبارت اند از: بی نیازی و اگر چه آدمی فقیر باشد و بخشندگی، اگر چه بخیل باشد و هیبت، اگر چه ظاهری ناتوان دارد و سلامتی، اگر چه بیمار باشد و نزدیک بودن، اگر چه از وطن دور باشد و شرم و حیا، اگر چه خود را می ستوده و آقایی، اگر چه از طبقه کم در آمد و پایین باشد و شرافت، اگر چه پست و زبون باشد و درایت و مقام و منزلت. اینها صفاتی است که از علم و دانش برای عاقل پیدا می شود، پس خوشا به حال کسی که تفکر کند و آگاه باشد. ۲۸۶- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن ترک الجهل، و اءتی الفضل، و عمل بالعدل. (۳۹۰) خوشا به حال آن که جهل و نادانی را رها سازد و به سوی علم و فضل راه پیماید و به عدالت رفتار کند. ۲۸۷- الامام علی علیه السلام: ویل لمن تمادی فی جهله، و طوبی لمن عقل و اهتدی. (۳۹۱) وای بر آن که بر جهل خود پافشاری کند و خوشا به حال آن که تدبر کرده و هدایت شود. ۲۸۸- الامام الصادق علیه السلام: طوبی للذین هم کما قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: یحمل هذا العلم من کل خلف عدوله، ینفون عنه تحریف الغالین، و انتحال المبطلین، و تاءویل الجاهلین. (۳۹۲) خوشا به حال آنان که مصداق این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشند (که فرمود: عادلان هر قوم این پرچم (علوم اهل بیت) را با خود دارند و آن را از تحریف غلو کنندگان و ادعای واهی باطلان و تاءویل جاهلان به دور می دارند. ۲۸۹- الامام الرضا علیه السلام: اءفضل ما یقدمه العالم من محببنا و موالینا امامه لیوم فقره و فاقته و ذله و مسکنته اءن یغیث فی الدنیا مسکینا من محببنا من ید ناصب عدو لله و لرسوله، یقوم من قبره و الملائکة صفوف من شفیر قبره الی موضع محله من جنان الله، فیحملونه علی اءجنحتهم، یقولون: مرحبا طوباک طوباک، یا دافع الکلاب عن الاءبرار، و یا اءیها المتعصب للاءئمة الاءخيار. (۳۹۳) برترین چیزی که عالم دوستدار و پیرو ما، برای روز بیچارگی و تنگدستی و ذلت و مسکینی خود پیش می فرستد، این است که در دنیا مسکینی از دوستداران ما را از دست دشمن خدا و پیامبر نجات بخشد، چنین کسی از قبر بر می خیزد در حالی که فرشتگان از کنار مرقد او تا جایگاهش در بهشت برین خداوندی، (به احترام او) صف بسته اند و هنگامی که او را بر بالهایشان می نشانند و می برند، می گویند: آفرین، خوشا به حالت، خوشا به حالت، ای باز دارنده سگان از خوبان و ای کسی که نسبت به پیشوایان برگزیده، غیرت و تعصب به خرج دادی.

## عمل به علم

۲۹۰- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: یا اءباذر، طوبی لمن... عمل بعلمه. (۳۹۴) یا ابوذر! خوشا به حال آن کسی که... به دانسته خود، شایسته رفتار کند. ۲۹۱- الامام الکاظم علیه السلام: یا هشام ان عیسی علیه السلام قال للحواریین... بحق اءقول لکم، ان الناس فی الحکمۃ رجلا ن، فرجل اء تقنھا بقوله و صدقھا بفعله، و رجل اء تقنھا بقوله و ضیعھا بسوء فعله، فشتان بینهما، فطوبی للعلماء بالفعل و ویل للعلماء بالقول. (۳۹۵) یا هشام! عیسی علیه السلام خطاب به حواریین می گفت: حقیقت را برایتان می گویم همانا مردم در برابر حکمت دو گونه اند، دسته ای در گفتارشان حکمت را استوار می سازند (و حکیمانه حرف می زنند) و در کردار و اعمالشان آن را (عمل کرده و) تصدیق می کنند؛ و دسته ای دیگر در گفتارشان، آن را محکم ساخته (و خوب حرف می زنند) ولی با اعمال ناپسندشان آن را بی فایده می سازند و چقدر بین این دو دسته فرق است، خوشا به حال عالمان با عمل و بدا به حال عالمان بی عمل.

## تعلیم و تعلم دانش

۲۹۲- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی للعالم و المتعلم و العامل به. فقال الرجل: یا رسول الله، هذا للعالم فما للمتعلم؟ فقال صلی الله علیه و آله و سلم: العالم و المتعلم فی الاءجر سواء. (۳۹۶) خوشا به حال عالم و یاد گیرنده علم و عمل کننده به آن. مردی پرسید: یا رسول الله، این صفت عالم بود. پس برای یاد گیرنده چیست؟ حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این دهنده و یاد گیرنده، در اجر و پاداش مساوی هستند. ۲۹۳- عیسی بن مریم علیه السلام: طوبی لمن تعلم من العلماء ما جهل ت و علم الجاهل مما علم. (۳۹۷) خوشا به حال آنان که هر چه نمی دانند، از دانشمندان و علما فرا گیرند و از آنچه می دانند و یاد گرفته اند، به آنان که نمی دانند بیاموزند. ۲۹۴- عیسی بن مریم علیه السلام: طوبی لمن... صغر الجهال لجهلهم، و لا یطردهم و لکن یقربهم و یعلمهم. (۳۹۸) خوشا به حال کسی که... جاهلان را به خاطر نادانیشان کوچک و حقیر می شمارد ولی آنان را از خود نراند، بلکه به کنارشان رفته و آنان را آموزش دهد.

## احترام به علماء

۲۹۵- عیسی بن مریم علیه السلام: طوبی لمن عظم العلماء لعلمهم، و ترک منازعتهم و صغر الجهال لجهلهم. (۳۹۹) خوشا به حال آنان که علما را به خاطر علمشان بزرگ و گرامی دارند و با آنان بحث و جدل نکنند و جاهلان را به خاطر جهلشان کوچک شمارند.

## عوامل اقتصادی

### کسب حلال

۲۹۶- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن اکتسب من المؤمنین مالا من غیر معصیۃ. (۴۰۰) خوشا به حال آن مؤمنانی که کسب و درآمدشان از راه معصیت و گناه نباشد. ۲۹۷- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن طاب کسبه. (۴۰۱) خوشا به حال کسی که کسب و تجارتی پاک و حلال دارد. ۲۹۸- موسی بن عمران علیه السلام: یا رب! من یسکن غدا فی حظیره القدس و یستظل بظل عرشک یوم لا ظل الا ظلك. فقال (الله عزوجل): یا موسی، اولئک الذین... لا یتتغون فی اءموالهم الربا... طوبی لهم و حسن مآب. (۴۰۲) پروردگارا! چه کسی فردا (ی قیامت) در محضر قدس (الهی) ساکن شود و در سایه عرش تو پناه



گیرد، روزی که هیچ پناهی جز تو نیست؟ خداوند فرمود: یا موسی! آنان کسانی اند که... در اموالشان به دنبال ربا نیستند... خوشا به حالشان و نیکو باد فرجامشان. ۲۹۹- الامام علی علیه السلام: طوبی لمن رزق بالعافیة. (۴۰۳)

### کفاف (۴۰۴)

۳۰۰- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن رزق الکفاف، ثم صبر علیه. (۴۰۵) خوشا به حال آن که کفاف در زندگی رویش شده و بر آن صبر پیشه کرده است. ۳۰۱- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن اءسلم و کان عیشه کفافا (۴۰۶) خوشا به حال آن که تسلیم (رضای الهی) شده و زندگی او به اندازه ای است که محتاج نباشد. ۳۰۲- الامام علی علیه السلام: طوبی لمن... صاحب العفاف و قنع بالکفاف و رضی عن الله بذلک. (۴۰۷) خوشا به حال آن که... کم خواهی را انیس خود ساخته و به کفاف در زندگی قانع است و بدان جهت از خداوند خشنود است. ۳۰۳- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن... وسعه بینه. (۴۰۸) خوشا به حال کسی که... خانه اش او را کافی است.

### انفاق مال

۳۰۴- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: اذ کان اول لیلته من شهر رمضان امر الله تبارک و تعالی سبعة من الملائكة... مع کل ملک منهم لواء من نور... و فی ید کویائیل لواء من نور یضرب فی السماء الرابعة مکتوب علیه لا اله الا الله، محمد رسول الله، طوبی لامة محمد، يتصدقون بالنها،... ينظر الله اليهم و یرضی عنهم. (۴۰۹) هنگامی که شب اول ماه رمضان فرا می رسد، خداوند تبارک و تعالی هفت فرشته را مأمور می سازد... که با هر یک از فرشتگان پرچمی از نور همراه است... و در دست (فرشته ای به نام) کویائیل پرچمی از نور است که در آسمان چهارم برافراشته می شود و بر آن نوشته شده: لا اله الا الله، محمد رسول الله، خوشا به حال امت محمد که در روز صدقه می دهند... خداوند بر آنان نظر دارد و از آنان خشنود و راضی است. ۳۰۵- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن انفق الفضل من ماله، و اءمسک الفضل من قوله. (۴۱۰) رسول خدا می فرمود: خوشا به حال آن که زیادی مالش را انفاق می کند و زبان خود را از پرگویی نگه می دارد. ۳۰۶- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن انفق القصد و بذل الفضل. (۴۱۱) خوشا به حال آن که در انفاق میانه روی دارد و اضافه مال خود را بذل و بخشش می کند. ۳۰۷- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: یا اءباذر، طوبی لمن... اءنفق مالا جمعه فی غیر معصية. (۴۱۲) یا ابوذر! خوشا به حال آن که... از مالی که بدون گناه بدست آورده انفاق می کند. ۳۰۸- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن اکتسب من المومنین مالا من غیر معصية، و اءنفقه فی غیر معصية، و عاد به علی اهل المسکنة. (۴۱۳) خوشا به حال مؤمنی که کسب و در آمدش از راه معصیت و گناه نباشد و آن را در راه غیر گناه و معصیت انفاق کند و برای مسکینان و بیچارگان صرف کند. ۳۰۹- روی عن الامام علی علیه السلام: اءصبت بین الهموم و الهمم هموم عجز و همه الکرم طوبی لمن قال قدر همته اءو نال عز القنوع بالقسم (۴۱۴) میان غمها و همتها سرگردانم غم نداشتن و همت سخاوت (و انفاق کردن) خوشا به حال آن که به همت خود برسد یا به عزت قناعت بر روزی دست یابد.

### صبر بر فقر

۳۱۰- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی للمساکین بالصبر، و هم الذین یرون ملکوت السماوات و الاءرض. (۴۱۵) خوشا به حال بیچارگان و فقرا به خاطر صبرشان (بر فقر)، آنان کسانی هستند که باطن آسمانها و زمین را می بینند. ۳۱۱- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی لمن طوی (۴۱۶) و جاع و صبر، اولئک الذین یشبعون یوم القیامة. (۴۱۷) خوشا به حال آنان که

چیزی نخوردند و گرسنگی بکشند و صبر نمایند ، آنان کسانی اند که در روز قیامت (از طعامهای بهشتی) سیر شوند . ۳۱۲- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لکل غنی تقی و لکل فقیر خفی ، يعرفه الله و لا- يعرفه الناس . (۴۱۸) خوشا زندگی بی نیاز پرهیزگار و محتاجی که فقر خود را پنهان می سازد ، خداوند او را می شناسد (که در محتاج است) ولی مردم او را (به فقر) نمی شناسند . ۳۱۳- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی للفقراء و الضعفاء من امتی ، الفقراء اءجائی و اءجباء الله ، هیئات هیئات ، کم من ضعیف یشفع فی سبعین اءلف انسان ، و کم من قوی لا یشفع لاءحد و لا ینجو فی نفسه ، لانه ترک امر الله و یشفع و یتناول علی الناس . (۴۱۹) ۱۷۰- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن اءشعر التقوی قلبه . (۲۵۲) خوشا به حال آن که قلبش تقوی و پرهیزگاری را چشیده باشد . ۱۷۱- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن اءطاع محمود تقواه ، و عصی مذموم هواه . (۲۵۳) خوشا به حال آن که از صفات پسندیده تقوای خود پیروی کند و از صفات ناپسند هوای نفس خود سرپیچی نماید . ۱۷۲- الامام علی علیه السلام ان لاهل التقوی علامات یعرفون بها : صدق الحدیث ، و اءداء الءمانة ، و الوفاء بالعهد ، و قلء الفخر و البخل ، و صلة الءرحام ، و رحمة الضعفاء ، و قلء المواتاة للنساء ، و بذل المعروف ، و حسن الخلق ، و سعة الحلم ، و اتباع العلم فیما یقرب الی الله عزوجل ، طوبی لهم و حسن مآب . (۲۵۴) امام علی علیه السلام می فرمود : اهل تقوی نشانه هایی دارند که با آنان شناخته می شوند (از جمله) : راستگویی ، امانت داری ، وفای به عهد و پیمان ، اهل فخر فروشی و بخل نبودن ، صله رحم بجا آوردن ، ترحم بر بیچارگان ، فرمانبرداری کم از زنان ، گسترش کار خیر ، خوش اخلاقی ، بردباری بسیار ، پیروی از دانش در آنچه که موجب تقرب به درگاه خداست ، خوشا به حالشان و نیکو باد فرجامشان . ۱۷۳- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لعبد اتقی فیها (الدنیا) ربه و قدم توبته و غلب شهوته من قبل ان تلقیه الدنیا الی الآخرة فیصبح فی بطن موحشء غبراء دلهمء ظلماء لا یتطیع ان یزید فی حسنء و لا ینقص من سیئء ، ثم ینشر ، فیحشر اما الی جنء یدوم نعیمها ءو الی نار لا ینفذ عذابها . (۲۵۵) خوشا به حال بنده ای که در دنیا از پروردگارش پروا داشته باشد (و گناه نکند) و توبه کردن خود را پیش بیندازد (امروز و فردا نکند) و بر شهوتش چیره شود ، پیش از آن که دنیا او را به ملاقات آخرت ببرد ، سپس در شکم و حشتناک زمین خشک تاریک در آید که نه می تواند بر کار نیکش بیفزاید و نه می تواند از کارهای ناپسندش بکاهد و هنگامی که برانگیخته می شود ، یا به سوی بهشت ، که نعمتهایی همیشگی دارد هدایت می شود و یا به سوی جهنم ، که عذابش تمام شدنی نیست ، در انداخته می شود . ۱۷۴- الامام علی علیه السلام : طوبی لمن جعل الصبر مطیءة نجاته ، و التقوی عدة وفاته . (۲۵۶) خوشا به حال آن که صبر ، مرکب نجاتش باشد و پرهیزگاری ، آماده ساز او برای مرگ باشد . ۱۷۵- الامام الصادق علیه السلام : و الذی نفسی بیده ، ان فی الارض فی اءطرفها مؤمنین ، ما قدر الدنیا کلها عندهم تعدل جناح بعوضء ، و لو ان الدنیا بجمیع ما فیها و علیها ذهبة حمراء علی عتق اءحدهم ثم سقط من عنقه ما شعر بها ءی شیء کان علی عنقه ، و لا ءی شیء سقط منه لهوانها علیهم . فهم الحفی (الخفی - خ ل) عیشهم ، المنتقلة دیارهم من اءرض الی اءرض ، لخمیصء بطونهم من الصیام ، الذبلء شفاهم من التسیح ، العمش (۲۵۷) العیون من البكاء ، الصفر الوجوه من السهر ، فذلک سیماهم مثلا ضربه الله مثلا فی الانجیل لهم و فی التوراة و الفرقان و الزبور و الصحف الاولی ، و صفهم فقال : (سیماهم فی وجوههم من اءثر السجود ذلک مثلهم فی التوراة و مثلهم فی الانجیل) (۲۵۸) عنی بذلک صفرء وجوههم من سهر اللیل ، هم البررة بالاخوان فی الحال الیسر ، و العسر ، الثرون علی اءنفسهم فی حال العسر . کذلک و صفهم الله فقال : (و یؤثرون علی اءنفسهم و لو کان بهم خصاصة و من یوق شح نفسه فاء و لئک هم المفلحون) (۲۵۹) فازوا والله و اءفلحوا ، ان راءوا مؤمناء کرموه ، و ان راءوا منافقا هجره ، اذا جهنم اللیل اتخذوا اءرض الله فراشا و التراب و سادا و استقبلوا بجباههم الاءرض ، یتضرعون الی ربهم فی فکاک رقابهم من النار ، فاذا اءصبحوا اختلطوا بالناس ، لم یشرب الیهم بالءصابع ، تنكبوا الطرق و اتخذوا الماء طیباً و طهوراً ، اءنفسهم متعوبء ، و اءبدانهم مکدورة (۲۶۰) ، و الناس منهم فی الراحة ، فهم عند الناس شرار الخلق و عند الله خیار الخلق ، ان حدثوا لم یصدقوا و ان خطبوا لم یزوجوا و ان شهدوا لم یعرفوا و ان غابوا لم یفقدوا ، قلوبهم خائفء و جلء من الله ، اءلسنتهم

مسجونۀ، و صدورهم و عاء لسر الله (سر الله - خ ل) ان وجدوا له اهلا نبذوه اليه نبذا (۲۶۱) و ان لم يجدوا له اهلا القوا على اءلستهم اءقفا لا غيبوا مفاتيحها، و جعلوا على اءفواههم اءوكية (۲۶۲)، صلب صلب من الجبال، لا ينحت منهم شىء، خزان العلم و معدن الحلم و الحلم، و تباع النيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين. اء كياس يحسبهم المنافق خرسا و عميا و بلها، و ما بالقوم من خرس و لا عمى و لا بله، انهم لاء كياس فصحاء حلماء اءتقيا بررة صفوة الله، اءسكتهم الخشية لله، و اءعينهم اءلستهم خوفا من الله و كتمانا لسره، فوا شوقاه الى مجالستهم و محادثتهم، يا كرباه لفقدهم، و يا كشف كرباه لمجالستهم، اطلبوا هم فان وجدتموهم و اقتبستم من نورهم اهتديتم و فزتهم (فترم - خ ل) بهم فى الدنيا و الآخرة، هم اء عز فى الناس من الكبريت الاءحمر. حليتهم طول السكوت بكتمان السر و الصلاة و الزكاة و الحج و الصوم و المواساة للاخوان فى حال اليسر و العسر، فذلك حليتهم و محبتهم، يا طوبى لهم و حسن ماآب هم وراث الفردوس خالدین فيها. (۲۶۳) سوگند به كسى كه جانم در دست قدرت اوست، كه در گوشه و کنار زمین مؤمنانی زندگی می کنند كه همه دنیا در نظرشان معادل بال پشه ای نیست، و اگر دنیا با تمام چیزهایی كه در آن است همچون طلای سرخی بر گردن یکی از آنان آویخته شود، پس از گردنش بر زمین بیفتد، برای او اهمیتی ندارد كه چه چیزی از گردنش به زمین افتاد، چرا كه دنیا در نظرشان پست و بی مقدار است. زندگیشان كم خرج و ساده است (و بدین جهت) خانه به دوش اند، شكمهایشان به خاطر روزه داری به كمرشان چسبیده، لباسهایشان از ذكر و تسبیح خداوند خشكیده، چشمانشان به خاطر گریه و زاری بسیار، (به درگاه خداوند) كم سو شده و چهره هایشان از شب زنده داری رنجور و زرد گشته است. و این صفات سیمای آنان است كه خداوند در انجیل و تورات و قرآن و زبور و صحف اولی به ایشان مثل زده است، آنان را چنین وصف نموده است: علامت آنان بر اثر سجود در چهره هایشان است. این مثل ایشان است در تورات و انجیل (كه مراد از آن رنگ و روی زرد آنان است كه بر اثر شب زنده داری پدید آمده است، آنان كسانی اند كه در حال خوشی و گرفتاری به برادران (دینی) شان نیکی می کنند. كسانی كه در حال گرفتاری نیز ایثار می کنند، خداوند آنان را اینچنین وصف نموده است: (هر چند در خودشان احتیاجی (مبرم) باشد، دیگران را بر خود مقدم می دارند. و هر كس از خشت نفس خود مصون ماند، همانان رستگارانند) به خدا سوگند كه آنان پیروز و رستگارانند، اگر مؤمنی را ببینند، گرامیش می دارند و اگر منافقی را ببینند تركش می کنند، وقتی شب آنان را فرا گیرد زمین را بستر و خاك را بالش خود قرار می دهند و پهلوهایی خود را بر خاك می نهند، در آن تاریکی برای آزادی و رهایی از آتش، به درگاه پروردگارشان تضرع و زاری می کنند و صبحگاهان بین مردم می روند در حالی كه انگشت نمای خلق نیستند. (از تواضع و فروتنی) از كناره راه می گذرند (نه مغرورانه از وسط راه) خود را با آب معطر و مطهر می كنند، خویش را به زحمت می اندازند (و بدین جهت) بدنهایشان لاغر و رنجور است ولی مردم از آنان در امان و راحت بسر می برند، مردم آنان را بدترین انسانها می پندارند در حالی كه نزد خداوند بهترین مردمان هستند، اگر جایی سخن بگویند از آنان قبول نمی كنند و اگر به خواستگاری بروند به ایشان همسر نمی دهند، اگر در جایی حاضر شوند، شناخته نمی شوند و اگر در جایی باشند، نبودشان احساس نمی شود، قلبهایشان از عظمت خداوند ترسان و هراسان است، زبانهایشان در دهان زندانی و سینه هایشان صندوقچه اسرار الهی است، اگر كسی را ببیند كه صلاحیت داشته باشد، سر خدا را برای او بیان می كنند و اگر برای گفتن اسرار، كسی را نیابند بر زبانهایشان قفلهایی زده و كليدهای آن را پنهان ساخته و دهانشان را مهر و موم می كنند، سخت و محكم اند، استوارتر از كوه ها، چیزی در آنان اثر نمی گذارد، گنجینه های علم و معدن بردباری و حكمت اند، پیروان پیامبران و راستگویان و شهدا و صالحان هستند. زیركانی هستند كه منافقان آنان را گنگ و كور و ابله می پندارند، در حالی كه ایشان گنگ و كور و ابله نیستند بلكه زیركانی سخندان، بردبار، حكیم، پرهیزگار، نيكوكار و خالص برای خدا هستند. ترس از خدای آرامش می كند و زبانهایشان از ترس خدا و نگهداری اسرار خسته است. آه، چقدر به همنشینی و گفتگوی با آنان شوق و اشتیاق دارم و چه سخت است نبودشان و چه شادی بخش است همنشینی شان، آنان را بجوید

، و به دنبال چنین کسانی باشید و اگر آنان را یافتید و از نور معرفتشان استفاده کردید ، در دنیا و آخرت هدایت و پیروز می شوید ، آنان از کیمیا در پیش مردم عزیزترند ، زینت آنان سکوت طولانی در نگهداری اسرار است و نماز گزاردن و زکات دادن و حج رفتن و روزه گرفتن و برابر دانستن خود با برادران دینی در راحتی و سختی است . اینها صفات پسندیده و محبت ایشان است ، ای خوشا زندگیشان و فرجامی خوش برایشان ، آنان وارثان فردوس اند و در آنجا جاویدان اند . ۱۷۶- الامام الرضا علیه السلام : کان خاتم عیسی حرفین ، اشتقهما من الانجیل ؛ طوبی لعبد ذکر الله من اجله ، و ویل لعبد نسی الله من اجله . (۲۶۴) نقش نگین انگشتری حضرت عیسی ، دو کلمه بر گرفته از انجیل بود ؛ خوشا به حال بنده ای که به خاطر (دیدن ) او ، خدا یاد شود و بدا به حال بنده ای که به خاطر (دیدن ) او خدا فراموش شود .

## عوامل نظامی

### جهاد و شهادت

۳۱۵- الامام علی علیه السلام : ان الله كتب القتل علی قوم و الموت علی الآخین ، و کل آتیه منیته کما كتب الله لکم ، فطوبی للمجاهدین فی سبیل الله و المقتولین فی طاعته . (۴۲۱) بدرستی که خداوند برای گروهی شهادت و برای جمعی دیگر مرگ را مقدر ساخته است و برای هر کس آنچه مقدر شده فرا می رسد ، چنانچه خداوند بر شما نیز مقدراتی دارد پس خوشا به حال رزمندگان راه خدا و شهیدان راه فرمانبرداری از اطاعت او . ۳۱۶- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : الغزاة اولیاء الله عزوجل ، قبل حسناتهم و محاسناتهم ، فطوبی للغزاة فی سبیل الله ، دعوه فاءجابهم و ساءلوه فاءعطاهم . (۴۲۲) رزمندگان دوستان خدا هستند ، خداوند عزوجل کارهای نیکشان را پذیراست و گناهانشان را خطا پوش و گذرا ، پس خوشا به حال رزمندگان راه خدا ، او را می خوانند پس جوابشان را می دهد ، از خدا می خواهند و او عطایشان می کند . ۳۱۷- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لعبد اغبر جلده ، دنس (۴۲۳) ثیابه ، یکون فی النهار فی الساقه (۴۲۴) و باللیل فی الحرس ، ان حقا علی الله اءن یزوجه من الحواریین . (۴۲۵) خوشا بر بنده ای که بخاطر جنگ و جهاد چهره اش غبار آلود باشد و لباسهایش چرک آلود ، روز را در میانه لشکر است و شب در نگهبانی ، همانا خداوند حق دارد او را به ازدواج حورالعین در آورد . ۳۱۸- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لعبد آخذ بعنان فرسه فی سبیل الله ، اءشعث رءسه ، مغبره قدماه ، ان کان فی الحراسه کان فی الحراسه ، و ان کان فی الساقه کان فی الساقه ، ان استاذن لم یؤ ذن له ، و ان شفع لم یشفع . (۴۲۶) خوشا به حال بنده ای که در راه خدا دهانه اسبش را در دست گیرد (و بدین خاطر) سر و رویش ژولیده و بهم ریخته شود و قدمهایش غبار آلود گردد ، اگر او را به نگهبانی گمارند ، نگهبانی می کند و اگر در میانه لشکر قرارش دهند ، آنجا خدمت کند (به اندازه ای گمنام و خالص است که ) اگر اجازه خواهد به او اجازه نمی دهند و اگر برای کسی سفارش کند ، سفارشش را نمی پذیرند .

## بخش سوم : نمونه افراد خوشبخت

### محمد صلی الله علیه و آله و سلم

۳۱۹- علی بن اسباط عنهم : قال الله تبارک و تعالی فی مناجاته لعیسی علیه السلام بعد اءن ذکر اءوصاف محمد صلی الله علیه و آله و سلم . . . یا عیسی ، دینه الحنیفیة ، و قبلته یمانیة ، و هو من حزبی و اءنا معه ، فطوبی له ثم طوبی له . (۴۲۷) علی بن اسباط از (یکی از) معصومان علیهم السلام نقل می کند : خداوند تبارک و تعالی در مناجات عیسی علیه السلام با او ، پس از برشمردن ویژگیهای محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : . . . عیسی ! دین او دینی است در راستای حق و قبله او در طرف راست ، او از حزب من

است و من با او هستم ، پس خوشا به حالش و خوشا به حالش . ۳۲۰- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : اذا ساءلتم الله فاساءلوا لی الوسیلة : فساءلنا النبی صلی الله علیه و آله و سلم : عن الوسیلة : فقال : هی درجۀ فی الجنة . . . فهی فی درجۀ النیین کالقمر بین الکواکب ، فلا یبقی یومئذ نبی و لا صدیق و لا شهید الا قال : طوبی لمن كانت هذه الدرجة درجته . . . فیاءتی النداء من عند الله عزوجل یسمع النیین و جمیع الخلق : هذه درجۀ محمد . (۴۲۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود : آنگاه که از خدا درخواست می کنید ، برای من مقام وسیله را بخواهید . اصحاب گفتند : از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدم که وسیله چیست ؟ فرمود : درجه یی است در بهشت . . . که در بین درجات پیامبران همچون قرص ماه در بین ستارگان است ، در آن روز هیچ پیامبر و صدیق و شهیدی نیست مگر اینکه بگوید : خوشا به حال کسی که این مقام ، مقام اوست ، که در آن هنگام ندائی از سوی خداوند عزوجل به گوش می رسد که تمام پیامبران و همه خلائق آن را می شنوند (که می گوید : ) این درجه و مقام محمد است . ۳۲۱- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : من علی ربی و قال لی : یا محمود فقد ارسلت کل رسول امته بلسانها ، و ارسلتک الی کل اءحمر و اءسود من خلقی ، و نصرتک بالرعب الذی لم اءنصر به اءحدا ، و اءحلت لك الغنیمه و لم تحل لءحد قبلک ، و اءعطیت لك و لامتک کنزا من کنوز عرشی فاتحه الكتاب و خاتمه سورة البقرة ، و جعلت لك و لامتک الاءرض کلها مسجدا و ترابها طهورا ، و اءعطیت لك و لامتک التکبیر ، و قرنت ذکرک بذکری حتی لا یذکرنی اءحد من امتک الا ذکرک مع ذکری ، فطوبی لك یا محمد و لامتک . (۴۲۹) پروردگرم بر من منت نهاد و فرمود : ای محمد ، همه پیامبران را به زبان قوم و قبیله شان به سوی آنان فرستادم ولی تو را بر هر آفریده سرخ و سیاهی مبعوث ساختم و با وحشتی (که در دل دشمن انداختم ) تو را یاری کردم که هیچ کس را اینچنین یاری نرساندم ، غنیمت را بر تو حلال ساختم ، در حالی که پیش از تو بر کسی حلال نکرده بودم ، به تو و امت تو گنجی از گنجهای عرشم را بخشیدم ؛ یعنی ، سوره حمد و پایان سوره بقره را (آمن الرسول بما انزل . . . ) و همه زمین را برای تو و امت تو سجد گاه و خاکش را پاک قرار دادم ، به تو و امت تو الله اکبر را عطا کردم و یادت را با یاد خویش همراه ساختم ، بگونه ای که هیچ کس از امت تو ، مرا یاد نمی کند مگر آن که تو را نیز در یاد می آورد . خوشا بر تو ای محمد و خوشا بر امت تو . ۳۲۲- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - فی اءحوال القیامه - لایبقی یومئذ نبی و لا صدیق و لا شهید الا قال : طوبی لهذین العبدین (محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام ) ما اءکرمهما علی الله . (۴۳۰) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - در بیان چگونگی روز قیامت - می فرماید : در آن روز هیچ پیامبر و صدیق و شهیدی نیست مگر اینکه می گوید : خوشا به حال این دو بنده خدا (محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام ) چقدر این دو نفر نزد خداوند گرامی اند .

### علی علیه السلام

۳۲۳- ابن عباس : بینا نحن مع النبی صلی الله علیه و آله و سلم بعرفات اذ قال : اءفیکم علی بن ابی طالب ، قلنا : بلی یا رسول الله . فقربه منه و ضرب بیده علی منکبه (۴۳۱) ثم قال : طوبی لك یا علی ، نزلت علی آیه ذکرى و ایاک فیها سواء فقال : (الیوم اءکملت لکم دینکم و اءتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا) (۴۳۲) . (۴۳۳) هنگامی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در عرفات بودیم ، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : آیا علی بن ابی طالب در بین شماست ؟ عرض کردیم : آری یا رسول الله . رسول خدا او را نزد خود آورد و با دست بر شانه او زد ، سپس فرمود : خوشا به حالت علی جان ، آیه ای بر من نازل شد که من و تو در آن یکسان یاد شدیم . سپس این آیه را قرائت نمود (امروز دین شما را کامل و نعمتم را بر شما تمام کردم و به اینکه اسلام دین شما باشد خوشود و راضی شدم ) . ۳۲۴- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - قبل ما بین عینی علی علیه السلام فقال - : یا اءبا الحسن ، اءنت عضو من اءعضائی ، تزول حیث زلت ، و ان لك فی الجنة درجۀ و هی درجۀ الوسیلة ، فطوبی لك و لشیعتك من بعدک . (۴۳۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بین دو چشم علی علیه السلام را بوسید و فرمود : اباالحسن ! تو عضوی از

اندام من هستی ، اگر من لغزش کردم تو هم لغزش می کنی ، برای تو در بهشت درجه ای به نام درجه الوسیله است ، خوشا به حال تو و شیعیانت که پس از تو می آیند .

### اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۳۲۵- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن رآنی و آمن بی . . . . (۴۳۵) خوشا به حال آنان که مرا دیده و به من گرویده اند . ۳۲۶- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن رآنی ، و طوبی رأی من رآنی ، و طوبی لمن رأی من رآنی . (۴۳۶) خوشا به حال آنان که مرا دیده باشند (اصحاب) ، و خوشا به حال آنان که ببینند کسی را که مرا دیده (تابعین اصحاب) ، و خوشا به حال آنان که ببینند کسی را که او اصحاب مرا دیده (تابعین تابعین اصحاب) . ۳۲۷- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : اوحی الله تعالی جلت عظمته الی عیسی علیه السلام : جد فی امری و لا- تترك : انی خلقتک من غیر فحل آیه للعالمین ، اءخبرهم آمنوا بی و برسولی النبی الامی ، نسله من مبارکة و هی مع امک فی الجنة ، طوبی لمن سمع کلامه و اءدرک زمانه و شهد اءیامه . (۴۳۷) خداوند تبارک و تعالی به عیسی علیه السلام وحی کرد که (یا عیسی) در کارها و دستورهایی من کوشا باش و آنها را ترک مکن ، من تو را بدون پدر آفریدم تا نشانه ای (از قدرت من) بر جهانیان باشد ، مردم را آگاه ساز تا به من و به فرستاده ام ، پیامبر امی ایمان آورند ، نسل آن پیامبر از زنی فرخنده و خجسته است که او با مادر تو در بهشت همراه است . خوشا به حال آنان که سخن آن پیامبر را بشنوند و دوران او را دریابند و روزگار او را شاهد باشند . ۳۲۸- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : دخلت الجنة فسمعت خشفة (۴۳۸) امامی ، فقلت : من هذا یا جبرئیل ؟ فقال : بلال . فقلت : طوبی لبلال . (۴۳۹) داخل بهشت شدم که صدای حرکت کسی را شنیدم . از جبرئیل پرسیدم که این صدای کیست ؟ جبرئیل جواب داد : صدای بلال . و من گفتم : خوشا به حال بلال .

### اصحاب امام علی علیه السلام

#### اشاره

۳۲۹- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : یا علی ، اءنت المظلوم من بعدی ، فویل لمن ظلمک و اعتدی علیک ، و طوبی لمن تبعک و لم یختر علیک . یا علی ، اءنت المقاتل بعدی ، فویل لمن قاتلک ، و طوبی لمن قاتل معک . یا علی اءنت الذی تنطق بکلامی و تتکلم بلسانی بعدی ، فویل لمن رد علیک ، و طوبی قبل کلامک . (۴۴۰) علی جان ، تو پس از من مظلومی ، پس وای بر آنان که به تو ستم نمایند و (بر حق تو) دست درازی و تجاوز کنند و خوشا بر آنان که تو را پیروی کنند و به تو خیانت نکنند . علی جان ، پس از من می جنگی و پیکار می کنی ، پس بدای بر آنان که با تو جنگ کنند و خوشا به حال آنان که همراه تو بجنگند . علی جان پس از من سخنان مرا می گویی و به شیوه من سخن می رانی ، پس وای بر آنان که کلام تو را نپذیرند و خوشا بر آنان که سخنان را پذیرا شوند . ۳۳۰- الامام الحسن علیه السلام : معاشر الناس ان طلحة و الزبیر قد بایعا علیا علیه السلام ، طائعين غیر مکرهین ، ثم نفرا و نکثا بیعتهما له فطوبی لمن خفف فی مجاهدة من جاهده فان الجهاد معه کالجهد مع النبی صلی الله علیه و آله و سلم . (۴۴۱) ای مردم ! طلحه و زبیر با علی علیه السلام بیعت کردند در حالی که مطیع او بودند و اگراهی نداشتند ، سپس بیعت خود را شکستند ، پس خوشا به حال آن که در جهاد با آنان که با علی می جنگند شتاب کند ، که جهاد در کنار علی مانند جهاد در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است .



۳۳۱- الامام علی علیه السلام: ما قال الناس لشیء طوبی له الا و قد خبائه الدهر یوم السوء . (۴۴۲) (تا کنون) مردم به چیزی خوشا به حال او نگفته اند، مگر آن که روزگار، روز بعدی را برای او فراهم ساخته است . ۳۳۲- الامام الصادق علیه السلام: اتقوا المحقرات من الذنوب فانها لا- تغفر . قلت: و ما المحقرات؟ قال علیه السلام: الرجل یذنب فیقول: طوبی لی لو لم یکن لی غیر ذلك . (۴۴۳) پرهیزید از گناهان کوچک که آمرزیده نمی شود (زید شحام می گوید: ) پرسیدم: گناهان کوچک چیست؟ امام علیه السلام فرمود: این که کسی، گناهی انجام دهد و با خود بگوید: خوشا به حالم اگر غیر از این گناه، گناهی نداشته باشم . ۳۳۳- الله تبارک و تعالی فی الصحیفه السابعة و العشرین من صحف ادریس النبی علیه السلام: عجا لمن یقول لمن مات من الائمة الخطاء، طوبی له فقد عاش عمرا طویلا و نال خیرا جزیلا، و سرورا عظیما، و ملکا جسیما، و تمتع بالاهل و الولد و السعة و الغنی، ثم مات کریمًا و ادعا (۴۴۴)، و لم یلاق هوانا، اما علمتم انه تمتع قلیلا و خلف وراءه حسابا طویلا، و احتمل من اءوزاره عبئا ثقیلا، و كانت اءیامه فی سروره و غناه، و ملکه و دنیاه کحلم النائم و مجری السراب، لم یحصل منه عند انقضائه الا علی تبعه حساب و مکابره خلود العذاب . (۴۴۵) خداوند تبارک و تعالی - در بیست و هفتمین صحیفه ادریس پیامبر علیه السلام - می فرماید: عجا از کسانی که وقتی یکی از پیشوایان ظلم بمیرد، می گویند: خوشا به حالش، مدت زیادی زندگی کرد و به نعمتهای فراوان و کامیابی بسیار و حکومتی در خور دست یافت، از زن و فرزند و روزی بسیار و غنای مالی لذت کامل برد و با کرامت و بزرگمنشی جهان را ترک گفت و هیچ سختی و رنجی ندید . آیا نمی دانید که لذت او ناچیز بود و برای آینده خود، حسابرسی طولانی به جای گذاشت و بار سنگینی از وزرو و بال با خود برد، روزگار شادی و بی نیازی و پادشاهی و دنیای او همچون رؤیایی در خواب و افسانه ای در سراب بود و هنگام ترک دنیا چیزی جز پس دادن حساب و جاودانگی عذاب به دست نیاورد .

### شجره طوبی

۳۳۴- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: (طوبی) شجره فی الجنة مسیره مائه عام، ثياب اهل الجنة یخرج من اء کماهما . (۴۴۶) (طوبی) درختی است در بهشت (که بلندی آن) به اندازه پیمودن صد سال است، لباسهای بهشتیان از لایه های (لطیف) آن به وجود می آید . ۳۳۵- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: طوبی شجره غرسها الله بیده و نفخ فیها من روحه تنبت بالحلی و الحلل و الثمار متدلیه علی اءفواه اهل الجنة و ان اءغصانها لتری من وراء شور الجنة و هی فی منزل علی بن اءبی طالب علیه السلام لن یحرمها ولیه و لن ینالها عدوه . (۴۴۷) طوبی درختی است که خداوند به دست (قدرت) خویش آن را کاشته است و از روح خود در آن دمیده، (درختی است) که از آن زر و زیورهای ارزشمند و پارچه های گران قیمت تهیه می شود و میوه های آن بر دهان بهشتیان آویخته است، شاخه هایش از پشت دیوار بهشت دیده می شود و آن درخت در خانه علی بن ابی طالب علیه السلام قرار دارد، دوستدار علی از آن محروم نمی شود و دشمن علی بن آن نمی رسد . ۳۳۶- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: لما اءسری بی الی السماء، فصرت فی سماء الدنيا حتی الصوت فی السماء السادسة فاذا اءنا بشجره لم اءر شجره اءحسن منها و لا اءکبر منها . فقلت لجبرئیل: یا حبیبی، ما هذه الشجره . قال: هذه طوبی یا حبیبی . فقلت: ما هذا الصوت العالی الجهوری؟ (۴۴۸) قال: هذا صوت طوبی . قلت: اءی شیء یقول؟ قال: یقول، و ا شوقاه الیک یا علی بن اءبی طالب . (۴۴۹) هنگامی که مرا شبانه به آسمان بردند، به آسمان دنیا وارد شدم، تا اینکه به آسمان ششم رسیدم، ناگهان (در برابر خود) درختی دیدم که تا به زمان درختی زیباتر و بزرگتر از آن ندیده بودم، به جبرئیل گفتم: دوست من! این چه درختی است؟ جبرئیل گفت: دوستم، این درخت طوبی است . گفتم: این صدای بلند و رسا چیست؟ گفت: این صدای درخت طوبی است . گفتم: چه می گوید؟ گفت: می گوید؛ چه اشتیاقی دارم به تو ای علی بن ابی طالب . ۳۳۷- حماد بن عبدالله: قراءت فی الانجیل . . . قال عیسی علیه السلام: یا رب و ما طوبی؟ قال: شجره فی الجنة، اءنا غرسها تظل الجنان، اءصلها من رضوان، و ماؤها من تسنیم، برده برد الکافور، و طعمه طعم الزنجبیل

، من شرب من تلك العين شربة لا يظماء بعدها ابدا . فقال عيسى عليه السلام : اللهم اسقني منها . قال : حرام يا عيسى على البشر ان يشربوا منها حتى يشرب ذلك النبي ، و حرام على الامم ان يشربوا منها حتى يشرب امه ذلك النبي . (۴۵۰) حماد بن عبدالله بن سلمان می گوید : در انجیل خواندم . . . عیسی علیه السلام خطاب به خداوند عرض کرد : پرورد گارا ! طوبی چیست ؟ خداوند فرمود : درختی است در بهشت که من آن را کاشته ام تا سایه گستر بهشت باشد ، ریشه و تنه آن درخت از (بهشت) رضوان و آب آن از (چشمه) تسنیم است ، طبیعت سرد آن همچون طبیعت سرد کافور است و مزه آن مانند مزه زنجبیل ، هر کس از آن چشمه بنوشد ، پس از آن هرگز تشنه نمی شود . سپس عیسی علیه السلام (مشتاق آن درخت شد و) گفت : خداوند ! مرا از آن سیراب ساز . خداوند فرمود : عیسی ، بر بشر حرام است از آن چشمه بنوشد تا اینکه آن پیامبر رسول اکرم صلی الله علیه و آله از آن بنوشد و بر امتها حرام است از آن بنوشند تا اینکه امت آن پیامبر از آن بنوشد . ۳۳۸- الامام الباقر علیه السلام : سئل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عن قوله : (طوبی لهم و حسن مآب) قال : شجرة فی الجنة اءصلها فی داری و فرعها علی اهل الجنة ، ثم سئل مرة اخرى فقال : شجرة فی الجنة اءصلها فی دار علی و فرعها علی اهل الجنة . قيل له : ساءلتك عنها یا رسول الله فقلت اءصلها فی داری و فرعها علی اهل الجنة . فقال صلی الله علیه و آله و سلم : ان داری و دار علی واحدة . (۴۵۱) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مورد آیه طوبی لهم و حسن مآب سؤال شد ، حضرت فرمود : (طوبی) درختی است در بهشت ، ریشه و تنه آن در خانه من و شاخه های آن بر سر بهشتیان است . سپس بار دیگر از حضرت (در مورد درخت طوبی) سؤال شد ، ایشان فرمود : درختی است در بهشت ، تنه و ریشه آن در خانه علی و شاخه های آن بر سر بهشتیان سایه افکن است . به حضرت گفتند : یا رسول الله (بیشتر) از آن درخت سؤال کردیم فرمودید : تنه و ریشه آن در خانه من است و شاخه های آن بر سر بهشتیان سایه گستر است ، حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ فرمود : خانه من و علی یکی است . ۳۳۹- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی شجرة فی داری و اءغصانها فی دور اهل بیتی . ثم قال بعد : طوبی شجرة فی دار علی و اءغصانها فی دور اهل بیتی . فقال عمر بن الخطاب : یا رسول الله ، اءلیس حدثنا بالاءمس ان طوبی شجرة فی دارک ؟ فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : اما علمت ان داری و دار علی واحدة . (۴۵۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : طوبی درختی است در خانه من و شاخه های آن در خانه های اهل بیت من است . و پس از مدتی فرمود : طوبی درختی است در خانه علی و شاخه های آن در خانه های اهل بیت من است . پس عمر بن خطاب گفت : ای رسول خدا ، آیا دیروز نگفتی که طوبی درختی در خانه شما است ؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : آیا نمی دانی که خانه من و علی یکی است . ۳۴۰- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : یا علی . . . انت صاحب شجرة طوبی فی الجنة ، اءصلها فی دارک و اءغصانها فی دار شیعتک و محبیک . (۴۵۳) علی جان ! . . . تو صاحب درخت طوبی در بهشت هستی ، ریشه و ساقه آن درخت در خانه تو و شاخه های آن در خانه شیعیان و دوستداران تو است . ۳۴۱- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - عندما ساءله علی علیه السلام عن شجرة طوبی - : شجرة فی دارک فی الجنة لیس دار من دور شیعتک فی الجنة الا و فیها غصن من تلك الشجرة ، تهدی (تهدل - خ ل) علیهم (الیهم - خ ل) بکل ما یشتهون . (۴۵۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - وقتی که علی علیه السلام از درخت طوبی پرسید - فرمود : درختی است در بهشت در خانه تو و هیچ خانه ای از خانه های شیعیان تو در بهشت نیست مگر آن که شاخه ای از آن درخت در آن خانه وارد شده ، که برای آنان هر چه بخواهند آماده می کند . ۳۴۲- الامام الصادق علیه السلام - : عندما سئل عن شجرة طوبی - : شجرة فی الجنة ، اءصلها فی دار علی بن ابي طالب علیه السلام و لیس من مؤ من الا و فی داره غصن من اءغصانها و ذلك قول الله عزوجل (طوبی لهم و حسن مآب) . (۴۵۵) امام صادق علیه السلام - وقتی که از درخت طوبی از ایشان سؤال شد - فرمود : درختی است در بهشت ، ریشه و ساقه آن در خانه علی بن ابی طالب علیه السلام است و هیچ مؤ منی نیست مگر آن که در خانه او شاخه ای از شاخه های آن درخت داخل شود و این همان گفته خداوند است که فرمود : (طوبی برای آنان است و فرجام نیکویی دارند) . ۳۴۳- الامام الصادق علیه

السلام: کان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يكثر تقبيل فاطمة، فغضبت من ذلك عائشة، فقالت: يا رسول الله، انك لتكثر تقبيل فاطمة. فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: يا عائشة، انه لما اسرى بي الى السماء، دخلت الجنة فاءدناني جبرئيل عليه السلام من شجرة طوبى وناولني من ثمارها، فاءكلته، فلما هبطت الى الارض حول الله ذلك ماء في ظهري فواقعت بخديجة فحملت بفاطمة فما قبلتها الا وجدت رائحة شجرة طوبى منها. (۴۵۶) رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فاطمه را زياد مى بوسيد، كه عائشه بر اين كار رسول خدا غضبناك شد و گفت: رسول خدا! شما در بوسيدن فاطمه زياده روى مى كنيد. پيامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: عائشه هنگامى كه شبانه مرا به آسمان مى بردند، داخل بهشت شدم پس جبرئيل عليه السلام مرا به درخت طوبى نزديك ساخت و از ميوه هاى آن نزد من آورد و من از آن ميوه ها خوردم و هنگامى كه به زمين باز گشتم، خداوند آن ميوه ها را در صلب من به آبى تبديل كرد و با خديجه همبستر شدم و او فاطمه را باردار شد، پس هيچ گاه فاطمه را نبوسيدم مگر آن كه بوى درخت طوبى از او به مشام رسيد. ۳۴۴- بلال بن حمامة: خرج علينا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ذات يوم ضاحكا مستبشرا، فقام اليه عبدالرحمن بن عوف، فقال: ما اضحكك يا رسول الله؟ قال صلى الله عليه وآله وسلم: بشارة ائتني من عند ربى، ان الله لما اراد ان يزوج عليا فاطمة، امر ملكا ان يهز شجرة طوبى، فهزها فنثرت رقاقا (۴۵۷) - يعنى صكاكا (۴۵۸) - و انشاء الله ملائكة التقطوها، فاذا كانت القيامة ثارت الملائكة فى الخلق، فلا يرون محبا لنا اهل البيت محضا الا دفعوا اليه منها كتابا، براءة له من النار. (۴۵۹) بلال بن حمامة مى گويد: روزى رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم در حالى كه خندان بود و خبرهاى خوش داشت بر ما وارد شد، سپس عبدالرحمن بن عوف پيش پاى ايشان بلند شد و پرسيد: اى رسول خدا چه چيزى شما را به خنده وا داشته است؟ حضرت صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: از سوى پروردگارم بشارتى رسيده است كه خداوند وقتى مى خواست فاطمه را به ازدواج على در آورد، فرشته اى را امر كرد تا درخت طوبى را تكان دهد، پس آن فرشته درخت طوبى را تكان داد و درخت حواله هاى را افشاند، خداوند فرشته ها را دستور داد تا آن حواله ها را گرد آورند و هنگامى كه قيامت بر پا شود، آن فرشتگان در ميان مردم به جنب و جوش در آمده و دوستان مخلص اهل بيت ما را نمى بينند، مگر آن كه به او نوشته اى از آن حواله ها مى دهند كه موجب براءت آنان از آتش است. ۳۴۵- رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: و لقد نحل الله طوبى فى مهر فاطمة فجعلها فى منزل على. (۴۶۰) خداوند، درخت طوبى را به عنوان مهر به فاطمه قرار داد و آن را در خانه على نهاد. ۳۴۶- رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: اول من ياءكل من شجرة طوبى على. (۴۶۱) نخستين كسى كه از درخت طوبى تناول مى كند، على است. ۳۴۷- رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: اءلا و من اءحب عليا لا يخرج من الدنيا حتى يشرب من حوض الكوثر و ياءكل من شجرة طوبى و يرى مكانه من الجنة. (۴۶۲) آگاه باشيد، هر كس على عليه السلام را دوست بدارد از دنيا نمى رود مگر آن كه از حوض كوثر مى نوشد و از درخت طوبى مى خورد و جاىگاهش را در بهشت مى بيند. ۳۴۸- رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ان الله عزوجل اذ كان اول يوم من شعبان امر باءبواب الجنة فتفتح، و ياءمر شجرة طوبى فتطلع اءغصانها على هذه الدنيا... ثم ينادى منادى ربنا عزوجل: يا عباد الله هذه اءغصان شجرة طوبى، فتمسكوا بها، ترفعكم الى الجنة... فوالذى بعثنى بالحق نبيا ان من تعاطى بابا من الخير و البر فى هذا اليوم، فقد تعلق بغيصن من اءغصان شجرة طوبى، فهو مؤدبه الى الجنة... فمن تطوع لله بصلاة فى هذا اليوم، فقد تعلق منه بغيصن. و من صام فى هذا اليوم، فقد تعلق منه بغيصن. و من عفا عن مظلمة، فقد تعلق منه بغيصن. و من اءصلح بين المرء و زوجته، اءو الوالد و ولده اءو القريب و قريبه اءو الجار و جاره اءو الاءجنىبى و الاءجنىبة، فقد تعلق منه بغيصن. و من خفف عن معسر من دينه اءو حط عنه، فقد تعلق منه بغيصن. و من نظر فى حسابه فراءى دينا عتيقا قد اءيس منه صاحبه، فاءداه، فقد تعلق منه بغيصن. و من كفل يتيما، فقد تعلق منه بغيصن. و من كف سفيها عن عرض مؤمن، فقد تعلق منه بغيصن. و من قعد يذكر الله و نعماءة و يشكره عليها، فقد تعلق منه بغيصن. و من عاد مريضا، فقد تعلق منه بغيصن. و من شيع فيه جنازة، فقد تعلق منه بغيصن. و من عزى فيه مصابا، فقد تعلق منه بغيصن. و من بر والديه اءو اءحدهما فى

هذا اليوم ، فقد تعلق منه بغصن . و من اءسخطهما قبل هذا اليوم فاءرضاهما فى هذا اليوم ، فقد تعلق منه بغصن و كذلك من فعل شيئا (من سائر) من ابواب الخير فى هذا اليوم ، فقد تعلق منه بغصن . . . و الذى بعثنى بالحق نبيا اننى لارى المتعلقين بءغصان شجرة طوبى ، كيف قصدتهم الشياطين ليغووهم ، فحملت عليهم الملائكة يقتلونهم و يثخنونهم و يطردونهم عنهم . (۴۶۳) هنگامی که روز اول ماه شعبان فرا می رسد خداوند تبارک و تعالی به درهای بهشت امر می کند که تا باز شوند و به درخت طوبی امر می کند و آن درخت شاخه های خود را بر این دنیا می گستراند . . . آنگاه ندا دهنده ای از جانب پروردگار عزوجل ندا می دهد ؛ ای بندگان خدا ! این شاخه های درخت طوبی است ، به آنها چنگ زنید که شما را به سوی بهشت می کشاند . . . سوگند به آن که مرا به حق ، به رسالت مبعوث کرد ، هر کس دری از خیر و نیکی در این روز بگشاید به شاخه ای از شاخه های درخت طوبی در آویخته که او را به بهشت می رساند . . . پس هر کس در این روز برای خدا نماز مستحبی بخواند ، به شاخه ای از شاخه های آن در آویخته . و هر کس در این روز ، روز بدارد ، به شاخه ای از آن چنگ زده است . و هر کس از ستمی که بر او شده در گذرد ، به شاخه ای از آن درخت در آویخته . و هر کس میان زن و شوهری یا فرزند و پدری یا میان زن و مرد خویشاوندی و یا زن و مرد همسایه ای یا میان زن و مرد بیگانه ای صلح دهد ، به شاخه ای از شاخه های درخت طوبی در آویخته است . و هر کس از دین بیچاره ای که به او مدیون است سبک گیرد و به او سخت نگیرد و از آن بگذرد ، به شاخه ای از آن درخت در آویخته است . و هر کس در حساب خود نظر کند و بدهی گذشته دور خود را ببیند که صاحبش از گرفتن آن مایوس شده است و آن را ادا نماید به شاخه ای از آن درخت در آویخته است . و هر کس یتیمی را کفالت و سرپرستی کند ، به شاخه ای از آن درخت در آویخته است . و هر کس سفیهی را از عرض و آبروی مؤمنی باز دارد (که آبروی او را نریزد) به شاخه ای از آن درخت در آویخته است . و هر کس همه قرآن ، یا مقداری از آن را بخواند ، به شاخه ای از شاخه های آن در آویخته است . و هر کس ذکر خدا را بگوید و نعمتهای او را به یاد آورد و او را به خاطر نعمتهایش شکر گزار باشد به شاخه ای از آن درخت در آویخته است . و هر کس از بیماری عیادت کند ، به شاخه ای از آن در آویخته است . و هر کس در این روز به تشییع جنازه ای برود ، به شاخه ای از آن درخت در آویخته است . و هر کس در این روز مصیبت زده ای را آرامش دهد ، به شاخه ای از آن درخت در آویخته است . و هر کس پدر و مادرش را قبل از این روز به خشم آورده باشد و مادرش نیکی رساند ، به شاخه ای از آن درخت در آویخته است . و هر کس پدر و مادرش را قبل از این روز به خشم آورده باشد و در این روز آنان را خوشنود سازد ، به شاخه ای از شاخه های آن درخت در آویخته است و همچنین هر کس که کاری از کارهای خیر را در این روز انجام دهد به شاخه ای از شاخه های درخت طوبی در آویخته است . . . و سوگند به آن که مرا به حق به رسالت مبعوث ساخت ، آنان را که به درخت طوبی در آویخته اند می بینم که چگونه شیاطین برای فریبشان در کمین اند و فرشتگان الهی بر آنان حمله ور می شوند و آنان را به سختی نابود می سازند و طردشان می کنند .

## پی نوشتها

### ۱ تا ۱۵۰

۱- این اصل ارتباطی ، از دیر باز و در رسالت انبیای الهی ، بخصوص رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مد نظر بوده است ، چنانچه حضرتش صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: انا معاشر الانبياء، نكلم الناس على قدر عقولهم ، همانا ما پیامبران ، مناسب با فهم مردم با آنان سخن می گویم (الكافی : ۸/۲۶۸/۳۹۴) . ۲- معیارهای خوشبختی و زندگی طیب ، در روایات معصومین علیهم السلام با واژه هایی چون فلاح ، سعادت ، نجات ، فوز و طوبی بیان شده است و ما در بخش دوم کتاب ، تنها به واژه طوبی تمسک جسته ایم . سعی ما بر این است که طوبی را بعنوان کلیدی برای معرفی معیارهای خوشبختی مطرح کنیم ؛ بدین منظور، به واژه های

دیگر نپرداخته ایم، علاوه بر آن که در معجمهای لفظی و موضوعی، همچون کتاب شریف میران الحکمه، به آن موارد پرداخته شده است. ۳- برای تشخیص کتابهای شیعی و سنی، می‌توانید به قسمت منابع و مآخذ رجوع کنید. ۴- در واقع باید گفت، هیچ انسانی منکر سعادت نیست، حتی کسانی که دنیا را جز شر و بدبختی نمی‌دانند و خودکشی را انتخاب می‌کنند. چرا که اینگونه افراد نیز خوشبختی و خوشی خود را - به معنای عام - در کشتن خویش می‌دانند. ۵- سوره بقره: آیه ۱۸۹. ۶- سوره رعد: آیه ۲۹. ۷- غررالحکم: ۴/۲۴۰/۵۹۴۸. ۸- سوره بقره: آیه ۲۱۶. ۹- نقدی بر مارکسیسم: ۲۷۸. ۱۰- با توجه به واژه طوبی برای هر کدام از این اسباب روایاتی در بخش دوم کتاب نقل شده است. ۱۱- مقالات فلسفی: ۲/۸۰. ۱۲- نهج البلاغه: حکمت ۲۸۶؛ غررالحکم: ۶/۸۴/۹۶۱۶، بحار الانوار ۶۳/۲۷/۳۲ به نقل از نهج البلاغه. ۱۳- سوره انسان: آیه ۳. ۱۴- طوبی در شعر فارسی و اشعار حافظ با عنوان، مشبه به و رقیب قد و بالایی معشوق مطرح می‌شود و یا مستقل و بعنوان همان درخت سایه گستر: تو و طوبی و ما و قامت یار فکر هر کس به قدر همت اوست طوبی ز قامت تو نیارد که دم زند زین قصه بگذرم که سخن می‌شود بلند سایه طوبی و دلجویی حور و لب حوض به هوای سر کوی تو برفت از یادم باغ بهشت و سایه طوبی و قصر حور با خاک کوی دوست برابر نمی‌کنم (حافظ) ۱۵- معجم مقاییس ۳/۴۳۰؛ طوب الطاء و الواو و الباء لیس باصل، لان الطوب فیما احسب هذا الذی یسمى الآجر و ما اعظن العرب تعرفه. و اما طوبی فلیس من هذا و اءصله الیاء، کانهما فعلی من الطیب فقلبت الیاء واوا لضمه. ۱۶- مجمع البحرین: ۳/۷۹؛ طیب قوله تعالی (طوبی لهم و حسن مآب) ای: طیب العیش... و وزنها فعلی بالضم من الطیب قلبت یاؤه واوا لضمه ما قبلها، مصدر لطاب کبشری و زلفی و یقال: طوبی لک و طوباک بالاضافه. ۱۷- فرهنگ معین: ۲/۲۲۳۸؛ طوبی، مؤنث اظیب، پاکیزه تر، نیکو، خیر، سعادت، بهشت، درخت بهشت. ۱۸- مجموعه احادیث ویل نیز بزودی در اختیار دوستاناران حدیث قرار خواهد گرفت. ان شاء الله. ۱۹- تفسیر التبیان: ۶/۲۵۰. ۲۰- تفسیر المیزان: ۱۱/۳۵۷. ۲۱- رجوع کنید بعنوان شجره طوبی در بخش سوم کتاب. ۲۲- بعنوان مثال رجوع کنید به روایات شماره: ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ از همین کتاب. ۲۳- تفسیر المیزان: ۱۱/۳۶۹. ۲۴- بیشترین مواردی که واژه طوبی به درخت بهشتی تفسیر شده، مربوط به احادیث اعتقادی است. ۲۵- مرحوم علامه طباطبایی رحمه الله و شاگرد ایشان استاد شهید مطهری رحمه الله نیز طوبی را به معنای سعادت و خوشبختی معرفی کرده اند، همان گونه که در صفحات بعد ملاحظه خواهید نمود. ۲۶- سوره رعد، ۲۷ - ۲۹. ۲۷- حکمتها و اندرزها: ۴۱. ۲۸- سوره نحل: آیه ۹۷. هر کس عمل صالح انجام دهد، چه مرد و زن در حالی که با ایمان باشد، ما او را به زندگی پاک، زنده می‌داریم، و مزدشان را بهتر از آنچه که می‌کردند پاداش می‌دهیم. ۲۹- سوره طه: آیه ۱۲۴. و کسی که از یاد من اعراض کند زندگی سخت و ناگواری خواهد داشت، روز قیامت هم او را کور محسور می‌کنیم. ۳۰- تفسیر المیزان: ۱۱/۳۵۶. ۳۱- سوره رعد: آیه ۲۸ - ۲۹. ۳۲- الفردوس بماء ثور الخطاب: ۲/۴۴۸/۳۹۳۵. ۳۳- مهج الدعوات: ۲۲۹، بحار الانوار: ۴/۴۰۰/۹۴ به نقل از مهج الدعوات در هر دو کتاب از امام کاظم از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم. ۳۴- دعای جوشن کبیر، دعایی است که هزار نام از اسماء الله در آن ذکر شده اتس. این دعا در مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی نقل شده است. ۳۵- بحار الانوار: ۹۵/۴۵۷. ۳۶- غررالحکم: ۴/۲۴۵/۵۹۶۸. ۳۷- غررالحکم: ۴/۲۴۶/۵۹۷۴. ۳۸- مناقب الامام امیر المؤمنین علیه السلام للکوفی: ۲/۱۸۰/۶۵۷ و ص ۱۶۸/۶۴۷. ۳۹- حضرهم شفاعه: ای شفاعته حاضره مهیاء لکل من یتحقها (مرآة العقول ۲۵/۳۳۳). ۴۰- الکافی: ۸/۱۳۹/۱۰۳، بحار الانوار: ۱۴/۲۹۷/۱۴ به نقل از الکافی. ۴۱- جلیه الرجال: اختلاط الاصوات (مجمع البحرین: ۲/۲۵). ۴۲- کلاءه: حفظه (مجمع البحرین: ۱/۳۶۰. ۴۳- کمال الدین: ۱۷۶/۳۲، اءمالی الصدوق: ۲/۲۱۸، روضه الواعظین: ۷۶، بحار الانوار: ۱۵/۲۵۶/۸ به نقل از کمال الدین. ۴۴- اقبال الاءعمال: ۲/۳۴۰، بحار الانوار: ۲۱/۳۱۷ به نقل از اقبال الاءعمال و رجوع کنید به الاختصاص: ۱۱۳. ۴۵- الخصال: ۳۴۲/۶، بحار الانوار: ۲۲/۳۰۵/۱ به نقل از الخصال، مسند ابن حنبل: ۴/۳۱۰/۱۲۵۷۹. صحیح ابن حبان: ۱۶/۲۱۳/۷۲۳۰، مسند اءبی یعلی: ۲/۱۲۹/۱۳۶۹، تاریخ بغداد: ۴/۹۱. ۴۶- المعجم الکبیر: ۱/۲۱۲/۵۷۶، مسند ابن حنبل: ۶/۱۳۶/۱۷۳۹۳ بدون ذکر اولئك منا و



اولئك معنا، كثرالعمال : ۱۴/۱۳۶/۳۷۸۹۸ به نقل از ابو نعیم . ۴۷-مائة منقبة : ۱۰۸/۵۳ . ۴۸-مختصر بصائر الدرجات : ۱۰۴ . ۴۹-مائة منقبة : ۱۳۳/۷۹ ، بحار الانوار ۲۷/۱۱۷/۹۷ به نقل از دفتان النواصب . ۵۰-الاصول السنة عشر : ۱۳۱ . ۵۱-الغبط حسد خاص ، يقال : غبطت الرجل اغبطه غبطا: اذا اشتهيت ان يكون لك مثل ما له و ان يدوم عليه ما هو فيه (النهاية : ۳/۳۳۹) . ۵۲-تفسير فرات الكوفي : ۵۸۶/۷۵۶ ، بحار الانوار : ۳۶/۱۴۶/۱۱۷ به نقل از تفسير فرات الكوفي در هر دو كتاب به نقل از امام باقر عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم . ۵۳-التفسير المنسوب الى الامام العسكري عليه السلام : ۶۱۶/۳۶۱ ، بحار الانوار : ۶۸/۳۷/۷۹ به نقل از التفسير المنسوب ... در هر دو كتاب به نقل از امام سجاد عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم . ۵۴-امالى الطوسى : ۶۱۰/۱۲۶۱ ، بحار الانوار : ۱۵/۱۹/۳۰ به نقل از امالى الطوسى در هر دو كتاب به نقل از امام سجاد از پدران عليهم السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم . ۵۵-سورة معارج : آية ۱ - ۲ . ۵۶-جامع الاءخبار : ۴۹/۵۳ ، بحار الانوار : ۳۷/۱۶۷/۴۲ به نقل از جامع الاخبار . ۵۷-واقعه غدیر خم که در هجدهم ذی الحجة سال دهم هجرى قمرى واقع شده است ، در برنامه کامپیوترى اءبو ثمامه - که تاریخهای قمرى را به شمسى و میلادى تبدیل مى کند - مطابق با ۲۸ اسفند سال دهم هجرى شمسى است ، لذا با احتساب اندكى جابجایی در تاریخ ایام ، امکان وقوع این واقعه در نوروز زیاد مى باشد . ۵۸-عوالى اللالى : ۳/۴۱/۱۱۶ ، بحار الانوار ۵۹/۱۱۹ به نقل از المهذب البارع . ۵۹-بحار الانوار : ۱۰۰/۳۴۵/۳۲ به نقل از المزار الكبير . ۶۰-الاختصاص : ۱۱۳ . ۶۱-معانى الاءخبار : ۶۲/۱۰ ، علل الشرائع : ۱۳۶/۴ . ۶۲-السراج : فى الاءصل المصباح و ربما يستعار لغيره (مجمع البحرين : ۲/۳۰۹) . ۶۳-ارشاد القلوب : ۱۶۶ . ۶۴-بحار الانوار : ۳۶/۲۲۵/۲۲ به نقل از مقتضب الاءثر . ۶۵-معانى الاءخبار : ۱/۱۱۶ ، علل الشرائع : ۶/۱۶۵ ، تفسير القمى : ۲/۳۲۵ ، بحار الانوار : ۷/۳۲۷/۲ به نقل از تفسير القمى با كمى اختلاف . ۶۶-العدة الوعد و يجمع على عدات (لسان العرب : ۳/۴۶۲) . ۶۷-بشارة المصطفى : ۱۶۳ ، بحار الانوار ۳۹/۲۱۶/۷ به نقل از بشارة المصطفى در هر دو كتاب به نقل از امام رضا از پدران عليهم السلام از على عليه السلام . ۶۸-تفسير الفرات للكوفى . ۲۱۶/۲۸۸ به نقل از امام على عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم . ۶۹-امالى الطوسى : ۵۰/۱۰۹۵ ، بحار الانوار ۲۵/۱۱۱/۷۶ به نقل از امالى الطوسى در هر دو كتاب به نقل از امام صادق (ع) از رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم . ۷۰-النسل : الولد (مجمع البحرين ۵/۴۸۳) . ۷۱-اقبال الاءعمال : ۲/۳۴۰ ، بحار الانوار : ۲۱/۳۱۷ به نقل از اقبال الاءعمال . ۷۲-كفاية الاءثر : ۱۳ ، فرائد السمطين : ۲/۱۳۴/۴۳۰ ، بحار الانوار : ۳۶/۲۸۴/۱۰۶ به نقل از كفاية الاءثر . ۷۳-الخصال : ۵۱۵/۱ ، روضة الواعظين : ۲۹۸ ، مشكاة الانوار ۸۱ ، بحار الانوار : ۲۷/۷۸/۱۲ به نقل از الخصال . ۷۴-مثن الشىء فى الماء: اءذبته فانما هو فيه انميئا (مجمع البحرين : ۲/۲۶۵) . ۷۵-كتاب سليم بن قيس : ۲/۳۸۰/۴۰ ، بحار الانوار : ۳۹/۳۵۲/۲۶ به نقل از كتاب سليم بن قيس بدون ذكر ليكون الايمان فى قلبه .... ۷۶-سورة بقره : آية ۳ . ۷۷-سورة مجادلة : آية ۲۲ . ۷۸-كفاية الاءثر : ۶۰ ، بحار الانوار ۳۶/۳۰۶/۱۴۴ به نقل از كفاية الاءثر) . ۷۹-كمال الدين : ۲۶۸/۱۱ ، عيون اخبار الرضا عليه السلام : ۱/۶۳/۲۹ ، اعلام الورى : ۳۸۱ ، بحار الانوار : ۳۶/۲۰۸/۸ به نقل از كمال الدين ، در تمام كتابها به نقل از امام جواد از پدران عليهم السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم . ۸۰-كفاية الاءثر : ۱۱۰ ، بحار الانوار : ۳۶/۳۲۲/۱۷۸ به نقل از كفاية الاءثر . ۸۱-تاءويل الآيات الظاهرة : ۲/۷۵۲ . ۸۲-كفاية الاءثر : ۱۳ ، فرائد السمطين : ۲/۱۳۴/۴۳۰ ، بحار الاءنوار : ۳۶/۲۸۵/۱۰۶ به نقل از كفاية الاءثر . ۸۳-الكافى . ۸/۱۶۹/۹۰ به نقل از امام باقر عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم ، تحف العقول : ۳۰ ، بحار الانوار ۷۶/۱۳۱/۴۲ به نقل از الكافى . ۸۴-امالى المفيد : ۱۱۰/۹ ، بحار الانوار : ۲۳/۱۴۲/۹۳ به نقل از امالى المفيد در هر دو كتاب به نقل از امام رضا از پدران عليهم السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم . ۸۵-التفسير المنسوب الى الامام العسكري عليه السلام : ۳۳۰/۱۹۲ ، بحار الانوار ۲۳/۲۵۹/۸ به نقل از التفسير المنسوب .... ۸۶-شرح الاخبار : ۳/۴۸۹/۱۴۱۶ . ۸۷-كمال الدين : ۳۳۰/۱ ، بحار الانوار ۵۲/۱۴۵/۶۶ به نقل از كمال الدين . ۸۸-شرح الاخبار : ۳/۴۸۸/۱۴۱۴ . ۸۹-كمال الدين : ۳۵۸/۵۵ ، معانى الاخبار : ۱/۱۱۲ ، بحار الانوار : ۵۲/۱۲۳/۶ به نقل از كمال الدين . ۹۰-كمال الدين : ۳۶۱/۵ ، كفاية الاءثر : ۲۶۵ ، اعلام الورى : ۴۳۳ ، بحار الانوار : ۵۱/۱۵۱/۶



به نقل از کمال الدین . ۹۱- کمال الدین : ۲۸۷/۱ ، الغیبة للطوسی : ۴۵۶/۴۶۶ ، الخرائج و الجرائح : ۳/۱۱۴۸ ، بحار الانوار : ۵۲/۱۲۹/۲۵

به نقل از الغیبة للطوسی در تمام کتابها با کمی اختلاف . ۹۲- الغیبة للنعمانی : ۱۸۶/۳۷ ، بحار الانوار : ۵۱/۱۵۷/۳ به نقل از الغیبة للنعمانی . ۹۳- امالی الصدوق : ۱۲۰/۳ ، بحار الانوار : ۴۴/۲۲۵/۵ به نقل از امالی الصدوق در هر دو کتاب به نقل از امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم . ۹۴- خصائص الائمة عليهم السلام : ۴۷ ، کامل الزیارات : ۲۶۹ ، قرب الاسناد : ۲۶/۸۷ ، بحار الانوار : ۱۰۱/۱۱۶/۴۴ به نقل از کامل الزیارات در هر دو کتاب به نقل از امام صادق از پدراننش عليهم السلام . ۹۵- امالی الطوسی : ۳۱۴/۶۳۸ ، کامل الزیارات : ۵۹/۱ و ص ۶۰/۵ ، بشارة المصطفی : ۲۱۴ ، بحار الانوار : ۴۴/۲۳۵/۲۲ به نقل از کامل الزیارات . ۹۶- کمال الدین : ۳۵۷/۵۴ ، بحار الانوار : ۵۲/۱۵۰/۷۶ به نقل از کمال الدین . ۹۷- مصباح الزائر : ۴۳۸ ، بحار الانوار : ۱۰۲/۹۹/۲ به نقل از مصباح الزائر . ۹۸- سوره بقره : آیه ۳ . ۹۹- سوره مجادله : آیه ۲۲ . ۱۰۰- کفایة الاءثر : ۶۰ ، بحار الانوار : ۳۶/۳۰۶/۱۴۴ به نقل از کفایة الاءثر . ۱۰۱- الکافی ، ۱۰۲- الغیبة للنعمانی : ۲۵۵/۱۳ و ص ۲۳۵/۲۲ ، مختصر بصائر الدرجات : ۲۱۳ ، بحار الانوار : ۵۲/۲۳۱/۹۶ به نقل از الغیبة للنعمانی . ۱۰۳- سوره تکویر : آیه ۱۵ - ۱۶ . ۱۰۴- کمال الدین : ۲۳۰/۱۴ ، بحار الانوار : ۵۱/۱۳۷/۴ به نقل از کمال الدین . ۱۰۵- کمال الدین : ۳۳۵/۵ ، بحار الانوار : ۵۲/۱۲۹/۲۴ به نقل از کمال الدین . ۱۰۶- مناقب الامام امیر المؤمنین علیه السلام للكوفی : ۲/۲۹۲/۷۶۳ . ۱۰۷- کامل الزیارات : ۱۵۳/۴ و ص ۲۰۷/۵ ، بحار الانوار : ۱۰۱/۶۷/۵۸ به نقل از کامل الزیارات . ۱۰۸- اقبال الاءعمال : ۳/۳۳۹ ، بحار الانوار : ۱۱/۵۸/۶۱ به نقل از اقبال الاءعمال . ۱۰۹- تحف العقول : ۳۰۱ ، بحار الانوار : ۷۸/۲۸۰/۱ به نقل از تحف العقول . ۱۱۰- الکافی : ۸/۱۳۶/۱۰۳ ، تحف العقول : ۴۹۸ ، بحار الانوار : ۱۴/۲۹۳/۱۴ به نقل از الکافی . ۱۱۱- المنی : جمع المنیة و هو ما یتمناه الانسان و یشتهیه و یقدر حصوله (مجمع البحرین : ۱/۴۰۱) . ۱۱۲- غررالحکم : ۴/۲۴۲/۵۹۵۸ . ۱۱۳- اءدلج ادلاج : سار اللیل کله ، وربما اطلق الادلاج علی العبادۃ فی اللیل توسعا (مجمع البحرین : ۲/۳۰۱) . ۱۱۴- الکافی : ۸/۴۷/۸ ، تحف العقول : ۴۹۴ ، بحار الانوار : ۱۳/۳۳۶/۱۳ به نقل از تحف العقول . ۱۱۵- غررالحکم : ۴/۲۴۷/۵۹۷۷ . ۱۱۶- شرح نهج البلاغۃ لابن ابی الحدید : ۲۰/۲۵۷/۱۶ . ۱۱۷- کفاف ، آن مقدار از روزی و قوت است که انسان را بس باشد (فرهنگ معین) . ۱۱۸- غررالحکم : ۴/۲۴۱/۵۹۵۵ . ۱۱۹- المعجم الکبیر : ۴/۵۶/۳۶۱۸ ، نهج البلاغۃ : حکمت : ۴۴ ، روضۃ الواعظین : ۴۹۷ ، مشکاة الانوار : ۱۲۷ ، بحار الانوار : ۳۲/۵۵۳/۴۶۲ به نقل از کتاب صفین در تمام کتابها با کمی اختلاف . ۱۲۰- المهمل : التؤدۃ و التباطؤ (النهاية : ۵/۳۷۵) . ۱۲۱- غررالحکم : ۴/۲۴۴/۵۹۷۵ . ۱۲۲- غررالحکم : ۴/۲۴۴/۵۹۶۵ . ۱۲۳- مصباح الشریعۃ : ۴۵۷ ، بحار الانوار : ۶/۱۳۳/۳۲ به نقل از مصباح الشریعۃ در هر دو کتاب به نقل از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم . ۱۲۴- العنصر : الاءصل و النسب (مجمع البحرین : ۳/۴۰۸) . ۱۲۵- بحار الانوار : ۹۵/۴۶۸ . ۱۲۶- الصحیفة السجادیۃ الجامعۃ : ۵۹۶ ، دعای ۲۵۷ . ۱۲۷- مقام محمود ، مقام شفاعت کبری برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز قیامت است و بر این تفسیر روایات شیعه و سنی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار عليهم السلام اتفاق دارند. (تفسیر المیزان : ۱۳/۱۷۶) . ۱۲۸- سوره اسراء ، آیه ۷۹ . ۱۲۹- التوحید : ۲۶۱/۵ ، الاحتجاج : ۱/۵۶۷/۱۳۷ ، بحار الانوار : ۷/۱۱۹/۶ به نقل از التوحید . ۱۳۰- النوادر للراوندی : ۶ مستدرک الوسائل : ۹/۱۵۰/۱۰۵۲۲ به نقل از النوادر للراوندی . ۱۳۱- سوره توبه : آیه ۷۲ . ۱۳۲- تفسیر مجمع البیان : ۵/۷۷ ، بحار الانوار : ۸/۸۵ به نقل از تفسیر مجمع البیان ، تفسیر جامع البیان (تفسیر الطبری) : ۶/۱۸۰ . ۱۳۳- سنن الترمذی : ۴/۶۹۴/۲۵۶۴ ، مسند ابن حنبل : ۱/۳۲۹/۱۳۴۲ در هر دو کتاب به نقل از امام علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، تفسیر القمی : ۲/۸۲ ، بحار الانوار : ۸/۱۲۰/۱۱ به نقل از تفسیر القمی . ۱۳۴- اللب - کحمل - ما یعمل من الطین و ینی به ، الواحدۃ : لبنة (مجمع البحرین : ۶/۳۰۶) . ۱۳۵- الحصباء : صغار الحصى (مجمع البحرین : ۲/۴۳) . ۱۳۶- المعجم الاءوسط : ۴/۹۹/۳۷۰۱ . ۱۳۷- کنز العمال : ۱۰/۲۴۸/۲۳۳۲۹ به نقل از الفردوس بماء ثور الخطاب و لیکن در نسخه موجود الفردوس بماء ثور الخطاب یافت نشد . ۱۳۸- بحار الانوار : ۹۵/۴۶۷ . ۱۳۹- سوره رعد : آیه ۲۹ - ۲۷ . ۱۴۰- اختیار معرفۃ الرجال (رجال الکشی) : ۱/۲۱۲ در حاشیه کتاب . ۱۴۱-

غررالحکم : ۴/۲۳۹/۵۹۴۲ . ۱۴۲- من لا يحضره الفقيه : ۴/۴۰۵/۵۸۷۶ ، الخصال : ۹۸/۴۷ ، ثواب الاعمال : ۲۱۲/۱ ، اءمالی الصدوق : ۳۲/۲ ، تحف العقول : ۲۰۵ ، المحاسن : ۱/۶۵/۱۰ ، بحار الانوار : ۷۱/۲۷۵/۲ به نقل از اءمالی الصدوق در تمام کتابها به نقل از امام باقر از امام علی علیه السلام . ۱۴۳- الحلق : جمع الحلقه و هی الجماعه من الناس مستديره (مجمع البحرين : ۵/۱۵۱) . ۱۴۴- الکافی : ۲/۱۶/۳ ، بحار الانوار : ۷۰/۲۲۹/۵ به نقل از الکافی در هر دو کتاب به نقل از امام رضا علیه السلام . ۱۴۵- اقبال الاعمال : ۳/۱۷۴ ، بحار الانوار : ۹۸/۳۷۷/۱ به نقل از اقبال الاعمال . ۱۴۶- المعجم الکبیر : ۲/۷۸/۱۴۳ ، کنز العمال ۲/۲۴۳/۳۹۳۱ به نقل از اءمالی ابن الصری ، مستدرک الوسائل : ۱۱/۲۴۳/۱۲۲۹۲ به نقل از لب اللباب للراوندی . ۱۴۷- بحار الانوار : ۹۵/۴۵۸ . ۱۴۸- ثواب الاعمال : ۵/۲ ، التوحید : ۲۱/۱۱ ، بحار الانوار : ۹۳/۲۰۶/۴ به نقل از التوحید و رجوع کنید به المحاسن : ۱/۹۹/۶۸ در تمام کتابها به نقل از امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم . ۱۴۹- مصباح المتهدد : ۴۲۰/۵۴۰ ، جمال الاسبوع : ۱۰۹ ، بحار الانوار : ۹۰/۳۲۸/۴۳ به نقل از مصباح المتهدد و جمال الاسبوع . ۱۵۰- المعجم الاءوسط : ۷/۲۱۴/۷۳۰۸ ، کنز العمال : ۲/۲۸۸/۴۰۲۵ به نقل از المعجم الاءوسط .

### ۱۵۱ تا ۳۰۰

۱۵۱- فرائض ، در روایات به معنی دستورات الهی واجب و سهمیه ارث آورده می شود که در این روایات ، معنای اول مورد نظر است . ۱۵۲- الفردوس بماء ثور الخطاب : ۲/۴۴۸/۳۹۳۲ ، الجامع الصغیر : ۲/۱۳۸/۵۳۱۱ ، به نقل از الفردوس بماء ثور الخطاب . ۱۵۳- جامع الاءخبار : ۱۱۴/۱۹۷ ، بحار الانوار : ۹۲/۱۹/۱۸ به نقل از جامع الاءخبار . ۱۵۴- حاملان قرآن ، کسانی را گویند که با قرآن انس و الفت دارند ، یعنی قرآن در جانشان رسوخ نموده است . مصادیق آنها را با استفاده از روایات دیگر ، قاریان ، حافظان و تعلیم دهندگان قرآن می توان دانست . ۱۵۵- المجتبی : ۸۹ ، بحار الانوار : ۹۲/۳۶۱/۲۴ به نقل از المجتبی . ۱۵۶- سنن الدارمی : ۲/۹۱۳/۳۲۹۰ ، المعجم الاءوسط : ۵/۱۳۳/۴۸۷۶ ، شعب الایمان : ۲/۴۷۷/۲۴۵۰ ، کنز العمال : ۱/۵۸۸/۲۶۸۱ به نقل از سنن الدارمی ، تفسیر مجمع البیان : ۷/۳ ، مستدرک الوسائل : ۴/۳۴۴/۴۸۵۴ به نقل از تفسیر مجمع البیان . ۱۵۷- الدر المنثور : ۲/۲۰۳ به نقل از الزهد لابن حنبل ، البدایه و النهایه : ۲/۸۹ با کمی اختلاف . ۱۵۸- اءجابه بجواب اجابه ، و جواب الکلام : رديده و الجمع اءجوبه و النهایه : ۲/۸۹ با کمی اختلاف . ۱۵۹- ثواب الاعمال : ۴۷/۲ ، مکارم الاخلاق : ۲/۶۰/۲۱۴۶ ، المحاسن : ۱/۱۱۹/۱۲۴ ، عوالی اللالی : ۱/۳۵۱/۵ ، بحار الانوار : ۸۴/۱۴/۹۲ به نقل از ثواب الاعمال . ۱۶۰- اللوایه : العلم الکبیر ، واللواء دون ذلک ، و العرب تضع اللواء موضع الشهرة (مجمع البحرين : ۶/۳۸۱) . ۱۶۱- اءمالی الطوسی : ۵۲۹/۱۱۶۲ ، مکارم الاخلاق : ۲/۳۶۶/۳۶۶۱ ، بحار الانوار : ۸۳/۳۶۹/۳۰ به نقل از اءمالی الطوسی . ۱۶۲- مستدرک الوسائل : ۱/۲۹۸/۶۶۹ به نقل از الهدایه للصدوق ، من لا يحضره الفقيه : ۱۱/۲۳۹/۷۲۰ ثواب الاعمال : ۴۵/۱ ، علل الشرائع : ۳۱۸/۲ بدون ذکر الا بشر المشائین ... در تمام کتابها به نقل از امام صادق علیه السلام . ۱۶۳- بحار الانوار : ۹۶/۳۴۴/۷ ، مستدرک الوسائل : ۷/۴۲۰/۸۵۸۴ در هر دو کتاب به نقل از نوادر الراوندی و لیکن در نسخه موجود نوادر یافت نشد . ۱۶۴- نام فرشتگان هفتگانه خداوند عبارتند از : جبرئیل ، میکائیل ، اسرافیل ، کوکیائیل ، شمشائیل ، اسماعیل و دردائیل . ۱۶۵- نهج البلاغه ، نامه ۴۵ ، بحار الانوار : ۳۳/۴۷۶/۶۸۶ الکرى النوم (النهایه : ۴/۱۷۰) . ۱۶۶- تحف العقول : ۵۱۰ ، بحار الانوار : ۱۴/۳۱۰/۱۷ به نقل از تحف العقول . ۱۶۷- التهجد و قیام اللیل لابن اءبى الدنیا : ۱۱۱/۲۲۶ . ۱۶۸- بحار الانوار : ۹۵/۴۶۷ . ۱۶۹- الدعوات للراوندی : ۲۰۷/۵۶۱ ، بحار الانوار : ۹۷/۴/۵ به نقل از الدعوات . ۱۷۰- بحار الانوار : ۹۶/۳۴۵/۹ ، مستدرک الوسائل : ۷/۴۲۲/۸۵۸۶ در هر دو کتاب به نقل از نوادر الراوندی و لیکن در نسخه موجود نوادر یافت نشد . ۱۷۱- الجنة : السترة ... اءى يتستر به من دخول النار و المعاصی (مجمع البحرين : ۶/۲۲۹) . ۱۷۲- بحار الانوار : ۹۶/۳۴۴/۷ ، مستدرک الوسائل : ۷/۴۲۱/۸۵۸۴ در هر دو کتاب به نقل از نوار الراوندی و لیکن در نسخه موجود نوادر یافت نشد . ۱۷۳- نصب الرجل : تعب و اءعی (مجمع البحرين : ۲/۱۷۴) .

۱۷۴-امالی الصدوق : ۴۳۲، ثواب الاعمال : ۸۱، فضائل الثلاثة : ۲۸، بحار الانوار: ۹۷/۲۹/۱ به نقل از هر سه کتاب، روضه الواعظین : ۴۳۸. ۱۷۵-بحار الانوار: ۹۷/۶۷/۳، مستدرک الوسائل : ۷/۵۳۷/۸۸۳۵ در هر دو کتاب به نقل از نوادر الراوندی و لیکن در نسخه موجود نوادر یافت نشد. ۱۷۶-علل الشرائع : ۵۶۴/۱، بحار الانوار ۵/۲۸۵/۴ به نقل از علل الشرائع . ۱۷۷-المستدرک علی الصحیحین : ۴/۱۷۰/۷۲۵۷، المعجم الکبیر: ۲۰/۱۹۸/۴۴۷، الاعدیب المفرد للبخاری : ۲۰/۲۲، کنز العمال : ۱۶/۴۶۸/۴۵۴۸۳ به نقل از مستدرک علی الصحیحین . ۱۷۸-عیون اخبار الرضا علیه السلام : ۲/۱۱/۲۴، بحار الانوار: ۱۸/۳۵۲/۶۲ به نقل از عیون اخبار الرضا علیه السلام در هر دو کتاب به نقل از امام جواد از پدرانیش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم . ۱۷۹-عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۲/۱۱/۲۴، بحار الانوار: ۱۸/۲۵۲/۶۲ به نقل از عیون اخبار الرضا علیه السلام، در هر دو کتاب به نقل از امام جواد از پدرانیش از رسول خدا صلی الله علیه و آله . ۱۸۰-الاختصاص ، ۳۳۹، بحار الانوار: ۱۳/۴۲۹/۲۳ به نقل از الاختصاص . ۱۸۱-تحف العقول : ۳۰، امالی الطوسی : ۵۳۹/۱۱۶۲ و در آن اهل الفقرا به جای اهل العفة ذکر شده است، تفسیر القمی : ۲/۷۰، بحار الانوار: ۷۵/۱۱۹/۴، المعجم الکبیر: ۵/۷۱/۴۶۱۵. ۱۸۲-بحار الانوار: ۱/۲۰۵/۳۱ به نقل از کنز الفوائد للکراچکی . ۱۸۳-عک : البعیر جنبه بمرفقه : اذا دلکه فاء ثر فیه (مجمع البحرین : ۵/۲۸۲). ۱۸۴-البؤس : الضر و الشدة (مجمع البحرین : ۴/۵۰). ۱۸۵-الغمض : النوم (لسان العرب : ۷/۱۹۹). ۱۸۶-الکری : النوم (النهاية : ۴/۱۷۰). ۱۸۷-قشعت الريح السحاب : کشفته (مجمع البحرین : ۴/۳۷۹). ۱۸۸-سوره مجادله : آیه ۲۲. ۱۸۹-نهج البلاغه : نامه ۴۵، بحار الانوار: ۳۳/۴۷۶/۶۸۶ به نقل از نهج البلاغه . ۱۹۰-مجمع الزوائد: ۱۰/۳۹۵/۱۷۷۰۰ به نقل از مسند البزار. ۱۹۱-الکافی : ۸ / ۱۶۹ / ۱۹۰، بحار الانوار: ۷۷/۱۳۲/۴۲ به نقل از کافی، در هر دو کتاب به نقل از امام باقر (ع) از رسول خدا صلی الله علیه و آله، تحف العقول : ۳۰. ۱۹۲-تحف العقول : ۳۹۳ و ۵۰۱ به نقل از عیسی علیه السلام، بحار الانوار: ۱/۱۴۷/۳۰ و ۱۴/۳۰۴/۱۷ به نقل از تحف العقول، ۱۹۳-کنز الفوائد: ۱/۳۸۰، تفسیر القمی : ۲/۷۰ و در آن خالط بجای رحم ذکر شده، امالی الطوسی : ۵۳۹/۱۱۶۲، بحار الانوار: ۱/۲۰۵/۳۱ به نقل از کنز الفوائد، السنن الکبری : ۴/۳۰۶/۷۷۸۳. المعجم الکبیر: ۵/۷۱/۴۶۱۵ در تمام کتابها با کمی اختلاف . ۱۹۴-الضریک : الفقیر السیء الحال، و قیل الهزیل (النهاية : ۳/۸۶). ۱۹۵-الصعلوک : الفقیر الذی لا مال له (مجمع البحرین : ۵/۲۷۹). ۱۹۶-نولته : اعطيته نوالا، و النوال : العطاء (مجمع البحرین : ۵/۴۸۸). ۱۹۷-بحار الانوار: ۹۵/۴۶۹. ۱۹۸-الفردوس بماء ثور الخطاب : ۴/۳۹۹/۷۱۵۶. ۱۹۹-غررالحکم : ۴/۲۴۱/۵۹۵۵. ۲۰۰-المقنعة : ۳۷۴ به نقل از امام صادق از پدرانیش علیهما السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، بحار الانوار ۷۵/۴۶۲ ذیل حدیث ۱۷ نقل از الامامة و التبصرة و لیکن در نسخه موجود الامامة و التبصرة یافت نشد. ۲۰۱-تحف العقول : ۱۷، بحار الانوار: ۱/۱۱۸/۱۱ به نقل از تحف العقول؛ الصفح : العفو و التجاوز: (مجمع البحرین : ۲/۳۸۶). ۲۰۲-تعبیر سيعود غریبا در این روایات می تواند اشاره به دو معنا باشد؛ یا منظور زمان پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، که اسلام از مسیر اصلی خود فاصله گرفت و آن ۷۳ فرقه به وجود آمد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فقط یک فرقه را نجات یافته دانست - و با استفاده از احادیث واقعه غدیر و... آن فرقه، شیعه علی علیه السلام هستند - که البته آنان غریب و تنهاند، و یا اشاره به آخر الزمان دارد، که نگهداری دین در آن هنگام دشوارتر از نگاه داشتن آتش بر کف دست است، این چنین افرادی نیز تنها و غریب می باشند. البته با استفاده از سيعود احتمال اول قوی تر است . ۲۰۳-کمال الدین : ۱/۶۶، صحیح مسلم : ۱/۱۳۰/۲۳۲، سنن ابن ماجه : ۲/۱۳۲۰/۳۹۸۷ در دو کتاب اخیر فقط کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ذکر شده است . ۲۰۴-مسند ابن حنبل : ۶/۵۹۱/۶۶۶۱، المعجم الاءوسط: ۹/۱۴/۸۹۸۴، کنز العمال : ۳/۱۵۴/۵۹۳۸ به نقل از مسند ابن حنبل . ۲۰۵-ماز الشیء : جاء و ذهب (النهاية : ۴/۳۷۱). ۲۰۶-کنز العمال : ۳/۸۸۳/۹۰۲۵ به نقل از دیلمی و تاریخ ابن عساکر، المعجم الکبیر: ۶/۱۶۴/۵۸۶۷؛ المعجم الاءوسط: ۵/۱۴۹/۴۹۱۵، الجعفریات : ۱۹۲، مستدرک الوسائل : ۱۱/۳۲۳/۱۳۱۵۶ به نقل از الجعفریات در دو کتاب اخیر از امام صادق از پدرانیش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و در تمام کتابها تا (اذا فسد الناس ذکر شده است و رجوع کنید به مکارم الاخلاق : ۲/۳۴۵/۲۶۶۰.

۲۰۷- سنن الترمذی : ۵/۱۸/۲۶۳۰، کنز العمال : ۱/۲۳۸/۱۱۹۴ به نقل از سنن الترمذی . ۲۰۸- النزاع : جمع نازع و نزیع - و هو غریب - نزع عن اءهله : بعد و غاب (مجمع البحرین : ۳۹۶/). ۲۰۹- سنن ابن ماجه : ۲/۱۳۲۰/۳۹۸۸، سنن الدارمی : ۲/۷۶۷/۲۶۵۳، مسند ابن حنبل : ۲/۵۶/۳۷۸۴، عوالی اللالی : ۱/۱۰/۲۷. ۲۱۰- سوره مؤ منون : آیه ۱. ۲۱۱- الکافی : ۱/۳۹۱/۵، بشاره المصطفی : ۱۱۹، المحاسن : ۱/۴۲۳/۹۷۰، بحار الانوار : ۲/۲۰۴/۸۴ به نقل از المحاسن . ۲۱۲- شرح نهج البلاغه لابن اءبى الحدید : ۶/۲۳۵. ۲۱۳- النومه : الخامل الذکر الغامض فى الناس (مجمع البحرین : ۶/۱۸۱). ۲۱۴- الزهد للءحسین بن سعید : ۴/۲، التحصین : ۱۸، بحار الانوار : ۷۰/۱۱۰/۱۰ به نقل از الزهد . ۲۱۵- معانى الءخبار : ۳۸۰/۸، مشكاه الءنوار : ۲۱۰، الخصال : ۲۷/۹۸ با كمى اختلاف در ذیل روایت ، بحار الانوار : ۶۹/۲۷۲/۵ به نقل از معانى الءخبار . ۲۱۶- لا يؤ به له : اى لا يحتفل به لءقارته (النهاية : ۱/۱۸). ۲۱۷- البذر : جمع بذور، يقال : بذرت الكلام بين الناس : اءفشيته و فرقته ، و البذر يفشى السر و يظهر ماسمعه (مجمع البحرین : ۳/۲۱۷). ۲۱۸- المذیاع : الذى لا یكتم السر، و جمعه : مذایع (مجمع البحرین : ۳/۳۲۸). ۲۱۹- الکافی : ۲/۲۲۵/۱۲ به نقل از امام صادق از امام على علیه السلام ، بحار الانوار : ۷۸/۷۲/۳۹ به نقل از اءبو نعیم ، المعجم الكبير : ۷/۱۱۰/۹۶۷۱، حلیه الءولیاء : ۱/۷۶، تاریخ دمشق ترجمه الامام على علیه السلام : ۳/۲۰۷/۱۲۶۳ در تمام كتابها با كمى اختلاف . ۲۲۰- تحف العقول : ۵۱۲، بحار الانوار : ۱۴/۳۱۶/۱۷ به نقل از تحف العقول . ۲۲۱- تحف العقول : ۲۱۷، مشكاه الءنوار : ۱۸۰، بحار الانوار : ۷۸/۵۶/۱۱۲ به نقل از تحف العقول . ۲۲۲- اءمالی الطوسى : ۵۳۹/۱۱۶۲، نهج البلاغه : حکمت ۱۲۳، خصائص الءائمة عليهم السلام : ۹۹، بحار الانوار : ۶۹/۳۲۳/۳۷ به نقل از نهج البلاغه در هر سه كتاب به نقل از امام على علیه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم ، مكارم الءءخلاق : ۲/۳۸۱/۲۶۶۱ و رجوع كنید به الكافی : ۸/۱۶۹/۱۹۰، السنن الكبرى : ۴/۳۰۶/۷۷۸۳، المعجم الكبير : ۵/۷۱/۴۶۱۶. ۲۲۳- من لا یحضره الفقیه : ۴/۴۰۵/۵۸۷۶، الخصال : ۹۸/۴۷، ثواب الءعمال : ۲۱۲/۱، اءمالی الصدوق : ۳۲/۲، تحف العقول : ۲۰۵، المحاسن : ۱/۶۵/۱۰، بحار الانوار : ۷۱/۲۷۵/۲ به نقل از اءمالی الصدوق در تمام كتابها به نقل از امام باقر از امام على علیه السلام . ۲۲۴- تحف العقول : ۳۹۳ و ۵۰۱ به نقل از عیسی علیه السلام ، بحار الانوار : ۱/۱۴۷/۳۰ به نقل از تحف العقول . ۲۲۵- الخصال : ۲۹۵/۶۲، الاختصاص : ۲۳۲، بحار الانوار : ۷۰/۱۰۹/۶ به نقل از الخصال در تمام كتابها به نقل از امام صادق از پدراناش از امام على علیه السلام از عیسی علیه السلام ، فقه الرضا علیه السلام : ۳۸۰ به نقل از العالم علیه السلام . ۲۲۶- نهج البلاغه : خطبه ۱۷۶، تفسیر القمى : ۲/۷۱، بحار الانوار : ۶۷/۳۵۰/۵۲ به نقل از نهج البلاغه ، غرر الحکم : ۴/۲۴۸/۵۹۷۸ و رجوع كنید ص ۲۴۰/۵۹۵۰. ۲۲۷- الکافی : ۸/۱۶۹/۱۹۰ به نقل از امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم و رجوع كنید به ارشاد القلوب : ۱۱۷ و تفسیر القمى : ۲/۷۰ و الفردوس بماء ثور الخطاب : ۲/۴۴۷/۳۹۲۹. ۲۲۸- مصباح الشریعة : ۴۵۷، بحار الانوار : ۶/۱۳۳/۳۲ به نقل از مصباح الشریعة در هر دو كتاب به نقل از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم . ۲۲۹- الکافی : ۸/۴۸/۸، بحار الانوار : ۷۷/۳۹/۷ به نقل از الکافی . ۲۳۰- حلیه الءولیاء : ۳/۳۲۱، کنز العمال : ۱۵/۸۲۷/۴۳۲۸۸ به نقل از حلیه الءولیاء. ۲۳۱- نوادر الراوندی : ۱۵، جامع الءاحادیث للقمى : ۸۵، الجعفریات : ۱۸۳، بحار الانوار : ۷۵/۲۹/۱۹ به نقل از نوادر الراوندی در تمام كتابها به نقل از امام صادق از پدراناش عليهم السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم ، نوادر الءصول : ۱/۳۸۴، الفردوس بماء ثور الخطاب : ۲/۳۴۸/۳۵۷۶، کنز العمال : ۱۰/۳۴۸/۲۹۳۲۷. ۲۳۲- شعب الایمان : ۴/۳۹۲/۵۵۱۳، کنز العمال : ۱۶/۲۳۳/۴۴۲۸۱ به نقل از شعب الایمان . ۲۳۳- الکافی : ۲/۱۴۴/۱، الاختصاص : ۲۲۸، بحار الانوار : ۶۹/۴۰۰/۹۴ به نقل از الاختصاص در هر دو كتاب به نقل از امام سجاد علیه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم . ۲۳۴- عزلت به معنای گوشه نشینی و کناره گیری از اجتماع مى باشد. در اسلام گوشه نشینی بطور مطلق پسندیده و ممدوح نیست بلکه کناره گیری از انسانهای شرور و افراد فاسد توصیه شده است ، همانگونه که رسول اکرم صلى الله عليه و آله و سلم مى فرماید: الوحده خیر من قرین السوء تنهایی و گوشه گیری بهتر از همراه بد داشتن است (اءعلام الدین : ۲۹۴). ۲۳۵- مصباح الشریعة : ۱۵۷، بحار الانوار : ۷۰/۱۱۰/۹ به نقل از مصباح الشریعة . ۲۳۶- نهج البلاغه : خطبه ۱۷۶، تفسیر القمى :

۲/۷۱، المحاسن : ۱/۶۳/۵، بحار الانوار: ۷۰/۷/۶ به نقل از المحاسن در هر دو کتاب به نقل از امام صادق از امام علی علیه السلام .

۲۳۷-تحف العقول : ۳۹۳، بحار الانوار: ۱/۱۴۷/۳۰ به نقل از تحف العقول . ۲۳۸-تحف العقول : ۵۰۱، بحار الانوار ۱۷/۳۰۴/۱۴ به نقل از تحف العقول . ۲۳۹-غل یغل : اذ كان ذا صغن و غش و حقد (مجمع البحرين : ۵/۴۳۶) . ۲۴۰-غررالحکم : ۴/۲۳۹/۵۹۴۱ .

۲۴۱-تحف العقول : ۵۰۱، بحار الانوار ۱۷/۳۰۴/۱۴ به نقل از تحف العقول . ۲۴۲-تحف العقول : ۱۹، بحار الانوار: ۱۱/۱۱۹/۱ به نقل از تحف العقول . ۲۴۳-غررالحکم : ۴/۲۴۱/۵۹۵۲ . ۲۴۴-غررالحکم : ۴/۲۴۱/۵۹۵۳ . ۲۴۵-غررالحکم : ۴/۲۴۱/۵۹۵۱، الاءبلاس : الحیره (مجمع البحرين : ۴/۵۴) . ۲۴۶-غررالحکم : ۴/۲۴۵/۵۹۷۱ . ۲۴۷-غررالحکم : ۴/۲۴۲/۵۹۵۹ . ۲۴۸-مصباح الشریعة : ۴۴۱، بحار الانوار: ۷۰/۶۹/۱۵ به نقل از مصباح الشریعة . ۲۴۹-شعب الایمان : ۵/۴۶۰/۷۲۸۷، البدایة و النهایة : ۲/۸۹ . ۲۵۰-الاجتناء : اخذك اياه (لسان العرب : ۱۴/۱۵۶) . ۲۵۱-تحف العقول : ۱۷، بحار الانوار: ۱۱/۱۱۸/۱ به نقل از تحف العقول . ۲۵۲-غررالحکم : ۴/۲۳۸/۵۹۳۹ . ۲۵۳-غررالحکم : ۴/۲۴۲/۵۹۵۹ . ۲۵۴-الخصال : ۴۸۳/۵۶، الکافی : ۲/۲۳۹/۳۰، اءمالی الصدوق : ۱۸۳/۷، صفات الشیعة : ۱۲۶/۶۶، بحار الانوار: ۱۱/۲۸۹/۹۷ به نقل از اءمالی الصدوق در تمام کتابها از امام صادق از پدراناش از امام علی علیه السلام و لاءهل الدین بجای لاءهل التقوی ذکر شده است ، تفسیر العیاشی : ۲/۲۱۳/۵۰ در تمام کتابها با کمی اختلاف . ۲۵۵- اءعلام الدین : ۳۴۳، بحار الانوار: ۷۷/۱۸۶ به نقل از اءعلام الدین . ۲۵۶-غررالحکم : ۴/۲۴۴/۵۹۶۷ . ۲۵۷-العمش فی العین : ضعف الرؤیة مع سیلان دمعها فی اءکثر اءوقاتها (مجمع البحرين : ۴/۱۴۳) . ۲۵۸-سوره فتح : آیه ۲۹ . ۲۵۹-سوره حشر: آیه ۹ . ۲۶۰-الکدر: خلاف الصحو (مجمع البحرين : ۳/۴۷۱) . ۲۶۱-النبد: الطرح (مجمع البحرين : ۳/۱۸۸) . ۲۶۲-الوکاء: خیط یشد به السره و الکیس و القربة و نحوها (مجمع البحرين : ۱/۴۵۳) . ۲۶۳-اءصول الستة عشر: ۶ . ۲۶۴-عیون اخبار الرضا علیه السلام : ۲/۵۶/۲۰۶، اءمالی الصدوق : ۳۷۰/۵، بحار الانوار ۱۱/۶۳/۱ به نقل از هر دو کتاب . ۲۶۵-الکافی : ۸/۱۶۹/۱۹۰، بحار الانوار ۴۲/۱۳۲/۷۷ به نقل از الکافی در هر دو کتاب به نقل از امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، تحف العقول : ۳۰ . ۲۶۶-غررالحکم : ۴/۲۴۸/۵۹۷۹ . ۲۶۷-غررالحکم : ۴/۲۳۹/۵۹۴۳ . ۲۶۸-الوجل : الخوف (مجمع البحرين : ۵/۴۹۰) . ۲۶۹-غررالحکم : ۴/۲۴۷/۵۹۷۶ .

۲۷۰-غررالحکم : ۴/۲۳۸/۵۹۳۸ . ۲۷۱-المناقب لابن شهر آشوب : ۴/۶۹ . ۲۷۲-تحف العقول : ۲۷۶، بحار الانوار: ۲/۷۸/۱۳۳ به نقل از تحف العقول . ۲۷۳-الکافی : ۸/۱۶۹/۱۹۰، بحار الانوار: ۴۲/۱۳۲/۷۷ به نقل از الکافی در هر دو کتاب به نقل از امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، تحف العقول : ۳۰ . ۲۷۴-الدثار: الذی فوق الشعار، و الشعار: الثوب الذی یلی الجسد (مجمع البحرين : ۳/۲۹۹) . ۲۷۵-الخصال : ۳۳۷/۴، نهج البلاغة : حکمت ۱۰۴، اءمالی المفید: ۱/۱۳۲، اءمالی الطوسی : ۵۳۲/۱۱۶۲ بدون ذکر علی منهج عیسی بن مریم ، بحار الانوار: ۵۰/۳۱۵، ۱۳ به نقل از مروج الذهب ، شعب الایمان : ۷/۳۷۲/۱۰۶۲۵، تاریخ بغداد: ۷/۱۶۲ . ۲۷۶-الفردوس بماءثور الخطاب : ۵/۳۴۷/۸۳۹۲، کنز العمال : ۳/۷۲۸/۸۵۹۵ به نقل از الفردوس بماءثور الخطاب . ۲۷۷-تنبيه الخواطر: ۲/۱۱۵، بحار الانوار: ۱۴/۳۲۹/۵۹ به نقل از تنبيه الخواطر . ۲۷۸-غررالحکم : ۴/۲۴۶/۵۹۷۳ .

۲۷۹-مسکن الفؤاد: ۹۵، بحار الانوار: ۸۲/۹۱/۴۳ به نقل از مسکن الفؤاد، الفردوس بماءثور الخطاب : ۲/۴۵۱/۳۹۴۵، کنز العمال : ۱۳/۵۲۵/۳۷۳۵۸ به نقل از الفردوس بماءثور الخطاب . ۲۸۰-بحار الانوار: ۱۴/۳۰۴/۱۷ به نقل از تحف العقول ، تحف العقول : ۵۰۱ و در آن یستقون به جای یسبقون ذکر شده است . ۲۸۱-تاریخ یعقوبی : ۱/۷۰ . ۲۸۲-اءعلام الدین : ۳۴۳، بحار الانوار: ۷۷/۱۸۶ به نقل از اءعلام الدین . ۲۸۳-اءمات الاءذی : اءبعده و نجاه و اءزاله و اذهبه (مجمع البحرين : ۴/۲۷۴) . ۲۸۴-الحوبة : الخطیئة (مجمع البحرين : ۲/۴۷) . ۲۸۵-نهج البلاغة : خطبه ۲۱۴، بحار الانوار: ۶۹/۳۱۱/۳۲ به نقل از نهج البلاغة . ۲۸۶-غررالحکم : ۴/۲۴۰/۵۹۴۷، مستدرک الوسائل : ۱۲/۱۱۸/۱۳۶۷۴ به نقل از غررالحکم . ۲۸۷-ثواب الاعمال : ۱۹۷/۵، مکارم الاخلاق : ۲/۹۰/۲۲۵۰، جامع الاخبار: ۱۴۶/۳۲۱/۱، محاسبة النفس : ۱۵، بحار الانوار: ۵/۳۲۹/۲۶ به نقل از محاسبة النفس در تمام کتابها به نقل از امام صادق از پدراناش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و رجوع کنید به سنن ابن ماجة : ۲/۱۲۵۴ . ۲۸۸-مستدرک الوسائل : ۱۲/۱۲۴/۱۳۶۹۳ به نقل از



تفسیر مجمع البیان و لیکن در نسخه موجود تفسیر مجمع البیان یافت نشد. ۲۸۹- ثواب الاعمال: ۲۰۰/۲، امالی المفید: ۶۷، جامع الاخبار: ۲۶۰/۲۶۶، بحار الانوار ۹۳/۳۳۱/۱۵، در تمام کتابها به نقل از امام صادق از پدرانش: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، جامع الاحادیث للقمی: ۹۷، تحف العقول: ۸. ۲۹۰- ثواب الاعمال: ۲۰۰/۲، امالی المفید: ۶۷، جامع الاخبار: ۲۶۰/۲۶۶، بحار الانوار: ۹۳/۳۳۱/۱۵، در تمام کتابها به نقل از امام صادق از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، جامع الاحادیث للقمی: ۹۷، تحف العقول: ۸. ۲۹۱- من لا یحضره الفقیه: ۴/۴۰۵/۵۸۷۶، نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶، الخصال: ۹۸/۴۷، بحار الانوار ۱۴/۳۱۹/۲۳ به نقل از الخصال در تمام کتابها به نقل از امام باقر از امام علی علیه السلام. المعجم الاءوسط: ۳/۲۱/۲۳۴۰، الزهد لابن حنبل: ۷۲ به نقل از عیسی علیه السلام، کنز العمال: ۱۵/۸۲۷/۴۳۲۸۹ به نقل از المعجم الاءوسط. ۲۹۲- تحف العقول: ۵۰۱، بحار الانوار: ۱۴/۳۰۴/۱۷ به نقل از تحف العقول. ۲۹۳- غررالحکم: ۴/۲۳۸/۵۹۳۷. ۲۹۴- شعب الایمان: ۵/۳۴۳/۶۸۶۱، حلیه الاءولیاء: ۱/۱۶، کنز العمال: ۳/۲۴/۵۲۶۸ به نقل از حلیه الاءولیاء. ۲۹۵- تحف العقول: ۹۱ و ۱۰۰، غررالحکم: ۴/۲۴۳/۵۹۶۴ با کمی اختلاف، بحار الانوار ۷۷/۲۸۹/۱ به نقل از تحف العقول. ۲۹۶- الکافی: ۲/۱۶/۳، بحار الانوار: ۷۰/۲۲۹/۵ به نقل از الکافی در هر دو کتاب به نقل از امام رضا از امام علی علیه السلام. ۲۹۷- غررالحکم: ۴/۲۴۵/۵۹۷۰. ۲۹۸- غررالحکم: ۴/۲۴۰/۵۹۴۹. ۲۹۹- الکافی: ۸/۱۶۹/۱۹۰، تحف العقول: ۳۰، بحار الانوار: ۷۷/۱۲۵/۳۲ به نقل از تحف العقول. ۳۰۰- امالی الطوسی: ۵۳۹/۱۱۶۲، تنبیه الخواطر: ۲/۶۶، تفسیر القمی: ۲/۷۰ به نقل از امام علی علیه السلام، بحار الانوار: ۷۷/۷۴/۳ به نقل از مکارم الاخلاق و لیکن در نسخه موجود مکارم الاخلاق یافت نشد، السنن الکبری: ۴/۳۰۶/۷۷۸۳، المعجم الکبیر: ۵/۷۱/۴۴۱۶.

### ۳۰۱ تا ۴۶۳

۳۰۱- نهج البلاغه: حکمت ۱۲۳، خصائص الاءئمة: ۹۹، تفسیر القمی: ۲/۷۰، غررالحکم: ۴/۲۴۴/۵۹۶۶، بحار الانوار: ۷۱/۳۶۵/۱۱ به نقل از تفسیر القمی. ۳۰۲- تنبیه الخواطر: ۱/۱۹۸. ۳۰۳- تفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام: ۶۵۰/۳۷۱، بحار الانوار: ۸/۱۶۶/۱۱۱ به نقل از التفسیر المنسوب .... ۳۰۴- اقبال الاعمال: ۳/۱۷۴، بحار الانوار: ۹۸/۳۷۷/۱ به نقل از اقبال الاعمال. ۳۰۵- نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶، تفسیر القمی: ۲/۷۱، المحاسن: ۱/۶۳/۵، بحار الانوار: ۷۰/۷/۶ به نقل از المحاسن در دو کتاب اخیر به نقل از امام صادق از پدرانش از امام علی علیه السلام. ۳۰۶- غررالحکم: ۴/۲۳۸/۵۹۴۰. ۳۰۷- غررالحکم: ۴/۲۴۰/۵۹۴۶. ۳۰۸- غررالحکم: ۴/۲۴۴/۵۹۶۶. ۳۰۹- غررالحکم: ۴/۲۳۹/۵۹۴۳. ۳۱۰- غررالحکم: ۴/۲۴۸/۵۹۷۸. ۳۱۱- غررالحکم: ۴/۲۴۸/۵۹۸۲. ۳۱۲- بحار الانوار: ۹۵/۴۵۷. ۳۱۳- قرن الشمس: اءعلاها و اول ما یبدو منها فی الطلوع (مجمع البحرین: ۶/۲۹۹). ۳۱۴- الخصال: ۵۶۵/۱، تحف العقول: ۲۵۵، بحار الانوار: ۷۴/۳/۱ به نقل از الخصال. ۳۱۵- العری: جمع عروء، و عروء الدلو و الکوز و نحوه: مقبضه (مجمع البحرین: ۱/۲۸۸، لسان العرب: ۱۵/۴۵). ۳۱۶- تحف العقول: ۱۸، بحار الانوار: ۱/۱۱۹/۱۱ به نقل از تحف العقول. ۳۱۷- نهج البلاغه: نامه ۴۵، غررالحکم ۴/۲۴۸/۵۹۸۱ و در آن حرکت نقل نشده، بحار الانوار: ۴۰/۳۴۲/۲۷ به نقل از نهج البلاغه. ۳۱۸- غررالحکم: ۴/۲۴۷/۵۹۷۶. ۳۱۹- الکافی: ۸/۱۶۹/۱۹۰ به نقل از امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، تحف العقول: ۳۰، بحار الانوار: ۷۷/۱۲۵/۳۲ به نقل از تحف العقول. ۳۲۰- الکافی: ۲/۱۴۴/۱، الاختصاص: ۲۲۸، بحار الانوار ۶۲/۴۰۰/۹۳ به نقل از الاختصاص در تمام کتابها از امام سجاد علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و رجوع کنید به نهج البلاغه: حکمت ۱۲۳ و تحف العقول: ۳۰ و جامع الاحادیث للقمی: ۹۷ و المعجم الکبیر: ۵/۷۲/۴۶۱۶. ۳۲۱- بحار الانوار: ۷۷/۳۹/۸ به نقل از سعد السعود، سعد السعود: ۵۰ و در آن الوسخ یقطع ... ذکر شده است. ۳۲۲- سوره رعد: آیه ۲۹. ۳۲۳- من لا یحضره الفقیه: ۱/۲۰۹/۶۳۳، امالی الصدوق: ۴۶۱/۱، فلاح السائل: ۹۶ در هر دو کتاب به نقل از امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، روضه الواعظین: ۳۴۸ و ۳۶۰، بحار الانوار: ۸۳/۲۶/۱ به نقل از امالی الصدوق. ۳۲۴- سنن ابن ماجه: ۱/۸۷/۲۳۸،



المعجم الكبير: ۵۸۱۲/۱۵۰/۶ با کمی اختلاف . ۳۲۵- از ظاهر حدیث چنین استفاده می شود که خداوند تبارک و تعالی جمعی را کلید شر و بدی قرار می دهد و آنان هیچ اراده ای از خود ندارند، و لیکن با مراجعه به آیات قرآن ، این معنا فهمیده نمی شود؛ چرا که خداوند تبارک و تعالی در آیه ۲۷ از سوره رعد می فرماید: یهدی الیه من یناب (خداوند هدایت می کند به سوی خود، هر که را که به سوی او بازگشت کند). بنابراین هر کس خود بخواهد که کلید شر باشد، خداوند او را چنین قرار می دهد (رجوع کنید به تفسیر المیزان : ۱۱/۳۵۳). ۳۲۶- سنن ابن ماجه : ۱/۸۶/۲۳۷، شعب الایمان : ۱/۴۵۵/۶۹۸، کنز العمال : ۱۵/۷۶۹/۴۳۰۱۸ به نقل از شعب الایمان رجوع کنید به الکافی : ۱/۱۵۴ و المحاسن : ۱/۴۴۰. ۳۲۷- غررالحکم : ۴/۲۴۳/۵۹۶۱. ۳۲۸- غررالحکم : ۴/۲۴۵/۵۹۷۱. ۳۲۹- تحف العقول : ۵۰۱. ۳۳۰- غررالحکم : ۴/۲۴۵/۵۹۷۰. ۳۳۱- غررالحکم : ۴/۲۳۹/۵۹۴۵. ۳۳۲- غررالحکم : ۴/۲۴۵/۵۹۶۹. ۳۳۳- غررالحکم : ۴/۲۴۴/۵۹۶۷. ۳۳۴- المطا: الظهر و منه قیل للبعیر مطیة لانه یرکب مطاه (مجمع البحرین : ۳۹۵). ۳۳۵- غررالحکم : ۴/۲۴۴/۵۹۶۷. ۳۳۶- امالی الصدوق : ۴۱۷/۱، الکافی : ۸/۱۳۲/۱۰۳ و در آن علی بن اسباط از یکی از معصومان ، بحار الانوار: ۱۴/۲۹۰/۱۴ به نقل از الکافی البدایة و النهایة : ۲/۷۹ و در آن خاشعا صابرا محتسبا ذکر شده است . ۳۳۷- تحف العقول : ۱۷، بحار الانوار: ۱/۱۱۸/۱۱ به نقل از تحف العقول . ۳۳۸- نوادر الراوندی : ۱۵، جامع الاحادیث للقمی : ۸۵، الجعفریات : ۱۸۳، بحار الانوار: ۷۵/۲۹/۱۹ به نقل از نوادر الراوندی در تمام کتابها به نقل از امام صادق از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، نوادر الاصول : ۱/۳۸۴، الفردوس بماء ثور الخطاب : ۲/۳۴۸/۳۵۷۶. ۳۳۹- غررالحکم : ۴/۲۳۹/۵۹۴۴؛ الزدی : الهلاک و اءرداکم : اءهلکم (مجمع البحرین : ۱/۱۸۱). ۳۴۰- نهج البلاغة : خطبه ۲۱۴، مختصر بصائر الدرجات : ۱۹۷ به همراه اضافاتی در متن روایت ، بحار الانوار: ۶۹/۳۱۱/۳۲ به نقل از نهج البلاغة . ۳۴۱- غررالحکم : ۴/۲۴۰/۵۹۴۸؛ المهمل : التؤدة و التباطؤ و الاسم : المهمل (النهایة : ۴/۳۷۵). ۳۴۲- غررالحکم : ۴/۲۴۷/۵۹۷۶ و ص ۲۴۵/۵۹۷۱. ۳۴۳- الخصال : ۶۳۸/۱۳، امالی الصدوق : ۲۵۲/۱ و در آن فقط طوبی لمتحایین فی الله ذکر شده است ، روضة الواعظین : ۴۵۷، بحار الانوار: ۱۸/۸۳/۱ به نقل از الخصال در تمام کتابها به نقل از امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، المحاسن : ۱/۴۱۳/۳۴۶ به نقل از امام صادق علیه السلام . ۳۴۴- تحات الشیء : تتاثر (لسان العرب : ۲/۲۲). ۳۴۵- تفسیر العیاشی : ۲/۲۱۲/۴۹، بحار الانوار: ۷۶/۴۱/۱۵ به نقل از تفسیر العیاشی . ۳۴۶- الخصال : ۲/۲، ثواب الاعمال : ۲۱۱/۱، امالی المفید: ۵۱/۱۱، الاختصاص : ۲۳۳ در تمام کتابها به نقل از امام صادق از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، تحف العقول : ۴۹، تنبیه الخواطر: ۱/۹۶ به نقل از عیسی علیه السلام ، بحار الانوار: ۱۴/۳۲۷/۴۶ به نقل از تحف العقول . ۳۴۷- اعلام الدین : ۳۴۳، بحار الانوار: ۷۷/۱۸۶ به نقل از اعلام الدین . ۳۴۸- امالی المفید: ۲۰۸/۶۳، بحار الانوار: ۱۴/۳۲۵/۳۸ به نقل از امالی المفید. ۳۴۹- تحف العقول : ۳۰۵ و ۵۰۲ به نقل از عیسی علیه السلام ، بحار الانوار: ۱۴/۳۰۶/۱۷ به نقل از تحف العقول . ۳۵۰- شعب الایمان : ۴/۳۹۲/۵۵۱۳، کنز العمال : ۱۶/۲۳۳/۴۴۲۸۱ به نقل از شعب الایمان . ۳۵۱- المعجم الاءوسط: ۳/۲۱/۲۳۴۰، المعجم الصغیر: ۱/۷۸، الزهد لابن حنبل : ۷۲ به نقل از عیسی علیه السلام ، کنز العمال : ۱۵/۸۲۷/۴۳۲۸۹ به نقل از المعجم الاءوسط. ۳۵۲- الکافی : ۲/۱۴۴/۱، امالی الطوسی : ۵۳۹/۱۱۶۲ در هر دو کتاب به نقل از امام سجاد علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، نهج البلاغة : حکمت ۱۲۳ به نقل از امام علی علیه السلام ، تحف العقول : ۳۰، بحار الانوار: ۷۷/۱۲۵/۳۲ به نقل از تحف العقول ، السنن الكبرى ، ۴/۳۰۶/۷۷۸۳، المعجم الكبير: ۵/۷۱/۴۶۱۵. ۳۵۳- من لا یحضره الفقیه : ۴/۴۰۵/۵۸۷۶، الخصال : ۹۸/۴۷، ثواب الاعمال : ۲۱۲/۱، امالی الصدوق : ۳۲/۲، تحف العقول : ۲۰۵، المحاسن : ۱/۶۵/۱۰، بحار الانوار : ۷۱/۲۷۵/۲ به نقل از امالی الصدوق در تمام کتابها به نقل از امام باقر از امام علی علیه السلام . ۳۵۴- مصباح الشریعة : ۱۷۶، بحار الانوار: ۷۱/۲۸۴/۳۸ به نقل از مصباح الشریعة . ۳۵۵- تحف العقول : ۵۱۲، بحار الانوار: ۱۴/۳۱۶/۱۷ به نقل از تحف العقول . ۳۵۶- الزهد لابن حنبل : ۷۲، البدایة و النهایة : ۲/۸۹. ۳۵۷- غررالحکم : ۴/۲۳۸/۵۹۳۶. ۳۵۸- نوادر الراوندی : ۴، جامع الاحادیث للقمی : ۹۶، بحار الانوار: ۷۲/۶۷/۲۷ به نقل از نوادر الراوندی به نقل از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله

علیه و آله و سلم . ۳۵۹-تحف العقول : ۵۰۱، بحار الانوار: ۱۴/۳۰۴/۱۷ به نقل از تحف العقول . ۳۶۰-ملح الشیء: بهج و حسن فهو  
 ملیح و ملیحه و الجمع ملاح (مجمع البحرين : ۲/۴۱۵) و الملح : العلماء (لسان العرب : ۲/۶۰۲). ۳۶۱-تاریخ یعقوبی : ۱/۷۰ . ۳۶۲-  
 سنن الترمذی : ۴/۵۷۶/۲۳۴۹، مسند ابن حنبل : ۹/۲۴۶/۲۳۹۹۹، صحیح ابن حبان : ۲/۴۸۱/۷۰۵، المستدرک علی الصحیحین :  
 ۱/۹۰/۹۸، المعجم الکبیر: ۱۸/۳۰۵/۷۸۶، مستدرک الوسائل : ۱۵/۲۳۱/۱۸۰۹۲ به نقل از کتاب لب الالباب . ۳۶۳-غررالحکم :  
 ۴/۲۴۲/۵۹۵۶ . ۳۶۴-الدیوان المنسوب الی الامام علی علیه السلام : ۴۱۲/۱۵۲۶، بحار الانوار: ۳۴/۴۴۰/۹۰ به نقل از الدیوان المنسوب  
 .... ۳۶۵-غررالحکم : ۴/۲۴۴/۵۹۶۶ . ۳۶۶-نهج البلاغه : خطبه ۱۷۶، تفسیر القمی : ۲/۷۱، المحاسن : ۱/۶۳/۵، بحار الانوار:  
 ۷۰/۱۰۹/۴ به نقل از تفسیر القمی در تمام کتابها قوته به جای کسرتی ذکر شده است . ۳۶۷-نزهة الناظر: ۱۲۸/۷، بحار الانوار:  
 ۷۸/۳۵۳/۹ به نقل از نزهة الناظر . ۳۶۸-مستدرک الوسائل : ۱۶/۲۱۸/۱۹۶۴۴ به نقل از لب الالباب . ۳۶۹-امالی المفید: ۲۵۲/۱،  
 امالی الطوسی : ۲۱/۲۵، بحار الانوار: ۷۱/۴۶/۵۴ به نقل از امالی المفید. ۳۷۰-تحف العقول : ۱۷، بحار الانوار: ۱/۱۱۸/۱۱ به نقل از  
 تحف العقول . ۳۷۱-الکافی : ۲/۱۶/۳، بحار الانوار: ۷۰/۲۲۹/۵ به نقل از الکافی در هر دو کتاب به نقل از امام رضا از امام علی علیه  
 السلام . ۳۷۲-تحف العقول : ۳۰۱، بحار الانوار: ۷۸/۲۷۹/۱ به نقل از تحف العقول . ۳۷۳-کضم غیظه کضما، تجرعه و حبسه و هو  
 قادر علی امضائه (مجمع البحرين : ۶/۱۵۴). ۳۷۴-غررالحکم : ۴/۲۴۱/۵۹۵۳ . ۳۷۵-الشره : الحرص علی الشیء و النشاط له و الراغبه  
 فيه (مجمع البحرين : ۳/۳۴۵). ۳۷۶-الفترة : الانکسار و الضعف (مجمع البحرين : ۳/۴۳۴). ۳۷۷-الکافی : ۲/۸۶/۲، بحار الانوار:  
 ۷۱/۲۱۱/۲ به نقل از الکافی . ۳۷۸-من لا یحضره الفقیه : ۴/۳۹۶/۵۸۴۶، امالی الصدوق : ۵۵/۸، جامع الاحادیث للقمی : ۹۸، روضة  
 الواعظین : ۵۲۱، بحار الانوار: ۷۷، ۱۱۳، ۳ به نقل از امالی الصدوق از امام صادق از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله  
 علیه و آله و سلم ، حلیة الاءولیاء: ۶/۱۱۱، الفردوس بماء ثور الخطاب : ۲/۴۴۵/۳۹۲۵ . ۳۷۹-کنز العمال : ۱۰/۲۴۸/۲۹۳۲۹ به نقل از  
 الفردوس بماء ثور الخطاب و لیکن در نسخه موجود الفردوس بماء ثور الخطاب یافت نشد . ۳۸۰-مستدرک الوسائل : ۱۷/۳۰۱/۲۱۴۰۶  
 به نقل از المجموع الرائق . ۳۸۱-جامع الاءخبار: ۱۱۴/۱۹۷، بحار الانوار : ۹۲/۱۹/۱۸ به نقل از جامع الاءخبار . ۳۸۲-جامع الاءخبار:  
 ۱۱۰/۱۹۵ . ۳۸۳-الفردوس بماء ثور الخطاب : ۲/۴۴۸/۳۹۳۲، الجامع الصغیر: ۲/۱۳۸/۵۳۱۱، کنز العمال : ۲/۵۱۵/۲۲۹۸ به نقل از  
 الفردوس بماء ثور الخطاب . ۳۸۴-نوادیر الاصل : ۱/۲۴۷، کنز العمال : ۱۴/۳۴/۳۷۸۶۵ به نقل از دیلمی ، تفسیر القمی : ۲/۱۶۳، قصص  
 الاءنبیاء: ۱۹۱/۲۴۱، بحار الانوار: ۱۳/۴۱۱/۲ به نقل از التفسیر القمی در کتابهای شیعه به نقل از امام صادق علیه السلام . ۳۸۵-امالی  
 الطوسی : ۴۸۸/۱۰۶۹، منیة المرید: ۱۰۹، بحار الانوار: ۲/۱۱/۲۴ به نقل از امالی الطوسی در تمام کتابها به نقل از امام صادق از  
 پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم . ۳۸۶-هان علی الشیء: خوف ، و شیء هین : سهل (مجمع البحرين  
 : ۶/۳۳۰). ۳۸۷-قصیا: بعیدا (مجمع البحرين : ۱/۳۴۰). ۳۸۸-الصلفاء: المكان الغلیظ الجلد، و الصلفة: الاءرض التي لا تنبت شیئا (لسان  
 العرب : ۹/۱۹۷). ۳۸۹-تحف العقول : ۱۶، بحار الانوار: ۱/۱۱۸/۱۱ به نقل از تحف العقول . ۳۹۰-حلیة الاءولیاء: ۳/۲۲۱ . ۳۹۱-  
 غررالحکم : ۶/۲۲۷/۱۰۰۸۹ . ۳۹۲-معانی الاءخبار: ۳۵/۴، تنبیه الخواطر: ۲/۹۸، التفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام :  
 ۴۷/۲۱، بحار الانوار: ۲۷/۲۲۲/۱۱ به نقل از التفسیر المنسوب .... ۳۹۳-الاحتجاج : ۲/۴۵۷/۳۱۶، التفسیر المنسوب الی الامام العسکری  
 علیه السلام : ۳۵۰/۲۳۶، بحار الانوار: ۲/۱۱/۲۱ به نقل از هر دو کتاب . ۳۹۴-امالی الطوسی : ۵۳۹/۱۱۶۳، تنبیه الخواطر: ۲/۶۶، بحار  
 الانوار: ۷۷/۹۱/۳ به نقل از مکارم الاخلاق ، السنن الکبری : ۴/۳۰۶/۷۷۸۳، المعجم الکبیر: ۵/۷۱/۴۶۱۵ و ۴۶۱۶، کنز العمال :  
 ۱۵/۹۱۷/۴۳۵۸۲ به نقل از السنن الکبری . ۳۹۵-تحف العقول : ۳۹۲، بحار الانوار : ۱/۱۴۶/۳۰ به نقل از تحف العقول . ۳۹۶-ارشاد  
 القلوب : ۱۶۶ . ۳۹۷-تحف العقول : ۵۱۲، بحار الانوار: ۱۴/۳۱۶/۱۷ به نقل از تحف العقول . ۳۹۸-همان . ۳۹۹-تحف العقول : ۵۱۲،  
 بحار الانوار: ۱۴/۳۱۷/۱۷ به نقل از تحف العقول . ۴۰۰-الکافی : ۸/۱۶۹/۱۹۰، تحف العقول : ۳۰، بحار الانوار: ۷۷/۱۳۱/۴۲ به نقل  
 از الکافی . ۴۰۱-السنن الکبری : ۴/۳۰۶/۷۷۸۳، حلیة الاءولیاء: ۳/۲۰۳ به نقل از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و

آله و سلم ، نهج البلاغه : حکمت ۱۲۳ ، خصائص الائمة عليهم السلام : ۹۹ ، تفسیر القمی : ۲/۷۱ در تمام کتابها به نقل از امام علی علیه السلام ، تحف العقول : ۳۰ ، بحار الانوار: ۷۷/۱۲۶/۳۲ به نقل از تحف العقول . ۴۰۲-شعب الایمان : ۴/۳۹۲/۵۵۱۳ ، کنز العمال : ۱۶/۲۳۳/۴۴۲۸۱ به نقل از شعب الایمان . ۴۰۳-روزی ، اگر بدون قید آورده شود اعم از رزق اقتصادی است ، پس روزی در حدیث مذکور شامل هر چیزی است که نصیب انسان شود و لیکن به علت نبودن عنوان بهتر، آن را مناسب عنوان کسب حلال دیدیم . ۴۰۴-کفاف مقداری از روزی را گویند که انسان با داشتن آن از دیگران بی نیاز شده و محتاج آنان نباشد. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در دعائی می فرماید: اللهم ارزق محمدا و آل محمد و من اءحب محمدا و آل محمد العفاف و الکفاف ، و ارزق من اءبغض محمدا و آل محمد المال و الولد . بار خدایا! به محمد و آل محمد و هر که دوستدار محمد و آل محمد است کم خواهی و کفاف را روزی کن ، و به دشمنان محمد و آل محمد مال و فرزند بسیار را روزی کن (الکافی : ۲/۱۴۰/۳ به نقل از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم .) ۴۰۵-شعب الایمان : ۷/۱۲۵/۹۷۲۴ ، الفردوس بماء ثور الخطاب : ۲/۴۴۵/۳۹۲۴ ، کنز العمال : ۳/۳۹۲/۷۱۰۰ ، جامع الاحادیث للقمی : ۹۷ ، بحار الانوار: ۷۲/۶۸/۲۹ به نقل از الامامة و التبصرة و لیکن در نسخه موجود الامامة و التبصرة یافت نشد، در دو کتاب اخیر به نقل از امام صادق از پدراننش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم . ۴۰۶-الکافی : ۲/۱۴۰/۲ ، نوادر الراوندی : ۴ ، جامع الاحادیث للقمی : ۹۶ ، بحار الانوار: ۷۲/۶۷/۲۷ به نقل از نوادر الراوندی ، سنن الترمذی : ۴/۵۷۶/۲۳۴۹ ، المستدرک علی الصحیحین : ۱/۹۰/۹۸ ، مسند ابن حنبل : ۹/۲۴۶/۲۳۹۹۹ در کتابهای اهل سنت با کمی اختلاف . ۴۰۷-غررالحکم : ۴/۲۴۲/۵۹۵۷ . ۴۰۸-المعجم الاوسط: ۳/۲۱/۲۳۴۰ ، المعجم الصغیر: ۱/۷۸ ، کنز العمال : ۱۵/۸۲۷/۴۳۲۸۹ به نقل از المعجم الاوسط، الزهد لابن حنبل : ۷۲ به نقل از عیسی ، الخصال : ۲۹۵/۶۲ ، الاختصاص : ۲۳۱ ، بحار الانوار: ۱۴/۳۲۰/۲۳ به نقل از الخصال در تمام کتابهای شیعه به نقل از امام صادق از پدراننش از علی علیه السلام از عیسی علیه السلام . ۴۰۹-بحار الانوار: ۹۹/۳۴۳/۷ ، مستدرک الوسائل : ۷/۴۲۰/۸۵۸۴ در هر دو کتاب به نقل از نوادر الراوندی و لیکن در نسخه موجود نوادر یافت نشد. ۴۱۰-الکافی : ۲/۱۴۴/۱ ، امالی الطوسی : ۵۳۹/۱۱۶۲ ، بحار الانوار: ۷۵/۲۹/۲۲ به نقل از الکافی در تمام کتابها به نقل از امام سجاد علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، نهج البلاغه : حکمت ۱۲۳ به نقل از امام علی علیه السلام ، تحف العقول : ۳۰ ، السنن الکبری : ۴/۳۰۶/۷۷۸۳ ، المعجم الکبیر: ۵/۷۱/۴۶۱۵ . ۴۱۱-الکافی : ۸/۱۶۹/۱۹۰ ، بحار الانوار ۷۷/۱۳۳/۴۲ به نقل از الکافی در هر دو کتاب به نقل از امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، تحف العقول : ۳۰ . ۴۱۲-امالی الطوسی : ۵۳۹/۱۱۶۲ ، تفسیر القمی : ۲/۷۰ ، بحار الانوار: ۷۵/۱۱۹/۴ به نقل از تفسیر القمی در هر دو کتاب به نقل از امام علی علیه السلام و رجوع کنید به الکافی : ۸/۱۶۹/۱۹۰ و تحف العقول : ۳۰ ، السنن الکبری : ۴/۳۶۰/۷۷۸۳ ، المعجم الکبیر: ۵/۷۱/۴۶۱۵ . ۴۱۳-الکافی : ۸/۱۶۹/۱۹۰ ، بحار الانوار: ۷۷/۱۳۳/۴۲ به نقل از الکافی در هر دو کتاب به نقل از امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، تحف العقول : ۳۰ . ۴۱۴-الدیوان المنسوب الی الامام علی علیه السلام : ۴۱۲/۱۵۲۶ ، بحار الانوار: ۳۴/۴۴۰/۹۰ به نقل از الادیوان المنسوب .... ۴۱۵-الکافی : ۲/۲۶۳/۱۳ ، جامع الاحادیث للقمی : ۹۶ ، الجعفریات : ۱۶۵ ، بحار الانوار: ۷۲/۱۵/۱۵ به نقل از الکافی در تمام کتابها به نقل از امام صادق از پدراننش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم . ۴۱۶-طوی فهو طاو: خالی البطن جائع لم یاء کل (مجمع البحرین : ۱/۲۷۹) . ۴۱۷-جامع الاحادیث للقمی : ۹۶ ، الجعفریات : ۱۶۵ ، بحار الانوار: ۷۵/۴۶۷/۱۷ به نقل از الامامة و التبصرة و لیکن در نسخه موجود الامامة و التبصرة یافت نشد، در تمام کتابها به نقل از امام صادق از پدراننش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم . ۴۱۸-الفردوس بماء ثور الخطاب : ۲/۴۴۹/۳۹۳۹ ، کنز العمال : ۳/۱۵۶/۵۹۴۶ به نقل از الامثال . ۴۱۹-الفردوس بماء ثور الخطاب : ۲/۴۴۹/۳۹۳۸ . ۴۲۰-تاریخ یعقوبی : ۱/۷۰ و رجوع کنید به تحف العقول : ۵۰۱ ، بحار الانوار: ۱۴/۳۰۴/۱۷ به نقل از تحف العقول . ۴۲۱-وقعة صفین : ۱۱۱ ، بحار الانوار: ۲۹/۴۰۳ به نقل از وقعة صفین ، الدرجات الرفیعة : ۳۷۷ . ۴۲۲-الفردوس بماء ثور الخطاب : ۳/۱۱۰/۴۳۰۵ . ۴۲۳-دنس الثوب : توسخ

(مجمع البحرین : ۴/۷۱). ۴۲۴-الساقه : جمع سائق و هم الذین یسوقون جيش الغزاة و یكونون من وراثه یحفظونه (النهاية : ۲/۴۲۴).

۴۲۵-الفردوس بماءثور الخطاب : ۲/۴۵۰/۳۹۴۲. ۴۲۶-صحیح البخاری : ۳/۱۰۵۷/۲۷۳۰، السنن الكبرى : ۹/۲۶۸/۱۸۴۹۸، المعجم الاوسط : ۳/۹۴/۲۵۹۵، شعب الايمان : ۴/۴۱/۴۲۸۹، الفردوس بماءثور الخطاب : ۲/۴۵۰/۳۹۴۱ با کمی اختلاف . ۴۲۷-الكافی : ۷/۱۳۹/۱۰۳. ۴۲۸-معانی الاخبار : ۱/۱۱۶، علل الشرائع : ۱۶۵/۶، بشارة المصطفى : ۲۱، تفسیر القمی : ۲/۳۲۵، بحار الانوار : ۲/۳۲۶/۷

به نقل از تفسیر القمی در هر دو کتاب به نقل از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم . ۴۲۹-معانی الاخبار : ۱/۵۱، الخصال : ۱/۴۲۵، علل الشرائع : ۳/۱۲۸، بحار الانوار : ۱۶/۹۲/۲۷ به نقل از هر سه کتاب . ۴۳۰-معانی الاخبار : ۱/۱۱۶، علل الشرائع : ۱۶۵/۶، بشارة المصطفى : ۲۱، تفسیر القمی : ۲/۳۲۵، بحار الانوار : ۷/۳۲۶/۲ به نقل از تفسیر القمی در هر دو کتاب به نقل از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، بصائر الدرجات : ۱۱/۴۱۷، روضة الواعظین : ۱۲۸.

۴۳۱-المنکب : مجتمع راءس العضد و الکشف (مجمع البحرین : ۲/۱۷۷). ۴۳۲-سوره مائده : آیه ۳. ۴۳۳-تفسیر الفرات للكوفی : ۱۲۰/۱۲۷، بحار الانوار : ۷/۲۳۶/۸ به نقل از تفسیر الفرات للكوفی . ۴۳۴-مائه منقبة : ۱۰۸/۵۳. ۴۳۵-الخصال : ۶/۳۴۲، بحار الانوار : ۲۲/۳۰۵/۱ به نقل از الخصال ، مسند الن حنبل : ۴/۳۱۰/۱۲۵۷۹ و ح ۱۶۷۳ و ۲۲۲۷۷ و رجوع کنید به صحیح ابن حبان : ۱۶/۲۱۳/۷۲۳۰ و مسند ابی یعلی : ۲/۱۲۹/۱۳۶۹ و تاریخ بغداد : ۴/۹۱. ۴۳۶-اءمالی الصدوق : ۱۸/۳۲۷، اءمالی الطوسی : ۴۴۰/۹۸۸، کنزالفوائد : ۲/۱۵۲ از امام علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، جامع الاءحادیث للقمی : ۹۷، بحار الانوار : ۳۴/۳۳۱/۱۱۲۰ به نقل از کنز الفوائد، تاریخ بغداد : ۳/۴۹ به نقل از امام علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، الفردوس بماءثور الخطاب : ۲/۴۴۵/۳۹۲۶. ۴۳۷-قصص الانبیاء : ۲۷۱/۳۴۵، الخزائج و الجرائح : ۲/۹۵۰، الدر المنثور : ۴/۶۴۵ به نقل از ابن ابی حاتم و رجوع کنید به اءمالی الصدوق : ۲۲۴/۸. ۴۳۸-الخشفة : احس و الحركة (النهاية : ۲/۳۴). ۴۳۹-کنز العمال : ۱۱/۶۵۵/۳۳۱۶۸ به نقل از حلیة الاولیاء و مسند الطالیسی . ۴۴۰-عیون اخبار الرضا علیه السلام : ۱/۳۰۳/۶۳، بشارة المصطفى : ۲۲۰ و ۱۲۵، بحار الانوار : ۲/۳۹/۲۱۱/۲ به نقل از عیون الاخبار الرضا علیه السلام در تمام کتابها به نقل از امام رضا از پدراننش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم . ۴۴۱-الجمال للمفید : ۲۶۴. ۴۴۲-نهج البلاغة : حکمت ۲۸۶، غررالحکم : ۶/۸۴/۹۶۱۶، بحار الانوار : ۶۳/۲۷/۳۲ به نقل از نهج البلاغة . ۴۴۳-الكافی : ۲/۲۸۷/۱، مشکاة الانوار : ۱۵۵، بحار الانوار : ۷۳/۳۴۵/۲۹ به نقل از الکافی . ۴۴۴-ودع الرجل فهو ودیع و وادع ؛ اءی ساکن (مجمع البحرین : ۴/۴۰۱). ۴۴۵-بحار الانوار : ۹۵/۴۷۰. ۴۴۶-مسند ابن حنبل : ۴/۱۴۱/۱۱۶۷۳، کنز العمال : ۱۱/۵۳۵/۳۲۵۰۰ به نقل از ابن جریر و صحیح ابن حبان . ۴۴۷-تفسیر الفرات للكوفی : ۱/۲۰۸، العمدة : ۳۵۰/۶۷۳، غایة المرام : ۳۹۱، بحار الانوار : ۳۹/۲۳۱/۱۰ به نقل از التفسیر الفرات ، کنز العمال : ۱۴/۴۵۷/۳۹۲۵۰ به نقل از ابن جریر.

۴۴۸-صوت جهوری : شدید عال (النهاية : ۱/۳۲۱). ۴۴۹-تفسیر الفرات للكوفی : ۲۱۰/۲۸۴ به نقل از امام باقر از پدراننش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و رجوع کنید به بحار الانوار : ۳۷/۳۱۴/۴۶ به نقل از کشف الیقین . ۴۵۰-اءمالی الصدوق : ۲۲۴/۸، کمال الدین : ۱۶۰/۱۸، اعلام الوری : ۱۳، الخزائج و الجرائح : ۳/۱۰۶۴، بحار الانوار : ۱۴/۲۸۵/۶ به نقل از اءمالی الصدوق ، البدایة و النهایة : ۲/۹۳. ۴۵۱-تفسیر الفرات للكوفی : ۲۰۹/۲۸۰، المناقب لابن شهر آشوب : ۳/۲۳۴، بحار الانوار : ۳۶/۷۰/۱۷ به نقل از الطرائف . ۴۵۲-تفسیر الفرات للكوفی : ۲۱۰/۲۸۳ به نقل از امام صادق از پدراننش از امام سجاد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و رجوع کنید به ص ۲۱۶/۲۸۹. ۴۵۳-عیون الاخبار الرضا علیه السلام : ۳۰۴/۶۳، بشارة المصطفى : ۲۲۱، بحار الانوار : ۳۴/۱۴۰/۱۰۱ به نقل از بشارة المصطفى در تمام کتابها از امام صادق از پدراننش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم . ۴۵۴-تفسیر الفرات للكوفی : ۲۱۶/۲۸۸ به نقل از امام علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، الخصال : ۴۸۴/۵۶ با کمی اختلاف به نقل از امام صادق از پدراننش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و رجوع کنید به الکافی : ۲/۲۳۹/۳۰. ۴۵۵-معانی الاخبار : ۱/۱۱۲، کمال الدین : ۳۵۸/۵۵. ۴۵۶-تفسیر القمی : ۱/۲۲ و ص ۳۶۵، اعلام الوری : ۱۵۰، بحار الانوار : ۸/۱۲۰/۱۰ به نقل از تفسیر القمی و

رجوع کنید به تفسیر الفرات للکوفی: ۲۸۶/۲۱۱، تاءویل الایات الظاهره: ۱۵/۲۳۶/۱. ۴۵۷-الرق: الجلد الرقیق الذی یکتب به (مجمع البحرین: ۵/۱۷۲). ۴۵۸-الصک: کتاب کالسجل یکتب فی المعاملات، و جمع الصک صکاک (مجمع البحرین: ۵/۲۷۹). ۴۵۹-تاریخ بغداد: ۴/۲۰۱، اءسد الغایه: ۱/۴۱۵/۴۹۲، مائه منقبه: ۱۴۵، المناقب لابن شهر آشوب: ۳/۳۴۶، الخرائج و الجرائح: ۲/۵۳۶، بحار الانوار: ۲۷/۱۱۷/۹۶ به نقل از ایضاح دفتان النواصب. ۴۶۰-ءمالی الصدوق: ۲۳۷/۳، تفسیر العیاشی: ۲/۲۱۱/۴۵، بحار الانوار: ۱۰۳/۲۷۹/۱ به نقل از ءمالی الصدوق در تمام کتابها به نقل از امام صادق از پدرانن از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، روضه الواعظین: ۱۴۶. ۴۶۱-المناقب لابن شهر آشوب: ۳/۲۳۵، الصراط المستقیم: ۱/۲۰۹، بحار الانوار: ۳۹/۲۲۶ به نقل از الفضائل الصحابه للسمعانی. ۴۶۲-فضائل الشیعہ: ۴۶، بشاره المصطفی: ۳۷، مائه منقبه: ۶۴، بحار الانوار: ۷/۲۲۱/۱۳۳ به نقل از فضائل الشیعہ. ۴۶۳-التفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام: ۶۴۶، بحار الانوار: ۸/۱۶۶/۱۱۱ به نقل از التفسیر المنسوب ....

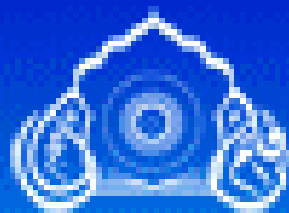
### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صد ها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۵۲۴/۲۳۵) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی



بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت : ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا : ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰۰-۰۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰ IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در گرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

